

ما می توانیم!



محمد تقی صرفی پور



الحمد لله رب العالمين والصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد(ص) و اهل بيته الطاهرين

نظام طاغوتی شاه، خودباخته بود و جوانان کشور را باور نداشت و اشاعه روحیه خودباختگی در میان مردم ایران مخصوصاً قشر دانشگاهی ضربه مهلکی بود بر علم و دانش مردم ما که بحمدالله با پیروزی انقلاب اسلامی، امام راحل، این توطئه و مرض را برای مردم ایران تبیین کردند و خطرات آن را گوشزد فرمودند و جوانان را به داشتن روحیه خودباوری، تشویق فرمودند.... مردم ایران به ندای امامشان جواب مثبت داند و با روحیه خودباوری به جنگ خودباختگی رفتند و جوانان دانشمند ایرانی با تلاش و مجاهدت در این سالهای اخیر حماسه های بزرگی در میدان علم و دانش خلق کردند. حماسه آفرینی و نقش بی بدیل جوانان در دوران انقلاب اسلامی به خصوص در هشت سال دفاع مقدس و سپس در سنگرهای علم و دانش نقشی ماندگار و ستودنی است؛ بطوری که ایران اسلامی تبدیل به یک ابرقدرت منطقه ای شده است و در مسائل مختلف علمی و دانش بنیانی به درجات بالایی رسیده است که جزو چند کشور اول دنیا می باشد.

مقام معظم رهبری خودباوری و اعتماد به نفس را یک منبع لایزال قدرت برای نجات و هدایت کشتی نهضت و انقلاب از گردنه ها و گردابهای سخت می دانند و تأکید می کنند: "ملت ایران در مسیر تحقق آرمان اصلی خود یعنی ایجاد جامعه اسلامی و پیمودن این راه پرافتخار، بدون حفظ و تقویت اعتماد به نفس ملی موفق نخواهد بود".

در این کتاب به تاثیر خودباوری و اینکه ما می توانیم! در پیشرفت همه جانبه کشورمان، از زوایای مختلف پرداخته شده است.

بنام خدا با سلام و احترام

□ چهل سال است القا می کنند که شما نمی توانید، شما بدترین مردم جهان هستید، شما فاسدترین مردم و مسئولان جهان را دارید، شما بدبخت ترین و افسرده ترین مردم جهان هستید...

□ پس بیاید مروری متفاوت بکنیم بر خودمان و آنچه امروز هستیم □ □

□ ایران؛ در زمره امن ترین کشورهای جهان (طبق رده بندی دو موسسه معروف انگلیسی بنام «انترنشنال SOS» و «کنترل ریسک»)

□ ایران، قطب پزشکی خاورمیانه

□ ایران؛ کشوری که نامی از آن در لیست 50 کشور پر سرطان جهان وجود ندارد (طبق لیست منتشر شده توسط بنیاد بین المللی پژوهش در مورد سرطان)

□ ایران؛ دارای دومین ارتش قدرتمند سایبری جهان (به اقرار نشریه اکونومیست)

□ ایران، چهارمین کشور جهان در زمینه علم نانو

□ ایران؛ دارای سومین مرکز پیوند عضو برتر جهان (بیمارستان نمازی شیراز)

□ ایران؛ سریع ترین کشور جهان از نظر رشد نوآوری

□ ایران؛ سومین کشور پیشرفته جهان در زمینه دانش سلول های بنیادی

□ ایران، ششمین کشور پرتاب کننده موجود زنده به فضا

□ ایران، طراح و سازنده قدرتمند ترین سلاح تک تیرانداز جهان (باهر)

□ ایران؛ دومین کشور جهان در زمینه ساخت «هواپیمای خورشیدی استراتژیک ارتفاع بالا» بعد از آمریکا

□ ایران؛ بزرگترین تولید کننده متانول جهان

□ ایران، یکی از چند کشور سازنده جت جنگنده در جهان (جت کوثر)

□ ایران؛ پنجمین کشور تولید کننده کاغذ از سنگ در جهان

□ ایران؛ تنها سازنده داروی آنژی پارس (درمان زخم های دیابتی) و ایمود (کنترل بیماری ایدز) در جهان

□ ایران؛ یکی از چند کشور سازنده دستگاه جراحی الکتریکی فرکانس بالا در جهان

□ ایران؛ 37 امین صادر کننده برتر جهان در بین 227 کشور (طبق گزارش بخش اقتصادی سازمان سیا)

□ ایران؛ دومین کشور سازنده دستگاه شتاب دهنده خطی پرتو درمانی در جهان

□ ایران، بزرگترین شکارچی پهپادهای فوق پیشرفته جاسوسی جهان

□ ایران؛ دوازدهمین کشور جهان در زمینه دندانپزشکی

□ ایران، یکی از چند کشور جهان که بیش از 95 درصد داروهای مورد نیاز مردمش را خودش تولید میکند.

□ ایران، سیزدهمین قدرت برتر جهان از نظر سیاسی نظامی و اقتصادی (طبق گزارش روزنامه
ایندیپندنت انگلستان)

□ ایران؛ پرشتاب ترین کشور دنیا در زمینه رشد امید به زندگی (طبق جدول سازمان ملل)

□ ایران؛ یکی از چند کشور سازنده ناوشکن های اقیانوس پیما در جهان

□ ایران؛ پر سرعت ترین کشور جهان در زمینه رشد شاخص توسعه انسانی (بر اساس جدول سازمان
ملل)

□ ایران؛ پنجمین کشور جهان در زمینه فناوری برتر قرن 21 یعنی لیزر

□ ایران؛ رتبه اول خاورمیانه و هفدهم جهان در زمینه پرورش آبزیان

□ ایران؛ هشتمین کشور جهان از نظر گسترش خطوط لوله کشی گاز و بهره مندی مردم از گاز

□ ایران؛ از پیشرفته ترین کشورهای جهان در زمینه درمان ناباروری

□ ایران؛ بیستمین کشور جهان از نظر ترانزیت دریایی

□ ایران؛ دارنده چهارمین نیروی بزرگ دریایی جهان (بر اساس رده بندی وب سایت آمریکایی
(BusinessInsider)

□ ایران؛ دارنده بالاترین نرخ رشد پذیرش دانشجوی خارجی در جهان (طبق گزارش سازمان
یونسکو)

□ ایران؛ پانزدهمین کشور جهان در زمینه دانش سلول های بنیادی

□ ایران؛ پر افتخار ترین کشور جهان از نظر فعالیت های قرآنی و تنها کشور جهان که یکی از شروط
تصویب قانون در آن ، عدم تضاد با قرآن است.

□ ایران؛ رتبه نخست جهان در زمینه مبارزه با مواد مخدر در خاک خود (طبق گزارش سازمان ملل)

□ ایران؛ برگزار کننده و مدیریت کننده بزرگترین تجمعات گسترده تاریخ جهان (راهپیمایی های
داخلی و خارجی و پیاده روی اربعین)

□ ایران؛ تنها کشور جهان که شکل حکومت آن از طریق انتخابات مشخص شده (رای 98 درصدی به جمهوری اسلامی)

□ ایران؛ تاب آورده ترین، مقاوم ترین و بالنده ترین کشور جهان در زیر سنگین ترین و گسترده ترین تحریم های جهان

□ ایران، هدف مسموم ترین موج های شایعه و القای اخبار نا امید کننده

□ ایران، بزرگترین نگرانی آمریکا ...

□ و ایران کشوری که این طومار، ظرفیت انعکاس همه ی افتخاراتش را نداشت...

تمام این پیشرفت ها در صورتی بوجود آمده است که جمهوری اسلامی درگیر توقف و ویرانی های 10 ساله بابت جنگ یک طرفه دنیا علیه ایران بوده و با وجود شدیدترین تحریم های تاریخ بشریت، بوجود آمده...

□ شاید باور کردنش برای آنها که هر روز هزاران تهمت و شایعه بر علیه کشور ما میسازند سخت باشد...

انسان اشرف مخلوقات خداوند حکیم

در مراجعه اجمالی به قرآن کریم، انسان به عنوان خلیفه خدا بر روی زمین و موجودی که خداوند او را کرامت بخشیده و امانتدار خود قرار داده معرفی می گردد. با توجه به این که عناوین سه گانه «خلافت» «کرامت» و «امانتداری» اختصاص به انسان داشته و درباره سایر موجودات به کار نرفته اند، بیان کننده ی منزلت، فضیلت و جایگاه ویژه انسانی است.

مقام خلیفه الهی انسان که قرآن از آن پرده برداشته نوعی خلافت تکوینی است و نه امری اعتباری و قراردادی همانند مناصب اجتماعی و مسئولیت های اداری. چنانکه در آیه 30 سوره بقره از خلقت آدم - علیه السلام - به عنوان قرار دادن خلیفه بر روی زمین یاد شده است.

قرآن کریم همه آدمیان را مورد تکریم الهی قرار داده و می فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» [اسراء / 70].

به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.

این کرامت عام، به صورت تکوینی است یعنی خلقت آدمی به گونه ای است که قابلیت ها و توانائیهای خاصی به او عطا شده است و به واسطه این ویژگی ها، در جایگاهی برتر نسبت به بسیاری از مخلوقات قرار گرفته است. در موارد متعدد دیگری بر این مهم تأکید شده که آسمانها و زمین برای شما خلق شده است [لقمان / 20؛ بقره / 29] و در خدمت انسان ها قرار گرفته اند. پس خلقت انسان به گونه ای است که قابلیت و استعداد رسیدن به مدارج عالی کمال و قرب الهی در فطرت او نهاده شده است اگر چه فقط بعضی انسانها زمینه های تکوینی را شکوفا کرده و به کرامت والای انسانی نائل می شوند...

توانائی های انسان

گویند انسان های موفق فقط از بیست درصد استعداد خود استفاده می کنند و افراد نابغه فقط از سی درصد استعدادهای که خدا در آنها قرار داده استفاده می کنند و بقیه هدر می رود! ولی امامان ما از همه صد درصد استعدادهای خود استفاده می کرده اند.

ما باید با تلاش و اراده قوی از توانائی هایی که خداوند در ما قرار داده است استفاده کنیم
امیرمومنان می فرماید: **أَتَزْعَمُ أَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ... آیا گمان می کنی که جرم کوچکی هستی؟ درحالی که دنیای بزرگتری در تو نهفته است¹!**

و یک راه ان این است زندگی افرادی که دارای معلولیت بوده اند ولی با تلاش به درجات بالای مادی و معنوی رسیده اند را مطالعه کنیم.

معلولیت در لغت معنای نقص می دهد، ولی بسیاری از افرادی که دچار معلولیت هستند، نشان داده اند که معلولیت نه تنها یک نقص نیست، بلکه می تواند زمینه ساز موفقیت های بزرگی شود. بسیاری از بزرگان و مشاهیر تاریخ دچار معلولیت بوده اند؛ اما با عزم و اراده راسخ، نقصان های جسمانی را کنار زده و نور امید و روشنایی سعادت را بر زندگی خود تابانیده اند.

مصاحبه با دانشمند معلول ایرانی

اراده و پشتکار واژه هایی هستند که در زندگی افراد معلول رنگ و بوی دیگری دارند، افرادی که هر کدامشان در برابر نگاه ها و مشکلات پیش رو قهرمان دنیای پیرامونشان هستند. در این میان بسیاری معلولینی که توانسته اند در عرصه های مختلف اجتماعی و علمی موفقیت های بی نظیری کسب کنند. از جمله بارزترین نمونه هایی که می توان نام برد خانم دکتر بهاره هنرپرور است که دکترای شیمی کوانتومی در زمینه شبیه سازی و محاسبات کوانتومی بیوسیستم ها و طراحی دارو را از دانشگاه علوم و تحقیقات اخذ نموده و توانسته است عناوین و نشان های متعدد علمی را در سیمناهای داخلی و در کنار عنوان نخبه و چهره علمی موفق در سال 1385 کسب ISI خارجی با چاپ مقالات متعدد

¹.دیوان، منسوب به امام علی(ع)

کند. او همواره در انتظار فرصتی برای استفاده از دانش خود به تحقیق و پژوهش بوده تا شاید پتانسیل‌ها و توانایی‌های علمی‌اش مسوولی را تحت تاثیر قرار دهد و با دریافت امکانات و شرایط پژوهشی هر چه بیشتر بتواند در عرصه‌های علمی برای کشور افتخارآفرینی کند اما چنین نشد و او سرانجام دعوت همکاری با یکی از گروه‌های تحقیقاتی ایدز در کشور آفریقای جنوبی را می‌پذیرد. دکتر هنرپرور در حال حاضر به مدت سه سال است که زندگی مستقل خود را دور از پدر و مادر که مهمترین حامیان او بوده‌اند به عنوان یک محقق بین‌المللی در زمینه طراحی داروی بیماری ایدز در کشور آفریقای جنوبی شروع کرده است. آنچه در ادامه آمده حاصل گفت‌وگوی ما با خانم دکتر بهاره هنرپرور است که به مناسبت موفقیت‌های جدید ایشان انجام شده است

خانم دکتر از شما به عنوان یکی از افرادی که توانسته در عرصه‌های متعدد علمی افتخارآفرینی کند یاد می‌شود از موفقیت‌های جدیدتان برایمان بگویید

با سلام و تشکر از توجه شما در معرفی محققین موفق در عرصه‌های علمی، در خصوص جدیدترین موفقیت‌های علمی‌ام می‌توانم از شرکت و ارائه کارم در کنگره بین‌المللی آلمان در آبان 1391 و در زمینه طراحی داروی ایدز یاد کنم. پس از موفقیت ISI همچنین چاپ مقالات متعدد علمی کنگره آلمان برای دیدن خانواده به ایران آمدم و افتخار این را داشتم که خبر قبولی یکی از مقالات با امتیاز 33 را از طریق ایمیل از گروه تحقیقاتی آفریقای جنوبی دریافت کنم ISI علمی‌ام در مقاله و این موفقیت را در کنار خانواده و دوستان جشن گرفتم

چه شد که تصمیم گرفتید در کشور آفریقای جنوبی به تحقیق و پژوهش بپردازید؟

من چند ماه قبل از اتمام دوره تحصیلی دکترای خود را آماده چالش یافتن موقعیت اجتماعی و شغلی در زمینه تخصصی خودم می‌کردم. در این زمینه درخواست‌های متعدد همکاری در داخل و خارج از کشور به همراه رزومه ارسال می‌کردم

به قول مولانا

گفت پیغمبر که گر کوبی دری

عاقبت زان در برون آید سری

تا اینکه با پاسخ مثبتی از کشور آفریقای جنوبی و چند کشور دیگر مواجه شدم. ضمن اینکه به شنیدن پاسخ مثبتی از مراکز تحقیقاتی ایران نیز امیدوار بودم و با شناختی که از روحیه پر جنب و جوش خودم داشتم به فکر رسید که اگر با رد کردن پاسخ‌های مثبت پیش رو داشته از کشورهای خارجی به انتظار دریافت پاسخی از ایران بنشینم ممکن است زمان و همه موقعیت‌های کسب شده را از دست بدهم. این بود که تصمیم گرفتم همکاری علمی با گروه تحقیقاتی آفریقای جنوبی را شروع کنم تا اینکه فرصتی مناسب شغلی در ایران بیابم و بتوانم روزی تجربیات خود را در جهت خدمت به میهن عزیزم به اجرا بگذارم.

آیا فکر می‌کنید معلولیت جسمی حرکتی شما مانعی برای فعالیت شما در عرصه‌های علمی و کاری به حساب می‌آید؟

خوشبختانه رشته و زمینه کار تخصصی من فکری است و تنها به یک روحیه قوی و صبور، قلب و مغز سالم و فعال نیاز دارد. در حقیقت خودم مخصوصاً این زمینه تخصصی را این طور انتخاب کردم که بتوانم از توانایی‌های ذهنی و فکری خود حداکثر استفاده را بکنم و معلولیت جسمی حرکتی مانع پیشرفت من نشود. یادم می‌آید روزهای انتخاب رشته همواره به خودم می‌گفتم نباید بگذارم چرخ‌های ویلچرم جلوی چرخ زندگی‌ام را بگیرد و به خودم می‌گفتم یا راهی خواهم یافت یا راهی خواهم ساخت. لذا با همین شرایط فیزیکی توانسته‌ام به لطف خدا بهره کافی را از الطاف الهی ببرم. پس به نظر می‌رسد با تقویت فرهنگ جامعه در جهت ایجاد فرصت‌های برابر برای معلولین و مناسب‌سازی شهری و تردد می‌توانیم معلولین را در عرصه‌های مختلف علمی، هنری و ورزشی بسیار کارآمد بیابیم.

فکر می‌کنید نبود نگاه صحیح به افراد معلول سوابق کاری شما را تحت تاثیر قرار داده و پیشنهاد کاری مناسب داخلی دریافت نکردید و یا عوامل دیگری موثر بوده‌اند؟

از آنجائیکه من 3 ماه بلافاصله پس از دفاع از رساله دکترای خودم راهی کشور آفریقای جنوبی شدم نمی‌توانم قضاوت صحیح در مورد این سوال داشته باشم زیرا پاسخگویی به این سوال نیاز به زمان و

ارتباطات و دریافت بازتاب‌های مختلف دارد. ولی در این چند موردی که در کشورم اقدام کردم اولین سوالی که کارفرمایان از من می‌پرسیدند (آیا می‌توانی هر روز با این شرایط سر کار حاضر شوی؟؟) آیا می‌توانی با این شرایط فیزیکی بنویسی؟؟ و آیاهای دیگر... نشان دهنده عدم نگاه صحیح به پذیرفتن افراد معلول در فعالیتهای علمی و اجتماعی می‌تواند باشد. غیر از این عامل فرهنگی عوامل دیگری از قبیل کمبود فضاهای مناسب سازی شده و وسایل تردد ویژه و سرویس‌های بهداشتی مناسب نیز موثر بودند. یادم می‌آید که در مواردی به من می‌گفتند ما به توانائی‌های علمی شما پی بردیم و به تخصص شما نیاز داریم ولی همانطور که خودتان هم می‌بینید آسانسور و رمپ کافی و امکان پذیرایی از شما را نداریم و شما اذیت خواهید شد. جالب این است که خودم فکر متعدد و رفتن ISI می‌کردم با این سفر علمی و زندگی مستقل در دیار غریب و نوشتن مقالات روزانه به سر کار با همین شرایط جسمی توانسته باشم به بسیاری از ابهامات و باورهای اکثر افراد جوابگو باشم. ولی در همین 1/5 ماه که برای دیدار خانواده و کشور عزیزم در ایران بودم به چند پژوهشگاه سر زدم رزومه و تخصص علمی من تأیید شد و در مصاحبه علمی به صورت شفاهی موفق بودم با این حال باز هم از من پرسیدند خانم دکتر تبریک می‌گم در مصاحبه علمی موفق شدید ولی آیا می‌توانید هر روز به سر کار بیایید و همان آیاهای دیگر... هنوز به همان قوت به گوشم خورد. با این حال در حال حاضر چند مرکز پژوهشی در ایران در حال تصمیم‌گیری نهائی هستند

فکر می‌کنید چرا افرادی مانند شما که سرمایه‌های کشور هستند به سختی می‌توانند از علم و دانش خود در جهت منافع داخلی استفاده کنند و از نظر شما سیستم علمی آموزشی ما تا چه حد به دنبال استفاده از نوابع است؟

فکر می‌کنم بازنگری دقیق و عمیق در برنامه‌ریزی و تقویت فرهنگ کشور در خصوص سرمایه‌گذاری در زمینه جذب محققین و نوابع می‌تواند راهگشای بازیافت سرمایه‌های کشور در نقاط مختلف جهان باشد. حقیقتش در این سه سال دوری از کشور با دانشمندان مختلف موفق ایرانی در کشورهای مختلف در تماس هستم و با این که همگی از پیشرفت و دستاوردهای موفق خود یاد می‌کنند خوشحال و راضی هستند ولی همگی آرزو می‌کنند بتوانند این دستاوردها را در کشور

خودمان و در کنار خانواده داشته باشند.

از زندگی مستقل خود برایمان بگویید و اینکه در حال حاضر در آفریقای جنوبی از چه امکاناتی برخوردار هستید؟ محل زندگی من 10 دقیقه تا محل کارم فاصله دارد و سه همسایه در اطراف خودم دارم که یکی از آنها صاحبخانه‌ام است و همگی مهربان و خونگرم هستند از ساعت 8 تا 5 عصر هر روز سرکار می‌روم و در ساعات کاری علاوه بر تحقیق مسئول نظارت بر پروژه‌های دانشجویانم هستم بعد از کار و برگشت به خانه کمی استراحت و ورزش و عبادت می‌کنم و از صحبت و دیدار با خانواده از طریق نرم افزار اسکایپ لذت می‌برم.

حقیقتش از امکانات موجود در آفریقای جنوبی پرسیدید باید واقعاً اعتراف کنم که به غیر از مناسب‌سازی شهری و در نظر گرفتن رمپ و آسانسور و ملاحظه رفتاری و فرهنگی افراد جامعه در جهت پذیرش معلولین ما نیاز به امکانات خاص دیگری نداریم و همه این امکانات نامبرده را که جزو حقوق عادی شهروندی است را من در اینجا دارم.

در میان دانشمندان معلول و غیر معلول کدامیک برای شما الهام بخش بوده‌اند و چرا؟
من همواره سعی می‌کنم از هر دو گروه دانشمندان معلول و غیر معلول و حتی از تمام کائنات و حتی از دانشجویان و دوستانم الهام بگیرم. به یاد دارم زمانی که در ایران بودم سعی می‌کردم تا بتوانم در برخی جلسات تفریحی و اجتماعی دوستان در گروه انجمن باور که متشکل از انواع دوستان معلول و غیر معلول موفق در کنار هم بود شرکت کنم و از فعالیت‌های آن قهرمانان زندگی نیز الهام بگیرم.
در دوره تحصیلی کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس آشنایی من با دانشمند معلول انگلیسی (پرفسور ویلیام استیفن هاو کینگ) که با وجود معلولیت شدید آسیب‌دیدگی مغزی که حتی در گفتار هم مشکل دارد ولی توانست با اخذ دکترای فیزیک کوانتومی لقب کرسی انیشتین را بگیرد بسیار برایم الهام‌بخش بود.

این همه فعالیت و کار سنگین تحقیقاتی نیاز به انرژی زیادی دارد؛ منشا این همه انرژی کجاست؟
واقعاً سوال جالبی کردید و این سوال را اینجا اکثر افراد از من می‌پرسند زیرا با وجود کار و

مسوولیت های سنگینی که اینجا بر دوش دارم هیچ وقت ابراز خستگی نکرده ام و نمی کنم و منشاء این همه انرژی را از اتصال به خالقم می دانم که همواره به من انرژی و عشق به خدمت و کار می بخشد

بزرگترین هدف خانم بهاره هنر پرور چیست؟

هدف من مثل هر انسان دیگر تعالی و کمال در جهت قربته الی الله است و آرزو دارم در طول عمرم بتوانم به نتایج ارزشمند علمی در زمینه تخصصی خود برسم، دانشجویان موفق را پرورش دهم و از نعمات و الطاف و استعدادهایی که خداوند به من هدیه داده است نهایت استفاده را ببرم. چون فکر می کنم بهترین راه برای سپاسگزاری از خداوند، استفاده از استعدادها و توانایی های الهی در جهت رضای او و بندگانش است

و سخن پایانی شما؟

امیدوارم با تلاش و مبارزه در چالش ها بتوانیم فرهنگ خود باوری را تقویت کنیم تا زمینه برای فرهنگ سازی در جهت باور جامعه را مستعد و بارور سازیم

توانایی شگفت انگیز زن معلول ایرانی

مجموعه: مطالب جالب و خواندنی

توانایی شگفت انگیز زن معلول ایرانی

افراد معلول که از پا نمی نشینند و تسلیم معلولیت و محدودیت ها نمیشوند. این افراد اعجوبه های زمینی هستند. خبرگزاری اسوشیتدپرس در گزارشی توانایی شگفت انگیز بانوی معلول ایرانی که

بدون دست و پا نقاشی، خوشنویسی، قالی بافی، آشپزی می کند، خرید می کند و حتی پینگ پنگ بازی می کند را به تصویر کشیده است.

زهره اعتضادالسلطنه متولد سال ۱۳۴۱ در تهران است و به صورت مادرزادی دچار معلولیت از ناحیه دو دست است. او دوران ابتدایی خود را در مدرسه استثنایی گذارند اما از سال پنجم ابتدایی آموزش خود را در مدارس عادی ادامه داد و آن را با موفقیت به اتمام رساند. وی در رشته روان شناسی تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده است.

او می گوید: “من با وجود معلولیت بدون معلم و با کمک مادر و پدرم و خواهر و برادرهایم توانستم با لذت زندگی کنم و در مبارزه با سختی ها به زندگی لبخند زدم و لذت بردم. اکنون می خواهم آنچه آموخته ام را در اختیار هموعان خودم قرار دهم که می توان با معلولیت هم به زندگی لبخند زد و لذت برد.”

این بانوی هنرمند ایرانی عضو انجمن بین المللی نقاشان آلمان نیز هست و تاکنون در داخل و خارج از ایران نمایشگاه های مختلفی از آثار هنری خود برپا کرده است. بانوی هنرمند ایرانی خوشنویسی نیز می کند و این هنر را به کودکان توانخواه بدون دست نیز آموزش می دهد.

او می گوید: “باورم این است وقتی آهنی آبدیده شود، باارزش تر می شود. هر چقدر انسان هم دچار سختی و مصیبت شود، آبدیده و ارزشمندتر می شود. افرادی که با سختی به جایی رسیده اند تبدیل به الگو می شوند.”

این بانوی نقاش درباره وارد شدن به رشته نقاشی می گوید: “در یکی از نمایشگاه ها که انجمن معلولین ایران برپا کرده بود، خانمی را دیدم که با دهان نقاشی می کند. او به من گفت خیلی دوست دارید نقاشی کنید؟ گفتم بله دوست دارم، ولی باید کار سختی باشد.

گفت: نه سخت نیست و مرا پذیرفت که به من نقاشی یاد بدهد. دوره های مقدماتی را پیش او یاد گرفتم و بعد در کلاس های خصوصی شرکت کردم و این هنر را کامل کردم.”

زهره اعتضادالسلطنه درباره این که چه طور وارد رشته پینگ پنگ شد نیز می گوید: “یک روز رفتم و در باشگاهی ثبت نام کردم و گفتم من استثنایی ام. گفتند چه کمکی می توانیم به شما کنیم؟ گفتم فقط میز اداری در کنار میز پینگ پونگ بگذارید، من بازی می کنم که موفق هم شدم.

ولی دوست داشتم در بازی های پارالیمپیک شرکت کنم که فدراسیون معلولین و جانبازان با من همکاری نکرد.”

زهره اعتضادالسلطنه برای انجام کارهای روزمره خود مستقل است و حتی علاوه بر کارهای خود از اعضای خانواده‌اش نیز پرستاری می‌کند. او درباره معلولیت معتقد است وقتی فردی دچار مشکلی می‌شود، باید خود را پیدا کند....

من نمی‌بینم، اما می‌توانم بشنوم. دست ندارم، اما پاهایم سالم است. قدرت حرکت ندارم، ولی می‌توانم حرف بزنم و خواسته‌هایم را بر زبان بیاورم یا از حق خود دفاع کنم. خلاصه اگر یک عضو ندارم، خداوند صدها عضو سالم دیگر در بدنم قرار داده است تا با استفاده از آنها کمبودهایم را جبران کنم... اینها و جملات مشابه دیگر نمونه‌های از هزاران سخنی است که بر زبان افراد ناتوان، ولی موفق جاری می‌شود و ما را به فکر فرو می‌برد. حال، من و شما که در سلامت کامل به سر می‌بریم، چه می‌گوییم؟ جز این است که تواناییهای خود را نادیده می‌گیریم و در مقابل کوچکترین مشکلی که در مقابلش قرار می‌گیریم، زبان به شکوه و شکایت باز می‌کنیم، آیا میدانید علت بسیاری از شکستهای ما در زندگی همین است. این که ما از خود انتظاراتی داریم که نباید داشته باشیم؟ خداوند در وجود هر انسان تواناییهایی خاص او و متناسب با جسم و افکارش قرار داده است که بر اساس آن، اعمال و رفتار انسانها را می‌سنجد و به آنها پاداش و یا کیفر می‌دهد. با دقت به پیرامون خود نگاه کنید. عده‌ای هستند که نیروی بدنی خوبی دارند و بدون کمک دیگران اجسام سنگین را به راحتی جا به جا می‌کنند، برخی هم هستند که از هوش بسیار بالایی برخوردارند و هر چیزی را به خوبی می‌فهمند و یاد می‌گیرند، عده‌ای ثروت دارند و گروهی هم از نظر ما هیچ چیز کم ندارند. در مقابل افرادی هستند که بنابر مصلحت الهی و نظام پیچیده خلقت، نقص عضو و یا در یادگیری مشکل دارند و خلاصه یکی یا همه آنچه را که گفته شد، ندارند. حال نگاهی به خود بیندازید و ببینید چه دارید و چه ندارید و چقدر شکرگزار خداوند هستید؟ چگونه از تواناییهای خود استفاده کرده و با ناتوانی خود کنار آمده‌اید؟ ابتدا باید دانست، اینها همه، وسیله‌هایی برای آزمایش انسانها هستند؛ زیرا خداوند فرموده است: (احسب الناس أن یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون)؛ ایا مردم می‌پندارند همین که گفتند ایمان آوردیم، رهایشان می‌کنیم و آنها را مورد آزمایش قرار نمیدهیم! (عنکبوت، آیه 2). پس هر کس باید

بداند که از تواناییهای خود چگونه در راه کسب رضای الهی، استفاده کند تا از آزمایش الهی سربلند بیرون بیاید. نکته دوم آن که اگر همه انسانها توانایی انجام یک کار را داشته باشند، تکلیف سایر نیازهای آدمی چه میشود؟ مثلاً در نظر بگیرید همه انسانها کشاورز باشند، در این صورت چه کسی گندم آنها را به نان تبدیل میکند و یا وسایل کار آنها از کجا به دست میاید؟ مشاغل مختلفی که مردم نیاز به محصول آنها دارند، چگونه ایجاد میشود؟ نکته سوم آن که انسان موجودی اجتماعی است و در تمام مراحل زندگی نیاز به دیگران دارد، اگر هر کس کار خودش را انجام دهد (بر اساس یک توانایی مشترک) در این صورت برای نیازی که رفع آن در توانش نیست، به کجا باید مراجعه کند؟ علاوه بر اینها، انسانها حتی در شکل ظاهر هم باید تفاوت دارند. خداوند در آیه سوره حجرات 13 فرموده است: (یا آیها الناس إنا خلقناکم من ذکرو انثی...) ای مردم، به درستی که ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و گروه گروهتان کردیم تا یکدیگر را بشناسید. به درستی که گرامیترینتان نزد خدا، باتقواترین شماست.

پس تفاوت باید وجود داشته باشد تا انسانها یکدیگر را بشناسند و به دلیل شباهت داشتن، به جای همدیگر محاکمه نشوند!

اگرچه بعضی تواناییها و استعدادها در انسانها مشترک هستند، ولی باز هم اگر توجه کنیم، تفاوتهایی را میان آنها مشاهده میکنیم که این تفاوتها موجب متمایز شدن آثار آنها از یکدیگر میشوند. شما وقتی دو اثر نقاشی را از دو نفر نقاش ببینید، با وجود اینکه هر دوی آنها یک نقاشی هستند، ولی باز تفاوتی در آنها مشاهده میکنید و چه بسا یکی را پسندید و دیگری چندان توجهتان را جلب نکند، همچنین بسیاری از آثار هنری هستند که در جهان به دلیل ویژگیهایی خاصی که دارند، طرفدارانی پیدا کردهاند اینها همه نشان دهنده تفاوت تواناییهای افراد با وجود استعدادهای یکسان است.

متأسفانه بعضی افراد تواناییهای خود را نادیده میگیرند و حسرت داشتههای دیگران را میخورند! این افراد به جای اینکه درصدد کشف استعدادها و تواناییهایشان باشند، سعی می کنند کارهای دیگران را تقلید کرده و مانند آنها عمل کنند و وقتی هم نتوانستند، خیلی زود نا امید شده، به خداوند بدگمان

میشوند! بدون شک همه ما زمینه لازم برای رشد و تکامل را داریم، اما نمی دانیم چگونه در این راه قدم برداریم و به اصطلاح استعدادهای خود را کشف کنیم. البته افراد در این رابطه متفاوت هستند. عده‌ای به طور تصادفی متوجه وجود استعدادشان میشوند و عده‌ای هم تلاش میکنند تا تواناییهایشان را کشف کنند. در هر صورت مهم این است که این افراد چگونه از استعداد خود بهره بگیرند و آن را به کار ببرند.

بنابراین، هرکس باید بداند استعداد انجام چه کاری را دارد و برای آن کار، تلاش کند تا به نتیجه برسد. بعضی اوقات لازم است کار جدیدی را شروع کنیم و آنقدر آن را تجربه کنیم تا طعم موفقیت را بچشیم. مسلم است که انجام این کار نیاز به صبر زیاد و پشتکار فراوان دارد. اگر کاری را به طور خدادادی بلد هستیم، اصول و فنون آن را یاد بگیریم و آن را تقویت کنیم. نکته‌ای که لازم است در اینجا به آن پرداخته شود، این است که استعداد امری خدادادی است و نباید به خاطر نداشتن بعضی چیزها ناراحت شد و یا به خدا شکایت برد؛ یعنی اگر کاری را شروع کردید و سعی فراوانی برای پیشرفت در آن کار از خود نشان دادید، اما نتیجه‌های نگرفتید، باید بدانید که خداوند توانایی انجام این کار را در وجود شما قرار نداده است. شما دارای استعداد دیگری هستید که بهتر است به آن پردازید و موفقیت خود را در آن امتحان کنید. موضوع دیگر آن است که در تمام جهان افرادی هستند که دارای معلولیت میباشند و از معلولیت خود رنج میبرند. این افراد با تقویت روحیه ایمان در خود میتوانند با معلولیتشان کنار بیایند و رنجی حاصل از این مشکل را بر خود هموار سازند. آنها باید بدانند که خداوند به اندازه توانی که به آنها داده است، از آنها انتظار دارد و پاداش عملشان را متناسب با حالشان و حتی بیشتر از آن میدهد، همچنین میتوانند به مطالعه زندگی افراد معلول ولی موفق پردازند و با تحولی که در خود ایجاد میکنند، سرمشق و الگوی دیگران قرار بگیرند. بسیاری از شما با زندگی «هلن کلر» که فردی نابینا و ناشنوا بود، آشنایی دارید. در نظر اول، همه ما تصور میکنیم کسی که نه قدرت شنیدن دارد نه قدرت دیدن، چگونه میتواند زندگی کند و اصلاً دیگران چگونه میتوانند با او ارتباط برقرار کنند. اما مربی او که متوجه شده بود این کودک از هوش بالایی برخوردار است؛ با استفاده از این توانایی او، با او ارتباط برقرار کرد و او را به جایی رساند که در تمام جهان شناخته شد و زندگیش سرمشق دیگران قرار گرفت. کم نیستند افرادی که ناتوانی یا نقصی در یکی از اعضای بدن

دارند، ولی با استفاده از اعضای سالم بدن کاری را شروع کرده، با انجام تمرینهای کافی در آن مهارت کسب میکنند و به موفقیت میرسند. ورزشکاران جانباز و معلول کشورمان که مدالهای المپیک جهانی را در رشتههای مختلف ورزشی کسب کردهاند، از این نمونهها میباشد. پس شما هم از امروز به دنبال کشف استعدادهای خود باشید و با استفاده از مشاوران و مربیان دلسوز، تمرین برای رسیدن به هدف را شروع کنید و با جدیت آنچه را که میتوانید انجام دهید، دنبال نمایید. یادتان باشد که خواستن، توانستن است. البته به شرط داشتن توانایی و همت و اراده بلند. همیشه خدا را در نظر داشته باشید که او یاور همه کسانی خواهد بود که با توکل بر او پیش میروند و جز از او استعانت نمیجویند.

همانطور که در طول تاریخ بشریت، هزاران انسان سالم یا معلول توانستند با تلاش و صبر و استقامت به درجات بالای مادی یا معنوی یا هر دو برسند و این پیام را به همه برسانند که با سعی و تلاش می توان نردبان ترقی را بالا رفت حتی اگر دچار نقص جسمانی باشید. باید همه ما از این توانائی هایی که خداوند حکیم در ما قرار داده استفاده کنیم و هم به پیشرفت کشورمان کمک کنیم هم به پیشرفت فردی خودمان و خانواده مان. و این یک مسئولیت مهمی است که به دوش تک تک ما قرار دارد. ما باید نقش افرین باشیم. باید برای کشورمان کاری انجام دهیم. باید برای اسلام عزیز و عزت مسلمین قدمهای بزرگی برداریم.

حضرت امام یکی از ارزشهایی که برای ملت ایران احیاء و زنده نمود همین توجه دادن مردم به استعدادهای خودشان بود و اینکه ما از دیگران چیزی کم نداریم و اینکه ایران همانطور که در گذشته و در دوران تمدن اسلامی، مهد دانشمندان بوده است الان هم می تواند تاریخ را تکرار کند و دانشمندان بزرگی را تربیت کند و به جامعه تحویل دهد. ایران می تواند یک قدرت نظامی بزرگی باشد. ایران می تواند یک قدرت اقتصادی بزرگی باشد. ایران می تواند یک قدرت علمی بزرگی باشد و... و حالا بعد از 42 سال از انقلاب اسلامی به این اهداف رسیده ایم.

باور امام به «خدا، مردم و خود»

باور امام به «خدا، مردم و خود» زمینه ساز پیروزی، تداوم و پیشرفت مقتدرانه انقلاب اسلامی است. باور به خدا، باور به مردم و باور به خود، هر سه به معنی واقعی کلمه در وجود امام و تصمیم امام و همه حرکت های ایشان تجلی داشت. امام با دل خود با مردم سخن گفت و مردم هم با جان خود به او لبیک گفتند و به وسط میدان آمدند و مردانه ایستادند و این نهضت به تدریج به سمت پیروزی رفت و در نهایت هم بدون کمک هیچ کشوری، به پیروزی رسید.

امام خمینی (س) با دل خود با مردم سخن گفت و مردم هم با جان خود به او لبیک گفتند و به وسط میدان آمدند و مردانه ایستادند و این نهضت به تدریج به سمت پیروزی رفت و در نهایت هم بدون کمک هیچ کشوری، به پیروزی رسید.

امام سه باور داشت؛ باور به خدا، باور به مردم و باور به خود. او با همه وجود به پروردگار اعتماد و به تحقق وعده یاری خدا یقین داشت و به همین علت فقط و فقط برای خدا کار و حرکت و اقدام می کرد.

به ملت نیز عمیقاً "اعتماد و اعتقاد" داشت و بر این باور بود که ملت مومن باهوش و شجاع ایران اگر رهبران لایقی داشته باشند مثل خورشید در میدان های مختلف خواهند درخشید.

باور به خود و اعتماد به نفس سومین ویژگی امام است. ایشان «ما می توانیم» را در وجود ملت زنده کرد و توانایی های ذاتی ملت را در عرصه های مختلف به بروز و ظهور رساند.

شجاعت، قاطعیت و اعتماد به نفسی که در گفتار و رفتار و تصمیمات امام جاری بود بتدریج به ملت منتقل شد و این ملت را به الگوی استقامت و بصیرت تبدیل کرد و در پرتو همین اعتماد به نفس و شجاعت بود که امام هیچگاه حتی در آخرین روزهای حیات پر برکتشان، دچار ذره ای افسردگی و تردید و وادادگی نشد بگونه ای که بیانیه های سالهای آخر حیات ایشان، از سخنان و مواضع امام در سالهای آغاز نهضت، انقلابی تر و قوی تر بود.

باور ملت ایران به شعار اساسی امام خمینی یعنی «ما می توانیم» در عرصه های مختلف، به نماد سرافرازی و پیشرفت تبدیل شد. دستیابی ایران به پیشرفتهای تحسین برانگیز در عرصه های سازندگی، علمی، پزشکی و آموزش عالی از برکات باور به خدا، باور به ملت و باور به خود است.

ما اگر خودمان را با ایران دوران طاغوت مقایسه کنیم، این افتخارات به چشم خواهد آمد اما اگر خود را با «ایران اسلامی مطلوب» که جامعه ای همراه با عزت، رفاه، اخلاق و ایمان و معنویت است، مقایسه کنیم، قطعاً راه طولانی در پیش داریم. این راه طولانی اما پرافتخار با همان سه باور امام (س) قابل پیمودن است و ملت ایران با برخورداری از جوانان مومن و با تمسک به این سه باور، توانایی را دارد که با سرعت و شتاب لازم به قله رفیع ایران اسلامی مطلوب دست یابد. ملت، نقشه راه را که همان اصول امام است، در اختیار دارد. اصول امام در سخنانی های منتشر شده و مدون ایشان و وصیتنامه امام موجود است، همان اصولی است که ملت عقب افتاده و وابسته ایران را به ملتی پیشرو و سرافراز و مستقل تبدیل کرد.

کسانی که نام امام را بر زبان می آورند و به نام ایشان تمسک می جویند باید به اصول و «نقشه راه امام» هم اعتقاد داشته باشند، زیرا حقیقت امام تنها با اصول و مبانی و نقشه راه آن عزیز قابل درک و قابل عمل می شود.

اصول امام در «سیاست داخلی» تکیه به رای مردم، تامین اتحاد و یکپارچگی ملت، مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران، دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت، و کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور است.

در سیاست خارجی ایستادگی در مقابل سیاست های مداخله گر و سلطه گر، برادری با ملت های مسلمان، ارتباط برابر با همه کشورها به جز کشورهای که تیغ بر روی ملت ایران کشیده اند، مبارزه با صهیونیست، مبارزه برای آزادی فلسطین، و کمک به مظلومان و ایستادگی در برابر ظالمان، اصول امام در سیاست خارجی است.

در عرصه فرهنگ نفی فرهنگ اباحه گری غربی، نفی جمود و تحجر، نفی ریاکاری در تمسک به دین، دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام، و مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه است.

در عرصه اقتصاد تکیه به اقتصاد ملی و خودکفایی، عدالت اقتصادی در تولید و توزیع، دفاع از طبقات محروم، مقابله با فرهنگ سرمایه داری، احترام به مالکیت و سرمایه و کار، هضم نشدن در اقتصاد جهانی و استقلال در اقتصاد ملی اصول اقتصادی است.

این اصول نقشه راه امام بزرگوار است و ملت ایران با ایمان راسخ و توانایی ها و استعداد های خود و با همت جوانان و استفاده از نقشه راه امام می تواند به الگویی حقیقی و کامل برای ملت های مسلمان تبدیل شود.

منبع: برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب در سی و چهارمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی (س)

مقام معظم رهبری:

به رغم همه ی این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزه روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل ساله ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه ی عرصه ها رسانید

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدّت تحقیر شده و بشدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ی ملی را که جانمایه ی پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را

میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

شعار ما میتوانیم

چرا ما برای جوان، برای علم، برای نخبه، برای استعداد برتر، این همه اهمیت میدهم، از دیدنشان خوشحال میشویم، برایشان صرف وقت میکنیم - واقعاً هم صرف وقت میکنیم، این را هم شما بدانید - و صرف همت و مانند اینها میکنیم؟ چرا؟ برای خاطر اینکه ما یک سابقه‌ی تلخی داریم؛ در یک دوران طولانی، ژن ناتوانی، ژن نمیتوانیم، ژن وابستگی به دیگران را در ما تزریق کردند؛ در یک دوران طولانی، از دوران قاجار تا دوران پهلوی، در ملت ما - همین ملت بااستعداد - این احساس درونی عدم توانایی و عدم قدرت، ایجاد شد؛ و [آن را] در ما - در مجموعه‌ی جامعه‌ی ایرانی - نهادینه کردند؛ این سابقه را ما داریم. نتیجه این شد که ما به عنوان یک ملت، هویتمان در ذیل غرب تعریف شد. خیلی حرف - حرف تاریخی و حرف اجتماعی و حرفهای تحلیلی - در این زمینه‌ها هست که نه وقتش اینجا و حالا است، نه الان برای آن دور هم جمع شده‌ایم. غربی‌ها، اروپایی‌ها، به خاطر علمی که زودتر از دیگران به آن دست پیدا کردند و خودشان را بالا کشیدند، یک چنین نگاهی به ملتهای دیگر پیدا کردند، از جمله به ملت ما؛ ملتهایی با این فرهنگهای عریق و عمیق و سابقه‌های درخشان را آن چنان تحقیر کردند که آنها را در ذیل خودشان تعریف کردند ۱۳۹۵/۰۷/۲۸.

شعار ما میتوانیم

پنجاه سال در این کشور در دوران طاغوت، قبل از انقلاب، دانشگاه وجود داشت؛ در این دانشگاه، هم اساتید متعهد و خوبی بودند، هم دانشجویان بااستعدادی بودند - حالا تعداد نسبت به امروز کم بود؛ از لحاظ نسبی خیلی کمتر از امروز [بود] لکن همانهایی که بودند، به هر حال جوانهای ایرانی بودند

دیگر، جوانهای با استعداد بودند- [ولی] یک حرکت علمی، یک پدیده‌ی نو علمی در تمام طول این پنجاه سال در ایران وجود ندارد. چرا؟ چون باور نمی‌کردند که بتوانند، اطمینان نداشتند به خودشان؛ این بی‌اطمینانی را تزریق کرده بودند در اذهان ملت. امروز، ما هر روزی در کشور یک نوآوری داریم؛ نوآوری علمی، نوآوری فناوری. دشمنان ما وقتی می‌بینند این نوآوری‌ها را، عصبانی میشوند. امروز کشور ما با وجود تحریم در رشته‌های متعددی از دانشهای پیشرفته، جزو ده کشور اول دنیا است. حالا آنچه جلوی چشم مردم است، ابزارهای نظامی و همین وسایل جنگی‌ای است که شما ملاحظه می‌کنید در اختیار سپاه و ارتش و دیگران هست. پیشرفتهایی که اینها در زمینه‌های گوناگون کرده‌اند، در زمینه‌ی نانو و در همین زمینه‌ی هسته‌ای، به خاطر باور به خود است. یکی از سنگرهای دشمن در ایران، ناباوری ملت به خود بود، و یکی از سنگرهای بزرگ پیروزی ملت و جوانان ملت، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱. باور به خود و روحیه‌ی «ما میتوانیم» است. این هم یکی از سنگرهای دشمن بود

ما می توانیم

❓ جنگ اراده ها

❗ می گفتند نمی توانیم سد بسازیم اما امروز جزو بزرگترین سد سازهای دنیا هستیم ❗

❗ می گفتند نمی توانیم نیروگاه بسازیم اما امروز بیشتر نیروگاههای منطقه خاورمیانه را ما میسازیم ❗

❗ می گفتند نمی توانیم سیلو بسازیم اما امروز پیشرفته ترین سیلوهای دنیا را میسازیم ❗

❗ می گفتند نمی توانیم ناو جنگی بسازیم ولی امروز تکنولوژی بومی ساخت ناوهای جنگی را ❗
داریم

❗ می گفتند نمی توانیم ماهواره به فضا ارسال کنیم اما امروز جزو چند کشور محدود در باشگاه فضایی ❗
دنیا هستیم

❗ می گفتند نمی توانیم سانتریفیوژ بسازیم اما امروز جزو چند کشور سازنده سانتریفیوژ هستیم ❗

❗ می گفتند نمی توانیم پهباد و هواپیمای فوق سبک بسازیم اما امروز برترین سازنده هواپیماهای فوق ❗
سبک دنیا هستیم

میگفتند نمی توانیم اورانیوم غنی شده تولید کنیم اما امروز تنها کشوری هستیم که دانش بومی 
 غنی سازی را داریم

میگفتند نمی توانیم موشک بسازیم اما امروز حرفه ای ترین موشک های نقطه زن دنیا از آن 
 ماست

میگفتند نمی توانیم وارد حوزه سلولهای بنیادی شویم اما امروز مرزهای این دانش توسط 
 دانشمندان ایرانی جابجا میشود

میگفتند نمی توانیم در علوم نانو پیشرفت کنیم اما امروز پرسرعت ترین کشور در حوزه تولید 
 محصولات نانو هستیم

میگفتند نمیتوانیم فضا پیمای به فضا بفرستیم اما امروز جزو پنج کشوری هستیم که موجود زنده به 
 فضا میفرستیم

میگفتند نمی توانیم زیردریایی بسازیم اما امروز جزو ده کشور سازنده زیر دریایی در دنیا 
 هستیم

میگفتند نمی توانیم هواپیما بسازیم اما امروز چند کشور معدود دنیا هستیم که تکنولوژی 
 ساخت هواپیماهای جنگنده را داریم

الان هم ميگويند نميتوانيم واكسن کرونا بسازيم و ما فقط لبخند تحويلشان ميدهيم 🤔🤔🤔

☺️☺️☺️.

✓ همه اينها به برکت خون شهدا و در زير سايه پر صلابت رهبري و بااراده انسانهاي انقلابي و وطن
🇮🇷. پرست و مومن و در اوج تحریم ها و فشار حداکثري تمام کشورهاي دنيا ساخته شده است

☹️☹️

ايران هفتمين کشور قدرتمند دنيا، در سال ۲۰۱۷

👉 گزارش آمريکن اينترست درباره هشت قدرت برتر دنيا در سال ۲۰۱۷ که ايران در جايگاه هفتم ☹️
دنيا قرار گرفته است

فقدان اعتماد به نفس و روحیه خودباوری

در سران رژیم پهلوی هیچ گونه روحیه اعتماد به نفس و خودباوری برای ساخت ايران مشاهده نمی شد از اين رو علیرغم برخورداری کشور ايران از کارشناسان متخصص و دلسوز، اداره کشور را به کارشناسان خارجی و بیگانه داده بودند که نه تنها هیچ دلسوزی برای مردم ايران نداشتند بلکه در صدد عقب نگاه داشتن کشور و تداوم نیاز به حضور آنان در بخش های مختلف کشور را داشتند.

رژیم پهلوی برای اداره کشور قرارداد حضور بیش از 50 هزار مستشار و کارشناس خارجی را در بخش های مختلف نظامی، نفت، مهندسی، سد سازی، راه سازی، مخابرات، خودروسازی، پزشکی، برنامه و بودجه و... امضا کرد در حالی که متخصصان ایرانی اجازه ظهور و بروز و نشان دادن مهارت و خلاقیت خود را نداشتند. به عنوان مثال مهندسان ایرانی در نیروی هوایی اجازه حضور در محل های تعمیر و نگهداری هواپیماهای اف-14 را نداشتند و تمام مراحل تعمیر و آماده سازی با رقم های هنگفت توسط مستشاران آمریکایی انجام می شد. همچنین در بخش های پدافندی و راداری تمام کارها توسط نیروهای آمریکایی انجام می شد و حتی سران پهلوی هم از جزئیات کار مستشاران نظامی بی خبر بودند.

برخی از این کارشناسان خارجی از دولت ایران حق توحش می گرفتند. پس از مدتی قانون حق کاپیتولاسیون را هم برای آمریکایی ها به تصویب رساندند که به تعبیر حضرت امام (ره) اگر یک آشپز آمریکایی یک مرجع تقلید را با ماشین زیر می گرفت دادگاه های ایران حق محاکمه وی را نداشتند و باید به آمریکا منتقل و آنجا به اتهام وی رسیدگی می شد.

به دلیل صادرات بیش از 55 میلیون بشکه نفت به خارج و **ب- صنعت مونتاژ و کاملاً وابسته** در آمد هنگفت رژیم پهلوی از این محل، سران رژیم پهلوی انگیزه چندانی برای سرمایه گذاری روی صنعت و کشاورزی نداشتند و بیشتر به دنبال واردات کالاهای خارجی بودند. در بخش هایی هم که سرمایه گذاری محدودی بر روی صنایع صورت می پذیرفت عمدتاً صنایع مونتاژ بود که تمام قطعات ساخته شده وارد کشور می شد. تنها به عنوان یک شاهد مثال می توان به خبری که یک سال قبل از پیروزی انقلاب در رسانه ها منتشر شد اشاره کرد که آمده بود: "کارخانه ارج با 8000 کارگر در سال 1356 به علت نداشتن "پیچ" متوقف می شود

در این مورد هم چنین می توان به خبر یکی از روزنامه های آن زمان (رستاخیز) در تاریخ تیرماه 1357 اشاره کرد. در این خبر آمده است که «متأسفانه در وضع کنونی باید مرغ را با قیمت گراف برای تولید تخم مرغ جوجه کشی از خارج وارد کنیم. مرغ مادر گوشتی را در شرایط کنونی نمی توانیم در

ایران تولید کنیم. برای تغذیه این مرغ‌ها هفتاد درصد غذای طیور را باید از خارج از کشور وارد کنیم. البته، با این همه، وارد کردن‌ها برای اداره این صنعت تکنولوژی لازم و نیروی انسانی نداریم. یعنی، طبق استاندارد معمولاً، برای هر 2000 واحد دامی به یک دامپزشک نیازمندیم، ولی، در ایران متأسفانه برای هر 43,196 واحد دامی یک دامپزشک وجود دارد». این خبر یک نمونه بارز از وابستگی تکنولوژیکی به تولید خارجی است.

همچنین در سال 1354 مبلغ زیادی جریمه به کشتی‌هایی پرداخت شد که در خلیج فارس به علت عدم وجود امکانات و تجهیزات تخلیه بار در انتظار باراندازی مانده بودند.

جشن‌های 2500 ساله شاهنشاهی که بیش از سیصد میلیون دلار هزینه دربر داشت و با ولخرجی‌ها و اتلاف بی حد و حصر سرمایه‌های ملی کشورمان انجام شد، درحالی بود که متجاوز از نیمی از جمعیت کشور در روستاها و حومه شهرهای بزرگ در فقر و فلاکت و تنگدستی به سر می‌بردند و در اکثر شهرها و روستاهای کشور، اثری از وسایل اولیه و مقدماتی رفاه عمومی و حداقل امتیازات زندگی ساده برای عامه مردم وجود نداشت.

در پاییز سال 1350 محمد رضا شاه، سالگرد 2500 ساله شاهنشاهی ایران را با ریخت و پاش بسیاری در محل پرسپولیس (تخت جمشید) جشن گرفت. در این جشن بیست پادشاه و امیر عرب، پنج ملکه، بیست و یک شاهزاده، شانزده رئیس جمهوری، سه نخست وزیر، چهار معاون رئیس جمهوری و دو وزیر خارجه از 69 کشور شرکت کردند. از جمله مدعوین نیکلا پادگورنی، رئیس جمهوری اتحاد جماهیر شوروی، مارشال تیتو، از یوگوسلاوی، یحیی خان از پاکستان، و.و.گیری از هندوستان، ملک حسین پادشاه اردن و امپراتور هیلاسلاسی، از اتیوپی بودند. اسپرو آگنیو معاون ریچارد نیکسون به نمایندگی ایالات متحده در مراسم شرکت داشت.

گذشته از مقامات مزبور، دهها تن از شخصیت‌های علمی، هنری، صنعتی، فرهنگی و نمایندگان رسانه‌های خبری جهان و نیز نخبگان ایرانی، در جشنی که یک هفته طول کشید حضور یافته بودند. مدعوین در 3 چادر عظیم و 50 چادر بزرگ که در خارج تهیه شده بود، پذیرایی شدند.

برای تامین روشنایی محل از تهران و شیراز 6000 مایل کابل کشی و 20 مایل حلقه گل زینتی، شامل 130 هزار لامپ چراغ مصرف شده بود. در میهمانی های رسمی، 500 تن میهمان حضور داشتند. غذا شامل تخم بلدرچین با خاویار، خوراک خرچنگ، کباب بره با قارچ، طاووس بریان انباشته از جگر غاز، و دسر شامل تمشک تازه محصول فرانسه با لعاب انجیر و تمشک مخصوص بود. ماکس بلوئه، فرانسوی که با 259 سر آشپز، آشپز و پیشخدمت، از ده روز پیش از برگزاری مراسم جشن از فرانسه آماده بود، سرپرستی پذیراییها را به عهده داشت. رستوران ماکزیم پاریس، غذا و مشروب، از جمله 25 هزار بطری شراب مخصوص تهیه دیده بود

در مراسم جشن پرسپولیس 600 روزنامه نگار، عکاس و فیلمبردار از اکناف جهان به تخت جمشید از NBC آمده بودند، بیش از یک میلیون کلمه خبر به سراسر دنیا مخابره کردند. شبکه تلویزیونی ایالات متحده آمریکا، مراسم جشن را با استفاده از ماهواره، برای ده ها میلیون بیننده آمریکایی پخش کرد. (James A. Bill. op.cit., pp.149-184): مردم ایران نیز قسمت هایی از مراسم را از تلویزیون تماشا کردند. به نقل از

مراسم جشن در نهایت گشاده دستی و اسراف انجام گرفت و هزینه آن بیش از 300 میلیون دلار برآورد شد. مدعوین در 3 چادر عظیم و 50 چادر بزرگ که در خارج تهیه شده بود، پذیرایی شدند

شاه، با برگزاری این جشن پر سر و صدا، مرحله تازه ای از سلطنت خود را آغاز کرد. شاید این کار نشانه ای بود از بیماری بزرگ پنداری او، زیرا در همان اوان که میلیون ها دلار صرف هزینه خرید و ارسال مشروب، گل و غذا، از اروپا شد، و هنگامی که میهمانان در تخت جمشید، جگر غاز و خاویار مزمز می کردند، هزاران ایرانی در ایالات سیستان و بلوچستان، حتی در روستاهای فارس گرسنه بودند.

در سال 1335 در (James A. Bill. op.cit., pp.149-184): نویسنده کتاب مزبور می گوید معیت سرلشگر میرجلالی فرمانده سپاه جنوب، در شهرستان خاش شاهد این حقیقت تلخ و شرم آور

بود، میر جلالی ضمن بازدید تنها مدرسه شهر، از مدیر آن که مرد ژنده پوشی بود پرسید، بچه‌ها کجا هستند. مدیر جواب داد ساعت تفریح آنهاست، عده‌ای برای علفخوری به صحرا رفته‌اند

در چنین شرایطی صدها تن از شخصیت‌های معروف از اکناف جهان به پرسپولیس آمده بودند تا شاهد پیشرفت‌های ایران باشند و شاه را ستایش کنند. در پرسپولیس، محمد رضا شاه، بر سر مزار کوروش نطقی ایراد کرد و گفت: «... کوروش بزرگ! شاه شاهان، شاه هخامنش، شاه سرزمین ایران، من شاهنشاه ایران، از جانب خود و ملت، بر تو درود می‌گویم! ... کوروش! شاه بزرگ شاهان، آزاده‌ترین آزادگان، قهرمان تاریخ ایران و جهان! آسوده بخواب، زیرا ما بیداریم و پیوسته بیدار ... خواهیم ماند»

مدعوین جشن 2500 ساله شاهنشاهی، صدها تن میهمانان خارجی و گروهی از نخبگان مورد اعتماد دستگاه بودند ولی مردم ایران به آنجا راه نداشتند. همه راههایی که به پرسپولیس و تخت جمشید منتهی می‌شد به وسیله نیروهای نظامی و امنیتی بسته شده بود. صدها تن، زن و مرد ایرانی، که نسبت به آنها سوء ظن می‌رفت، دستگیر شده و یا تحت نظر قرار داشتند. به رغم کوششها و هزینه سنگینی که برای هر چه با شکوه‌تر جلوه دادن جشنها به کار رفت، مطبوعات آمریکا مطالب انتقاد آمیزی پیرامون بی‌نظمی‌های آن نوشتند و برخی شاه و رژیم او را به باد حمله گرفتند. دنباله انتقاد به محافل و شخصیت‌های سیاسی کشیده شد. جورج بال، معاون سابق وزارت امور خارجه آمریکا گفت «چه مناظر پوچ و زنده‌ای! فرزند یک سرهنگ فوج قزاق، در کشوری که درآمد سرانه مردم آن 250 دلار در سال است، مانند یک امپراتور جشن بر پا کرده و با ادعای رفورم و نوگرایی، البسه و پوشاک دوران (New York; W.W. Norton, 1982)» استبداد باستانی را به نمایش گذاشته است

به طور خلاصه، نداشتن برنامه مشخص اقتصادی، تک محصولی شدن اقتصاد و وابستگی به صادرات نفتی، رشد سرمایه داری در دامن امپریالیسم، نابودی کشاورزی، افزایش وابستگی در بخش صنعت گسترش صنایع مصرفی، سطح بالای بیکاری و کم کاری، سطح نازل درآمد سرانه، سطح پایین بهره وری، وضع بد بهداشت همگانی، بی‌اعتنایی به علم، مراکز علمی و تحقیقاتی، بی‌توجهی به

بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و رشد و توسعه کشور، ایجاد تأسیسات نظامی وابسته، اجرای سیاست ریخت و پاش و ولخرجی‌های سرسام‌آور شاهانه در امور مبتذل، توزیع ناعادلانه درآمدهای ملی، و تشدید فاصله طبقاتی و در یک کلام، فساد، اسراف، ظلم اقتصادی و فقر اکثریت مردم ایران از ویژگی‌های برجسته مدیریت فاسد، بی‌کفایت و ناکارآمد این دوران می‌باشد که در صورت تداوم، امروز یکی از وابسته‌ترین، فقیرترین و تحقیر شده‌ترین ملت‌ها بودیم.

می گفتند نمی توانیم سد بسازیم، اما امروز جزو بزرگترین سد سازهای دنیا هستیم 📢 ⚡

می گفتند نمی توانیم نیروگاه بسازیم، اما امروز بیشتر نیروگاه‌های منطقه خاورمیانه را ما 📢 ⚡
می سازیم

می گفتند نمی توانیم سیلو بسازیم، اما امروز پیشرفته‌ترین سیلوهای دنیا را می سازیم 📢 ⚡

می گفتند نمی توانیم ناو جنگی بسازیم، ولی امروز تکنولوژی بومی ساخت ناوهای جنگی را 📢 ⚡
داریم

می گفتند نمی توانیم ماهواره به فضا ارسال کنیم، اما امروز جزو چند کشور محدود در باشگاه 📢 ⚡
فضایی دنیا هستیم

می گفتند نمی توانیم سانتریفیوژ بسازیم، اما امروز جزو چند کشور سازنده سانتریفیوژ هستیم 📢 ⚡

می گفتند نمی توانیم پهباد و هواپیمای فوق سبک بسازیم، اما امروز برترین سازنده هواپیماهای ❄️📢
فوق سبک دنیا هستیم

می گفتند نمی توانیم اورانیوم غنی شده تولید کنیم، اما امروز تنها کشوری هستیم که دانش ❄️📢
بومی غنی سازی را داریم

می گفتند نمی توانیم موشک بسازیم، اما امروز حرفه‌ای‌ترین موشک‌های نقطه زن دنیا از آن ❄️📢
ماست

می گفتند نمی توانیم وارد حوزه سلولهای بنیادی شویم، اما امروز مرزهای این دانش توسط ❄️📢
دانشمندان ایرانی جابجا می شود

می گفتند نمی توانیم در علوم نانو پیشرفت کنیم، اما امروز پرسرعت‌ترین کشور در حوزه ❄️📢
تولید محصولات نانو هستیم

می گفتند نمی توانیم فضا پیما به فضا بفرستیم، اما امروز جزو ۵ کشوری هستیم که موجود ❄️📢
زنده به فضا می فرستیم

می گفتند نمی توانیم زیردریایی بسازیم، اما امروز جزو ده کشور سازنده زیردریایی در دنیا ❄️📢
هستیم

می گفتند نمی توانیم هواپیما بسازیم، اما امروز جزو چند کشور معدود دنیا هستیم که  
تکنولوژی ساخت هواپیماهای جنگنده را داریم

... و صدها می گفتندِ دیگر ...

... که توانستیم

الان هم می گویند نمی توانیم واکسن کرونا بسازیم و ما فقط لبخند تحویلشان می دهیم  

شده تا به حال با شنیدن موفقیت یک ایرانی در عرصه های بین المللی یا حتی رسیدن به یک موفقیت در سطح ملی، احساس غرور کنید، قلبتان شروع کنه به تپش، بدنتون مورمور بشه یا مو بر تنتون راست بشه؟ یا این که حتی اشک از چشمتون جاری بشه؟ شاید جواب بدین معلومه که شده، اگه کسی این طور نباشه باید به ایرانی بودنش شک کرد. حالا همین من یا شمایی که این قدر دلمون واسه وطنمون می تپه و با شنیدن موفقیت های اون، این قدر خوشحال می شیم، شده تا به حال به این فکر کنیم که سهم ما توی این پیشرفت چقدره؟ شده تا به حال به خودمون بگیم بیست سال، سی سال یا حتی صد سال دیگه چی بر سر کشورمون می یاد؟ شده تا به حال فکر کنیم ما برای مملکتمون چه کار کردیم و چه کارهای دیگه ای مونده که باید بکنیم؟ مگه ما حکومت های صد سال و دویست سال گذشته رو به خاطر آینده نگر نبودن و عدم برنامه ریزی برای پیشرفت مملکت، محکوم نمی کنیم؟ پس باید خودمون طوری عمل کنیم تا مردم صد سال دیگه، این حرف ها رو پشت سر ما نزن. بهترین مسیر برای شروع هم همین سند چشم انداز بیست ساله است. البته شاید برنامه ریزی بیست ساله برای یه مملکت یزرگ مثل ایران، خیلی کم باشه، اما مطمئناً واسه شروع خیلی هم خوبه؛ پس بیاید اون رو جدی بگیریم و برای تحققش تلاش کنیم.

هر چه بکاری همان را درو می کنی

مشترک 211086، پیام نور شهر کرد

می گویند هر چه بکاری، همان را درو می کنی و نتیجه به دست آمده، حاصل عمل انجام شده است. در هر صورت هر چه را که امروز انجام دهیم، بیست سال آینده نتیجه اش را می بینیم. داشتن ایرانی آباد در گرو تلاش دانشجویان امروز است

برای آینده ایران شاید نقش دانشجوی کنونی مفید واقع شود، اما دانشجوی آینده که دانش آموز کنونی است به حتم نمی تواند مفید واقع شود و این به دلیل نظام آموزشی جدیدی است که در حال حاضر برقرار است.

به هر صورت، در بیست سال آینده شاید عدالت چنان بر اقتصاد سایه افکند که دیگر پیرمردی برای تهیه نان شب دست گدایی به سوی مردم دراز نکند. شاید اکتشافات و اختراعات مهم جهان به نام دانشمندان ایرانی باشد. شاید فرهنگ چنان پیشرفت کند که همه بدانند بی حجابی فرهنگ نیست. شاید ایران چنان شود که قصه غم انگیز بم تکرار نشود. شاید بیست سال دیگر بیماران برای معالجه، سرگردان کشورهای بیگانه نشوند. شاید جرم و جنایت کاهش یابد. شاید من و امثال من بدانیم چه نقش سنگینی در قبال کشور خود، پرچم خود و اسلام داریم و هزاران شاید دیگر. و این امور تحقق پیدا نمی کند مگر با اراده دانشجویانی که سازندگان ایران فردایند.

دانشجویان، پایه های آهنین پیشرفت

سمیه یزدان پرست، مامایی کرمانشاه

ایران با داشتن جوانان غیور می تواند با دستیابی به فناوری جدید، گام های اساسی در پیشرفت و خودکفایی بردارد.

البته پیشرفت، نیازمند تأمین امکانات بهینه و بها دادن به نیروهای جوان است؛ چون در غیاب هر کدام از این اصول، هدف به صورت مطلوب محقق نخواهد شد.

ایجاد شرایطی که رضایت مردم را به همراه داشته باشد، یعنی کاهش تورم، توجه مسئولین به رفع نیازمندی های آنان و نیز حمایت مردم از مسئولین مملکت با ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل، چشم اندازی زیبا از ایران در سال 1402 به وجود خواهد آورد.

ایران باید از لحاظ دسترسی به فناوری نوین و پیشرفت های علمی به عنوان کشوری موفق جلوه کند. جوانان و دانشجویان باید به عنوان پایه هایی آهنین، اقتصادی پویا را رقم بزنند.

نجات دنیا

احسان مشیری، مکانیک جامدات یزد

اروپاییان پس از ناامیدی از دین تحریف شده مسیحیت، وحی را کنار گذاشتند و خواستند با عقل خود جهان را تدبیر کنند و این چنین بود که پای در رنسانس نهادند و دین را از صحنه زندگی شخصی و اجتماعی خود به کلی حذف کردند. چهارصد سال تبلیغ کردند که از دین کاری بر نمی آید، تا آن که در ایران انقلابی شد که پایه های کاخ چهارصد ساله رنسانس را فرو ریخت، چرا که می گفت همه چیز را خدا باید تدبیر کند.

مردم دنیا شگفت زده پرسیدند: اگر از دین کاری بر نمی آید، پس چطور این مردم با دست خالی بر رژیمی سر تا پا مسلح پیروز شدند؟ گفتند: طولی نمی کشد که نابود می شود و برای نابودی آن نقشه ها کشیدند؛ جنگ کردند، تحریم کردند، تهدید کردند و... و ما ماندیم و آن سؤال بشریت هر روز جدی تر می شود و بر خیل مشتاقان معنویت می افزاید.

آینده ای روشن با تکیه بر گذشته ای پرافتخار

محمد افتخاری، روانشناسی امام خمینی

من با توجه به سابقه درخشان کشورم و تلاش های حال حاضر، امیدوارم که در بیست سال آینده، ایران در علم و صنعت و کلیه شئون دیگر، حرف اول را بزند و از نظر پیشرفت علم و فناوری در جایگاهی شایسته و در ردیف کشورهای رده اول قرار گیرد؛ البته نه با فراموش کردن فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی خود؛ بلکه با اتکا به آنها و نیز اشاعه و ارتقاء آن.

البته از منظر نقد و آسیب شناسی نیز باید مراقب بود که در سیر تحولات، به بیراهه ای که برخی از کشورها رفته اند، نرویم. که این نیز نکته ای است که متوجه مسئولان، کارشناسان و برنامه ریزان فرهنگی و اجتماعی کشور است تا با هدایت درست، اصولی و منطقی خود، کشور را از گرفتار شدن در این معضلات، حفظ کنند.

انقلاب پس از نیم قرن

نرگس عبداللهی، کرمان

بیست سال بعد، نزدیک به نیم قرن از انقلاب ما گذشته است که از نظر جامعه شناسی، این زمان برای نیل به برخی اهداف بلندمدت و میان مدت انقلاب، زمان مناسبی است

الگوی برنامه ریزی اجتماعی ما، جامعه مهدوی است که البته با سرعت کنونی، همچنان به عنوان آرمانی ایده آل برای ما باقی خواهد ماند

به نظر من در بیست سال آینده، ایران ابرقدرت مذهبی و سیاسی خاورمیانه خواهد ماند، اما مظلومیت ایران در عرصه جهانی آشکارتر خواهد شد. نبوغ ایرانیان هویدا خواهد شد و جوانان ایرانی سهم خاصی در تولید علم خواهند داشت و بستر جامعه ما در جهت رشد علوم انسانی پیشرفت خواهد کرد

تمدن پویا

ابوالقاسم جعفری ندوشن، اقتصاد اصفهان

شاید اگر بگویم بیست سال دیگر به تمدنی پویا خواهیم رسید، کمی خوش بینی باشد ولی می توان با تلاشی پیگیر و کوششی مستمر، آن را میسر کرد. ایران ما نمی تواند با روش چینی ها، ژاپنی ها و کره ای ها به پیش رود. هر کدام از این کشورها روش مخصوص خود را دارند که با ساختار فرهنگی و اجتماعی آنها تطابق دارد؛ ایران ساختار فرهنگی خاص خود را دارد، پس باید با روش خاص خود پیش رود

روشی که ما باید در پیش بگیریم، روش اسلامی - ایرانی است. دانشجویان ایرانی اگر فارغ از تهاجمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در پی تحصیل علم و دانش باشند، می توانند با کوشش خود ایران را به قله های بلند موفقیت سوق دهند

دانشجو، جلودار پیشرفت

محسن بیاتی، ریاضی کاربردی خوراسگان

پیش بینی این که بیست سال بعد بر سر کشور چه می آید، کار بسیار مشکلی است؛ ولی همین قدر می دانم که آینده روشنی را در پیش روی خود داریم و باید راهی را که در پیش داریم با امید طی کنیم.

این نکته را باید در نظر داشت که اگر کسی بتواند در آینده باعث پیشرفت کشور شود و کشور را بهبود و سر و سامان دهد، آن فرد کسی جز دانشجو نخواهد بود و این کار فقط از عهده دانشجویان بر می آید. البته نه این که بقیه مردم در این زمینه نقشی نداشته باشند، ولی جرقه پیشرفت هر جامعه را قشر تحصیل کرده آن می زنند و بقیه مردم دنباله رو آنها هستند.

!سرگردان شده ایم

ساناز سروری، الکترونیک آزاد واحد خرم آباد

با چنین افزایش جمعیتی و در عین حال، کمبود مکان هایی برای جذب نیروی کار در کشور، نه از پیشرفت در ایران خبری هست و نه از ترقی به سوی کمال انسانی. سرگرمیم به یک سری ایده ها از همه چیز و همه جا... به سراغ هر چه که می رویم، با بن بست مواجه می شویم. به دنبال هر حرفه ای که می رویم، با کلی هزینه های جانبی برخورد می کنیم. مجبوریم به درس خواندن پناه ببریم که آن هم بدون خرج و هزینه نیست. خودمان را گم کرده و سرگردان شده ایم و نمی دانیم که به دنبال چه می گردیم. بدون آسیب شناسی و رفع موانع نباید به آینده خوش بین بود

صدور علم به جای نفت

علیرضا صابری، نقشه برداری میبد

دانشجویان ایران 1402، جای خالی تحقیق و پژوهش را به خوبی پر خواهند کرد؛ به طوری که محققان سایر نقاط دنیا از ارتباط و تبادل اطلاعات با دانشجویان و محققان ایرانی به خود می بالند. در سال 1402، ایران اسلامی در این اندیشه است که علم و فناوری را به عنوان اولین محصولات صادراتی غیرنفتی به دنیا عرضه نماید.

:چشم انداز

.تقویت فرهنگ عمومی برای افزایش تولید ناخالص ملی و تقویت وجدان کاری -

.ایجاد روحیه کار و تلاش مضاعف در جهت کسب خودکفایی در میان مردم -

.ایجاد فرهنگ استفاده از کالای ایرانی -

:و نقش دانشجویان

تقویت بنیه علمی و مطالعه روزافزون در جهت کسب آگاهی از علم روز و تلاش در جهت تحقق -

.جنبش نرم افزاری

.گوشزد کردن مشکلات و ایرادهای موجود به مسئولان و ارائه راه حل مناسب برای آنها -

تولید علم و دانش، مهم ترین وظیفه

مهدی مرادی، جامعه شناسی شهید باهنر

به اعتقاد من، مهم ترین سرفصل در سند چشم انداز بیست ساله کشور، همان سرفصل فرهنگی و علمی

است و لذا نقش قشر فرهنگی و دانشگاهی در تحقق موارد ذکر شده در این سند، بسیار مهم و قابل

توجه است. بنابراین، نقش دانشجویان در ساخت ایران 1402، تولید علم، اندیشه، نظریه و فکر و

تبدیل آنها به یک فرهنگ عمومی است و تولید علم جز با همت و پشتکار، اعتماد به نفس و عزم

جدی دانشجویان میسر نخواهد شد. و در یک کلام، تقویت جنبش نرم افزاری و ترویج پژوهش و

.تحقیق، از وظایف اصلی دانشگاه و دانشجویان است

تدریس درس ما می توانیم به روش نمایشی - مشارکتی

تا در جشن " من می در یکی از روزها ،بچه ها به تمام دبیران کارت دعوت دادند
" توانم

: این بود که کارت شرکت کنند و مضمون

به اطلاع عموم می رسانیم که روزمورخهساعت.....الیبعد از ظهر
،مجلس شادی برای ،جناب "می توانم" در محل حیاط مدرسه و با حضور
تمام دانش آموزان و دبیران ،برگزار خواهد شد. بدین وسیله از شما دعوت به
عمل می آید تا در مجلس شادی،شرکت و سپس همه با هم برای "می توانم"
شعری بخوانیم.

خلاصه دانش آموزان ،برای درس "ما می توانیم "جشنی گرفتند و شیرینی و
شکلات پخش کردند. لباس های رنگارنگ و شاد پوشیده بودند و حال و هوایی
داشتند. از برخی معلم ها هم خواستند در باره توانستن صحبت کنند و انگیزه بدهند.
متن سرود هایی که خواندند،این ها بود.

آینده را باید بسازی آینده مال توست جانم

اما و شاید را رها کن حالا بگو من می توانم

این حس زیبا می تواند آینده را روشن نماید

آینده ای که پیش پایت هر بار راهی می گشاید

آن وقت می بینی خودت را در شکل فردی که جوان است

بر قله ی دنیا نشسته در فکر فتح آسمان است

این یا علی که گفتی مانند یک اجازه است

آغاز یک تحول آغاز راه تازه است

هر راه تازه سخت است اما تو می توانی

چون و چرا ندارد این راه آسمانی

حالا که اهل پرواز حالا که مرد راهی

تصمیم تو مهم است کافیت تا بخواهی

تا حس کنی که هستی در یک جهان بهتر

کافیت تا بگویی یک یا علی دیگر

خویش را باور کن

هیچکس چون تو نخواهد آمد

هیچکس چون تو نخواهد زیست

گل این باغ تو باید باشی

هیچکس چون تو نخواهد روید

خواب و خاموشی امروز تو را

هیچکس بر تو نخواهد بخشید

هیچکس بر در این خانه نخواهد کوبید

و نگوید برخیز بهار آمده است

تو بهاری آری خویش را باور کن

سپس مجری برنامه متنی را خواند و داستانهایی را هم تعریف کرد.

داستان آموزنده "نیروی باور و تلقین"

در یک باشگاه بدنسازی پس از اضافه کردن ۵ کیلوگرم به رکورد قبلی ورزشکاری از وی خواستند که رکورد جدیدی برای خود ثبت کند. اما او موفق به این کار نشد. پس از او خواستند وزنه ای که ۵ کیلوگرم از رکوردش کمتر است را امتحان کند. این دفعه او به راحتی وزنه را بلند کرد. این مسئله برای ورزشکار جوان و دوستانش امری کاملاً طبیعی به نظر می رسید اما برای طراحان...

این آزمایش جالب و هیجان انگیز بود چرا که آنها اطلاعات غلط به وزنه بردار داده بودند. او در مرحله اول از عهده بلند کردن وزنه ای برنیامده بود که در واقع ۵ کیلوگرم از رکوردش کمتر بود و در حرکت دوم ناخودآگاه موفق به بهبود رکوردش به میزان ۵ کیلوگرم شده بود. او در حالی و با این «باور» وزنه را بلند کرده بود که خود را قادر به انجام آن می دانست. هر فردی خود را ارزیابی می کند و این برآورد مشخص خواهد ساخت که او چه خواهد شد. شما نمی توانید بیش از آن چیزی بشوید که باور دارید «هستید». اما بیش از آنچه باور دارید «می توانید» انجام دهید.

در خلال یک نبرد بزرگ ، فرمانده قصد حمله به نیروی عظیمی از دشمن را داشت . فرمانده به پیروزی نیروهایش اطمینان داشت ولی سربازان دو دل بودند .

فرمانده سربازان را جمع کرد ، سکه از جیب خود بیرون آورد .رو به آن‌ها کرد و گفت :سکه را بالا می‌اندازم ، اگر رو بیاید پیروز می‌شویم و اگر پشت بیاید شکست می‌خوریم .بعد سکه را به بالا پرتاب کرد .سربازان همه به دقت به سکه نگاه کردند تا به زمین رسید .سکه به سمت رو افتاده بود .سربازان نیروی فوق‌العاده‌ای گرفتند و با قدرت به دشمن حمله کردند و پیروز شدند .پس از پایان نبرد ، معاون فرمانده نزد او آمد و گفت : قربان ، شما واقعاً می‌خواستید سرنوشت جنگ را به یک سکه واگذار کنید ؟ فرمانده با خونسردی گفت :بله و سکه را به او نشان داد .هر دو طرف سکه یکی بود!

ابتدا هر کدام جمله ای نوشتند و همه جمله ها را بالا گرفتند.

برخی از جمله ها این ها بود.

- 1- من می توانم تمام ناراحتی های گذشته ام را فراموش کنم و شادی هایم را جلا دهم.
- 2- من می توانم یک فرد دوست داشتنی باشم.
- 3- من می توانم به تمام خواسته هایم در زندگی برسم . من می توانم خوش برخورد ترین و مودب ترین فرد باشم.
- 4- من می توانم با یک لبخند ساده ،امید به زندگی را در دل فرد دیگری ایجاد کنم.
- 5- من می توانم با بها دادن به ثانیه ها ،آینده ای درخشان را برای خودم رقم بزنم.
- 6- من می توانم یکی از بهترین بنده های پروردگار مهربان باشم.

7- من می توانم هر روز از هر لحاظ بهتر و بهتر شوم . چون اشرف مخلوقات هستم.

8- من می توانم زیبایی های کوچک را هم دوست بدارم ،حتی اگر در میان زشتی های بزرگ باشد.

9- من می توانم انشاهای زیبا بنویسم. من می توانم متن کتاب را بدون غلط بخوانم.

10-من می توانم به سیب سرخ آرزوهایم برسم به شرط آن که فانوس همت را با خودم بردارم.

وباز در یکی از روزها ،بچه ها به تمام دبیران کارت دعوت دادند تا در تعزیه ی "نمی توانم " شرکت کنند و مضمون کارت این بود که :

به اطلاع عموم می رسانیم که روزمورخهساعت.....الیبعد از ظهر ،مجلس ترحیمی برای تازه گذشته ،مرحوم "نمی توانم" در محل نماز خانه و با حضور تمام دانش آموزان و دبیران ،برگزار خواهد شد. بدین وسیله از شما دعوت به عمل می آید تا در تعزیه ی آن مرحوم ،شرکت و سپس همه با هم برای بدرود همیشگی بر سر مزارش حاضر می شویم.

وجالب بود که همه چادر مشکی پوشیده بودند و زار زار گریه هم می کردند. عده ای هم خرما و حلوا درست کرده بودند و در مجلس پخش کردند. مانده بودیم گریه کنیم یا بخندیم. مجلسشان خیلی واقعی جلوه می کرد. بازیگران خوبی تشریف داشتند. تابوت نمی توانم را توی حیاط یردند و در باغچه مدرسه ،نوشته هاو نمی توانم های بچه ها را چال کردند

هم ما می توانیم، هم ما نمی توانیم

مرتضی بهشتی، حقوقدان در خبرآنلاین نوشت: می توانیم و نمی توانیم خصلت ما و یا دست کم جمع کثیری از ما شده است که ما را ملتی ممتاز نموده است. مواردی از آن به قرار زیر است. تو خود بیا. و بر آن آن چه می توان افزا

ما می توانیم در بعضی صنایع مانند نانو و هوا و فضا و سلول های بنیادی و ... سرآمد شویم اما در ساخت بسیاری از صنایع ریز و درشت دیگر ناتوان هستیم؛

ما می توانیم به همه یارانه بدهیم اما نمی توانیم دهک هایی را برای حذف شناسایی کنیم؛

ما می توانیم ارز را به هر کس متقاضی واردات است بدهیم ولی نمی توانیم و یا نمی خواهیم روند کار را تا تحقق درست کار تعقیب کنیم، تا نسبت به صحت و سقم ادعاها تصمیم بگیریم؛ چون هم سخت است و هم موجب دلخوری بعضی ها می شود. الان مشاهده می کنید که در اثر فشار دولت و رئیس آن، که در واقع بازتاب فشار توقعات مردم است، اسامی عده ای ولو ناقص دارد افشا می شود که سؤال این است که آیا این را قبلاً نمی توانستند انجام بدهند، و آیا این کار ادامه خواهد یافت و یا پس از مدتی به روال قبل باز خواهد گشت؟؛

ما می توانیم در رجیستر موبایل با قاچاق مبارزه کنیم و موفق شویم ولی در بسیاری از کالاهای دیگر نمی توانیم این مبارزه را انجام دهیم. ، اسامی متخلفان را در خرید موبایل افشا کرده ایم؛ ولی در بسیاری از حوزه های دیگر نمی توانیم، چون رودربایستی داریم. البته شنیده می شود به طرق دیگر سودجویان دارند با این طرح مبارزه می کنند؛

ما می توانیم ملتی عظیم را برای اربعین حسینی به کربلا بفرستیم ولی نمی توانیم دست کم تغذیه آنها را در آن ایام کلا به عهده بگیریم تا چه رسد تا در طول سال به زائران خدمت رسانی کنیم و یا دست کم در عراق پایگاه های اقتصادی – تجاری داشته باشیم؛

ما می توانیم به بسیاری از کشورها از جمله همسایگان از نظر مالی کمک کنیم ولی نمی توانیم عدالت اقتصادی را در بین ملت خود توسعه دهیم و ملت خود را راضی و قانع کنیم که این کار به نفع مردم است که خدمت به همسایگان منافعش به خود ما هم برمی گردد؛

ما می توانیم کلی امتیاز به خارجی بدهیم ولی نمی توانیم به طور منطقی از حقوق تولیدکنندگان و سازندگان داخلی دفاع کنیم؛

ما می توانیم حقوق شهروندی را تا حدودی رعایت کنیم ولی نمی توانیم حقوق عامه مردم که حقوق عمومی است را پاس داریم؛ در نتیجه توده ملت ناراضی می شوند و بیشترین خسارت را می بینند؛

ما می توانیم صد طرح را همزمان شروع کنیم اما نمی توانیم یک طرح را به خوبی، در زمان مقرر و با رعایت صرفه به اتمام برسانیم؛

ما می توانیم همیشه از خود و از همگروه و هم حزب خود دفاع کنیم ولی نمی توانیم از آنها انتقاد کنیم؛

ما می توانیم جلوی توطئه ضد انقلاب امنیتی را بگیریم ولی نمی توانیم در مسائل اقتصادی متخلف را بگیریم و به سرعت مجازات کنیم تا مردم بدانند مسئله جدی است؛

ما می توانیم به هنگام جنگ در برابر متجاوز با شهامت بایستیم و شهید و جانباز بدهیم اما پس از آن در برابر غارتگر اقتصادی و فرهنگی نمی توانیم جسورانه عرض اندام کنیم؛

ما می توانیم هزاران کمپ با هزینه های گزاف برای معتادان ایجاد کنیم ولی نمی توانیم مجازات سخت برای معتادان وضع کنیم تا از ترس عده ای به سوی آن نروند؛

ما می توانیم در باره مضار و منافع چیزها ساعت ها داد سخن بدهیم و جلسه و سخنرانی بگذاریم اما نمی توانیم گامی عملی برداریم و به مردم از انجام شده ها خبر دهیم؛

ما می توانیم به اسم بازرگان در کشورهای دیگر حضور پیدا کنیم اما نمی توانیم کار با کیفیت تحویل دهیم تا اعتماد دیگران را جلب کنیم،

ما می توانیم به آنی سرمایه های مادی و معنوی را فراری دهیم اما نمی توانیم از گفتن حرفهای ضد و نقیض در رسانه های عمومی خودداری کنیم؛

ما می توانیم از اهمیت اطلاعات تا می توانیم سخن بگوئیم اما نمی توانیم به گونه ای عمل کنیم تا شبکه وار از هر جا اطلاعات خواستیم با کمترین تغییر و اختلاف، آن را به دست آوریم. هر سازمانی برای خود یک آمار و یا حکومت دارد!؛

ما می توانیم با اجازه دادن به قاچاق از هر نوع آن ملت خود را بدنام و متضرر و بدبین به نظام کنیم ولی نمی توانیم نام یک فرد و یا افراد را ولو تخلف محرز داشته باشند را به مردم بگوئیم و آن را حفظ آبروی افراد قلمداد می کنیم؛

ما می توانیم یک شبه قیمت دلار و سکه را بالا و پائین ببریم که مردم بگویند این کار دولت است که دارد کمبودهای خودش را جبران می کند ولی نمی توانیم ثباتی در بازارها ایجاد کنیم تا سرمایه دار داخلی و خارجی، دست کم در مدت یکسال تکلیف خودش را بدانند؛

ما می توانیم بر عرض و طول ادارات و میزهای توقف کار بیفزاییم و برای افراد زائد بر سازمان دولت پست ایجاد کنیم ولی نمی توانیم رضایت کاربران را فراهم کنیم؛

ما می توانیم هر روز قانون و بخشنامه تصویب کنیم ولی نمی توانیم قوانین و مقررات دست و پاگیر را حذف کنیم؛

ما می توانیم در نظام قضا تا می شود پرونده درست کنیم ولی نمی توانیم با صرف وقت بیشتر، و با تعیین اولویت، زمان رسیدگی به پرونده ها را کم کنیم تا متخلف هر چه سریعتر به کیفر برسد و تخلف و جرم در جامعه کمتر شود؛

ما می توانیم با تصمیمات غلط اکوسیستم کشور را به هم بزنیم اما نمی توانیم در جایگزین اتلاف ها کاری جدی انجام دهیم؛

ما می توانیم تقصیرها را به گردن یکدیگر بیندازیم و اما نمی توانیم تقصیر را بپذیریم و یا مقصر را معرفی کنیم چون خودمان هم در قضیه دخالت داریم؛

ما می توانیم مصرف سیگار و غلیان را (بگذریم از مواد مخدر شدید دیگر) با قیمت ارزان آن چنان گسترش دهیم تا همه معتاد شوند ولی نمی توانیم از خیر واردات و افزایش درآمد کاذب آن بگذریم؛

ما می توانیم با واردات بی رویه کمر اقتصاد ملت را بشکنیم ولی نمی توانیم تسهیلات لازم را به صورت زنجیره به تولید کننده بدهیم تا کار تولید با کیفیت رونق بگیرد؛

ما می توانیم به گردشگران فراوانی با دادن میلیاردها دلار ارز مسافرتی برای رفتن به کشورهای دیگر و از جمله همجوار بدهیم تا احساس دلتنگی نکنند و فی المثل هتل های ترکیه از این بایت دلگیر نشوند، ولی نمی توانیم تسهیلات لازم را به لحاظ کیفیت، قیمت، و امنیت در مناطق مختلف کشور برای مردم خود فراهم کنیم، برای خارجی ها پیشکش! و آنوقت می گوئیم چرا مردم به خارج می روند؟

ما می توانیم ارزش ریال خود را آنچنان کاهش دهیم تا با آن نتوان کاری کرد ولی می توانیم در کاهش قدرت خرید با یکدیگر مسابقه بگذاریم؛

ما می توانیم به اسم صدور انقلاب به کشورهای دیگر کمک کنیم ولی نمی توانیم از آنها بخواهیم تا ما را به طور جدی در سازندگی کشورشان شریک کنند؛

ما می توانیم اعتماد مردم را آنچنان خدشه دار کنیم تا دیگر کسی به حرف رسانه ها گوش ندهد ولی نمی توانیم شفاف سازی کنیم تا ملت بداند آنچه از اخبار می گیرد اطمینان بخش است و خلافی در آن نیست؛

ما می توانیم در تبلیغات صدا و سیما از هر کالایی برای افزایش درآمد خود آگهی پخش کنیم ولی نمی توانیم خط مشی صحیحی برای ارتقای سطح فرهنگ جامعه اتخاذ کنیم تا برنامه های ما معجونی از اضداد نباشد؛

ما می توانیم تا دلتان بخواهد شعار آزادی سر دهیم ولی نمی توانیم ملت خود را از فقر و ناداری و یا عدم اجرای عدالت برهانیم و در نتیجه سرمایه اجتماعی را از دست می دهیم؛

ما می توانیم تا جایی که امکان دارد از خود تعریف کنیم ولی در مقام همدلی و همکاری با دیگر نهاد ها نمی توانیم کوچکترین هماهنگی را داشته باشیم؛ در نتیجه تمام تقصیرها را به گردن دیگران می اندازیم و نمی توانیم یک سوزن به خود بزنیم و بگوئیم ما هم در این کار مقصریم؛

ما می توانیم تا آنجا که ممکن است فرصت ها را بسوزانیم ولی نمی توانیم تهدید ها را تبدیل به فرصت کنیم؛

ما می توانیم همیشه به نفع جیب و خانه خود فعالیت کنیم ولی نمی توانیم نفع عامه را بر نفع خود ترجیح دهیم؛

ما می توانیم بی حد و حصر تملق گویی کنیم ولی نمی توانیم از ترس از دست دادن موقعیت، حرف حق بزنیم؛

ما می توانیم با جرأت و جسارت کارهایی که در آن تخصص نداریم را به عهده بگیریم ولی نمی توانیم اگر پستی به ما داد شد و شایستگی آن را نداشتیم «نه» بگوئیم؛

ما می توانیم از مالیات فرار کنیم ولی نمی توانیم دست کم برای نفع عامه در مصارف دولتی صرفه جویی کنیم؛

ما شده ایم کشور تناقضات و نمی دانم تا کی این امر ادامه خواهد داشت و این یعنی فرهنگ و یا !تناقضات فرهنگی

آیا ما بر دین ملوکمان هستیم و یا ذاتا این خصوصیات در خونمان رخنه کرده و در رگهایمان ریشه دوانده است؟

دوران تمدن اسلامی چه می دانید؟

از قرن دوم تا قرن هفتم بمدت پانصد سال، دانشمندان مسلمان که اکثریت آنها را دانشمندان مسلمان ایرانی تشکیل می دادند تمام قله های علم در جهان را تصرف کرده بودند و قافله سالار دانش و پیشرفت در جهان بودند و اروپاییان دنباله این قافله حرکت می کردند و حرفی برای گفتن نداشتند! رسومی از دانشمندان غرب می نویسد:

دانشمندان و بزرگان ایران نشان دادند هنگامیکه اروپا در خواب نادانی و توحش مانده بود ایران به آن مرتبه و مقامی رسید که عقائد و افکار قرن بیستم بعدا از آن پدیدار گردید.

ویل دورانت درباره تأثیر هنر اسلامی در اروپا می نویسد:

برجهای کلیساهای مسیحی و برجهای ناقوسی به نسبت زیاد مدیون مناره های مساجد است.

تجدید رونق سفالکاری هنری در ایتالیا و فرانسه نتیجه انتقال سفالگران مسلمان به این دو کشور و سفر سفالگران ایتالیا به اندلس اسلامی بود.

آهنگران و شیشه گران و نیز جلد سازان ایتالیا وزره بافان و اسلحه سازان اسپانیا همه هنر خود را از صنعتگران مسلمان فرا گرفته بودند. تقریبا در همه مناطق اروپا بافندگان به دیار اسلام توجه داشتند که از آنجا نمونه و نقشه بگیرند. حتی باغها به نسبت زیاد از باغهای ایرانی نشان داشت.

و ابن خلدون که از استعداد در نبوغ دانشمندان ایران تعجب کرده می گوید:

در ملت اسلام بیشتر دانشمندان چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی، ایرانیان بوده اند و حتی صاحب نظران علم نحو و دستور زبان عربی مثل سیبویه، فارس، زجاج، اخفش ایرانی بوده اند. لذا پیامبر اسلام فرمود: اگر علم در آسمانها باشد، مردانی از ایران به آن می رسند.

و خانم دکتر هونکه درباره تأثیر تمدن اسلام در اکثر علوم امروزی می نویسد:

تمدن اسلامی که بوسیله مسلمین شروع شد نه تنها ارثیه یونان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آنرا اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد بلکه آنان پایه گذار شیمی آزمایشی، فیزیک، جبر، علم حساب بمفهوم امروزی و مثلثات فضائی، زمین شناسی و جامعه شناسی هستند. تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گرانبها و اختراعات در همه بخشهای علم تجربی که اکثر آنها را بعد ها نویسندگان اروپائی دزدانه به حساب خودشان گذاشته اند به مغرب زمین هدیه کرده است. ولی گرانبها ترین آنها شاید اسلوب تحقیقات علم طبیعی باشد که این پیشقدمی مسلمانان بود که جای پای اروپا باز کرد تا منجر به شناخت قوانین طبیعت و حقوق و کنترل آن گردید.

گوستاولو بون می گوید :

تا به اینجا این مطلب ثابت شد که اکتشافات مسلمانان در طبیعیات اهمیتش کمتر از ریاضیات و علم هیئت نبوده و پایه معلومات مسلمانان در فیزیک و به خصوص امور بصری آن بلند و عالی است. و مسلمانان بودند که آلات دقیق مکانیک را اختراع کردند. و هم آنها بودند که مهمترین ترکیبات شیمیائی مانند الکل و اسید ازتیک و اسید سولفوریک را کشف کردند و آنها بودند که لازم ترین کارها را در این باره انجام دادند مانند عمل تقطیر و غیره و آنها بودند که از علم شیمی در راه داروسازی و صنعت به خصوص استخراج معادن و ساختن فولاد و چرمسازی و غیره استفاده کردند. و آنها بودند که باروت و اسلحه های گرم جنگی را اختراع کردند و از پارچه کهنه کاغذ ساختند.

و به ظن قوی قطب نما را در قسمت کشتی رانی مورد استفاده قرار دادند و این اختراع مهم را بر اروپا آوردند و سیاحت آینده نیز دلیل دیگری است بر اینکه آنها در علوم طبیعی نیز برتری داشته اند.

و مسیولیری می نویسد:

((اگر مسلمانان بر روی صفحه تاریخ ظاهر نشده بودند نهضت علمی اروپا قرن‌ها عقب می افتاد)).

و گوستاولو بون می نویسد:

((تمام دانشمندانی که قبل از قرن پانزدهم میلادی در اروپا ظاهر شدند کسانی بودند که علوم آنها منحصر به آن چیزهایی بود که از روی کتابهای مسلمین یاد گرفته بودند. برای دانشمندانی مانند: روژباکن، لئونارپیز، ارنود ویلنوی، ریمون، سانتوما، آلبرت کبیر، آلفونس دهم و غیره، تنها مرجع علمی آنها کتابهای مسلمانان بوده است و به قول موسیورنان، آلبرت کبیر هر چه دارد از ابن سینا است، و سان توما نیز هر چه در فلسفه می دانست از ابن رشد بوده است)).

اری دانشمندان غربی هرچه بلد بودند مدیون دانشمندان مسلمان بودند. و غرب شاگرد دانشمندان مسلمان بود.

در پزشکی حرف اول را دانشمندان مسلمان می زدند. در شیمی. در فیزیک در ریاضیات و هندسه در تالیف کتب علمی و... در همه رشته ها، دانشمندان مسلمان سرآمد دانشمندان دنیا بودند.

تمدن اسلامی و شیمی

طبق اعترافات مورخین و دانشمندان خارجی مسلمین پایه گذار شیمی بودند بسیاری از اختراعات شیمی بدست مسلمین بوده است.

جرجی زیدان در این رابطه می نویسد:

شکی نیست که مسلمین با تجربیات و عملیات خویش علم جدید شیمی را پایه گذاری کردند آنها بودند که بسیاری از ترکیبات شیمی را کشف کردند و بر اساس آن اکتشافات شیمی جدید استوار گردید.

دانشمندان فرنگ اقرار دارند که مسلمین اسید نیتریک ، اسید سولفوریک، اسید نیترو هیدرو کلوریک ، پوتاس ، جوهر نشادر ، نمک نشادر ، نترات دراژان ، کلوریک سولفوریک ، نترات پوتاس ، زاج سبز، الکل ، قلیا ، زرنیخ ، بوریکی و غیره را کشف کردند. علاوه بر این علمای مسلمان شیمی چیزهایی کشف کردند که اجمالا به ما رسیده ولی از چگونگی آنها هنوز هم اطلاع درستی نداریم.

و دکتر گوستاولوبون می نویسد:

مسلمانها یک سلسله موادی را کشف کردند که در استعمالات روزانه شیمی و صنعت محل حاجت می باشد. اگر چه بیشتر دانشمندان اسلامی دارای این علم بوده اند ولی جای تأسف است که بسیاری از تألیفات آنان که در این زمینه بوده است مفقود شده است. از دیدن ترکیبات شیمیائی که در کتب آنها موجود است بدست می آید که در این فن پایه فکر و دامنه معلومات آنها تا چه اندازه وسیع و دامنه دار بوده است.

در رنگسازی استخراج فلزات، ساختن فولاد، چرمسازی ، مهارتی که داشته اند ثابت می کند که آنها در پیشه و هنر صنعت و چرم هم از علم شیمی استفاده می کرده اند. اینکه در کتب شیمی می نویسند:لاوازیه موجد علم شیمی است. درست نیست زیرا همیشه به این نکته باید توجه داشت که هیچ علمی اعم از شیمی یا غیر آن یک دفعه به وجود نمی آید. چنانچه لابراتوارهای هزار سال پیش مسلمین و اکتشافات مهم آنها در این عمل نبود هیچوقت لازایه نمی توانست قدمی به جلو بگذارد.

نویسنده کتاب فلاسفه شیعه در این زمینه می نویسد:

رازی از علماء بزرگ مسلمان در علم شیمی است. او از نخستین کسانی است که معلومات خود را در شیمی بر طب منطبق ساخت و از جمله کسانی است که شفای بیمار را منتسب به فعل و انفعال شیمیایی در جسم بیمار می دانست. او شیمی را به چهار قسم تقسیم کرده است: مواد معدنی ، مواد نباتی ، مواد حیوانی ، مواد مشتق و فلزات را به علت کثرت و اختلاف خاصیت به شش دسته تقسیم کرده است.

رازی به تهیه برخی از اسید ها پرداخت و هنوز روش تهیه او معمول و متداول است مثلاً جوهر گوگرد را به دست آورد و به نامهای الزیت الزاج و الزاج الا خضر نامید.

همچنین الکل را با تقطیر مواد نشاسته ای و قندی تخمیر شده به دست آورد.

و هنگامی که در مدارس بغداد وری به تدریس و طبابت اشتغال داشت از الکل در داروخانه ها برای تهیه دارو استفاده می کرد. چنانچه در حساب تکاشف فرعی اجسام سیال یعنی اجزای غلیظی که از داروهای رقیق رسوب می نمود مطالعه می کرد و برای آن میزان خاصی تعیین کرد و آن را تکاشف طبیعی نامید.

مخترعان جوهر گوگرد از زاج و اسید نیتریک و تیزاب سلطانی و سود سوز آور همه مسلمان بودند. آنها نخستین کسانی بودند که با افزودن محلول نمک طعام به محلول نیترات نقره متوجه رسوب کلرور نقره شدند.

خانم دکتر هونکه آلمانی در زمینه اثرات بسیار مهم شیمی مسلمانان در علم شیمی چنین می نویسد:

بسیاری از نامهای شیمیائی بزبان عربی هستند که امروزه در همه زبانهای دنیا رواج دارند و نشانه فعالیت دانشمندان اسلامی در این مورد است. اینها نه فقط بوسیله هر شیمی دانی بلکه بوسیله هر خانه داری در زندگی روزمره به کار برده می شوند.

این نامها در درجه اول: شیمی ، کیمیا ، انبیق ، زاج سفید، حنظل ، آلیزارین قلیائی ، اثال ، ملقمه ، نیل ، سرمه ، عرق لاجورد، حسن لبه ، پادزهر ، سنگ پادزهر، براق ، دارو، داروخانه ، اکسیر ، آهک ، قلیا

، پناسیم ، زاج سرخ ، لاک ، سولفورناتریم، نترن، ارسن ، سودا، طلق، براکسی و بسیاری دیگر می باشند.

بسیاری از مواد شیمیایی در آزمایش به عنوان دارو شناخته شدند و بدین تربیب رازی با آگاهی کامل ، علم شیمی را در خدمت پزشکی قرار داد.

کاری که بعدها پاراسلزوس مجددا به آن پرداخت.

زکریای رازی فهمید که می تواند با تغییرات در مواد طبیعی داروهای جدیدی تهیه کند که طبیعت رسانده و در پزشکی کاربرد دارند ولی اولین داروهای شیمیایی را قبل از مصرف روی حیوانات آزمایش می کرد. بدین ترتیب از ترکیبات حیوه را به کمال دارویی رساند. ترکیبات دارویی تریاک و حشیش را روی حیوانات آزمایش و تکمیل کرده و برای مصرف بیهوشی به کار می برد.

یکی از داروهای که زکریای رازی درست کرده است در داروخانه های فرانسه بنام بلانک رازس معروف می باشد و عوام آن را به غلط پلانک رازین می گویند که معنای این لغت اخیر ،انگور روشن از آب در می آید.

ویل دورانت می نویسد:

شیمی به عنوان یکی از علوم تقریباً از مبدعات مسلمین است زیرا آنها مشاهده دقیق و تجربه علمی و توجه به ثبت نتایج را بر محصول کار یونانیان که چنانکه می دانیم منحصر به بعضی تجربیات و فرضیات مهم بود بیافزودند . انبیک را اختراع کردند و نام آن نیز از ایشان است. تعداد زیادی مواد را تجزیه کردند و در باره سنگها تألیفاتی داشتند. مواد قلیایی و اسید ها را مشخص کردند و درباره موادی که به یکی از این دو تمایل دارد مطالعه کردند . درباره صدها داروی طبی تحقیق کردند و صدها داروی تازه ساختند. از نظریه کیمیا که از مصر گرفته بودند و از نتیجه صدها کشف تاره که بر

حسب تصادف کردند روشی در این زمینه پیش گرفتند که از بقیه روشهای قرون وسطی به ترتیب صحیح علمی نزدیک تر بود و از همه اینها به شیمی حقیقی دست یافتند.

تمدن اسلامی و فیزیک

از مهمترین بخشهای علم که بسیار مورد توجه دانشمندان بوده است فیزیک و علم مکانیک است که در زمان حاضر نیز همیشه در حال پیشرفت بوده و اثرات آن در دنیای اتم و همچنین عصر کامپیوتر و نانو تکنولوژی و هوافضا و انرژی هسته ای مشهود است. در دوران تمدن اسلامی یکی از موضوعات قابل تحقیق و بررسی و مطالعه برای دانشمندان مسلمان همین علم بوده که نتایج جالبی را هم ببار آورده است که در این بخش به اعترافات مورخین خارجی در مورد نقش تمدن اسلامی در فیزیک اشاره می شود.

نویسنده کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی می نویسد:

اکتشاف باروت را از مدتی پیش به (رجرباکن) نسبت می دادند ولی بعد معلوم شد که او مانند (آلبرت اعظم) آنرا از نسخه قدیمه ای که از مسلمین به دستش افتاده بود تحصیل کرده است.

کتابی که در قرن سیزدهم میلادی بوسیله یکی از مسلمانان نوشته شده و (رینو) آنرا ترجمه کرده در آن فرمول استفاده از توپ را اینطور شرح می دهد:

شورده، ده درم. ذغال، دو درم. گوگرد، یک درم و نیم. آنها را خیلی نرم سائیده در توپ به اندازه یک ثلث آنها پر کنید و باید زیاده تر نباشد چه بیم آن است که لوله را بترکاند.

پی یر روسو می نویسد:

هارون الرشید برای شارلمانی ساعت زنگداری به عنوان هدیه فرستاد که خود بخود کار می کرد و اهالی مغرب زمین آنرا هشتمین عجائب جهان پنداشته اند.

خانم دکتر هونکه در این قسمت هم مطالب جالبی دارد. او می نویسد:

اینکه یک عقربه مغناطیسی در جهت شمال و جنوب قرار می گیرد دانشی است که چینی ها از دو هزار سال پیش می دانسته اند ولی خود آنان اظهار می کردند که استفاده از قطب نما در دریانوردی را اولین بار از خارجی ها آموخته اند. چون در آنزمان دریا داری تجاری مسلمانان از اقیانوس هند تا چین میانه را در اختیار داشت، اینگونه نتیجه می گیریم که منظور از دریا نوردان خارجی که به قطب نما مجهز بودند و به کمک آن کشتی های خود را در اقیانوس رهبری می کردند همان مسلمانان هستند و مدارک اسلامی آنزمان به کار بردن قطب نما را به وسیله اینان تأیید می کنند.

اینک سخن این مورخ در مورد تلاش دانشمندان مسلمان جهت پرواز بر فراز آسمان:

در حدود سال 880 میلادی یک پزشک مسلمان بنام ابن فرناس در اسپانیا اولین وسیله پرواز کننده را می سازد که با پارچه و پر آنرا پوشش داده بودند.

ابن فرناس در این آزمایش واقعا موفق شد که با این وسیله زمانی طولانی خودش را در هوا نگاه دارد و سعی کند که آن وسیله را هدایت کند تا اینکه سقوط کرد.

این مورخ حقایقی را راجع به تأثیر دانشمندان مسلمان فیزیک در پیشرفتهای صنعتی امروز بیان می کند.

نه رجبباکن و نه باکوفون و رولام و نه لئوناردو داوینچی و نه گالیله هیچکدام پایه گذار علم تحقیقی نیستند. پیش از آنان علم فیزیک تحقیقی و آزمایشی به وسیله دانشمندان اسلامی پایه گذاری شده بود همانطور که علم طبیعی مدرن کنونی یک تئوری متناسب را با آزمایش تنظیم شده ربط می دهد تا به نتیجه برسد. ابن هیشم در آن زمان عینا همینکار را می کرد. در طول دوران زندان خود انتخاب می کند و در سالهای آزادی دوباره باز می یابدش و به آزمایشاتی پرداخت که سراسر بخش هندسه نور را به

زمینه بارآور علمی تبدیل کرد. چگونه ماه گرفتگی بوجود می آید. اگر ماه بخودی خود نور نداشته باشد و نورش را از خورشید دریافت کند؟

این سؤال نجومی او را متوجه سایه انداختن یک جسم در اثر جسم دیگر نورانی محیط کرد. در این موقع برای خودش مرکز نور می سازد و به آزمایش های سیستماتیک مختلفی که برایش ارزش علمی داشت می پردازد و نوشته اش را درباره طبیعت و خواص بوجود آمدن سایه نامیده است. او اولین کسی است که دوربین جعبه ای یک سوراخه مدل اولیه دوربین عکاسی را ساخته و با آن به آزمایش نور پرداخت.

این جعبه یک سوراخه مستقیم پخش شدن اشعه نور را به او ثابت می کند. با چشم خود می بیند ولی باور نمی کند که چگونه این آزمایش محیط را در صفحه مقابل معکوس نشان می دهد. او به همان ترتیب آزمایش را انجام داد که بعد ها لئوناردو داوینچی به کار برد. او دلیل شکست نور را به وسیله چیزهای مختلف مانند هوا یا آب کشف کرده و شرح داده است و به این ترتیب ضخامت جوی که کره زمین را احاطه کرده است دقیقا 15 کیلومتر حساب می کند. او به بررسی هاله اطراف کره ماه و شفق و همچنین قوس و قزح که در شرح علت فیزیکی آن ارسطو درمانده بود می پردازد.

او معلومات خود را در مورد وسائلی که به عدسی و نور مربوط اند بکار می برد. او انعکاس آینه های مقعر با پوششهای کروی و مخروطی را مطالعه و محاسبه کرد و قانون نور افکن را کشف کرد.

او نه تنها تأثی حرارتی محلی تقاطع نور و بزرگ نشان دادن آینه های مقعر را مورد آزمایش علمی قرار داد بلکه این تأثیرات را نیز در مورد ذره بین بررسی کرد.

او کسی است که اولین عینک برای خواندن را اختراع کرد.

آزمایش او در مورد جریان نور در داخل یک جسم کروی اهمیت استادانه اش را چه از لحاظ تئوری و چه از لحاظ عمل نشان می دهد آزمایشی که دویست سال بعد طبق مفاهیم و هدف او بوسیله کمال الدین که خود نیز همقدر او بحساب می آید و شارح آثاری نیز هست انجام شد. تأثیر این مسلمان نابغه بر اروپا شدید است.

تئوریهای فیزیکی، اپتیک (عدسی و جریان و شکست نور) او علم اروپا را تا دوران جدید رهبری می کرده است.

حسی الهیثم (متوفی 965 میلادی) در کتاب گنجینه نور و عدسی هرگونه مسائل عدسی و نوری را که بعدها از جریکن انگلیسی تا وتیلیو ماجارستانی مورد مطالعه قرار داده اند پایه گذاری می کند.

لئوناردو داوینچی ایتالیایی که مدعی اختراع دوربین عکاسی و پمپ آب و هنر تراشکاری و اولین هواپیما است به طور چند جانبه تابع دانشمندان اسلامی بوده است و قابل اثبات است که شدیداً تحت تأثیر کتابهای علمی و آزمایشات حسن بن الهیثم قرار داشته است.

یوهانس کپلر در آلمان در اواخر قرن 16 میلادی موقعیکه قوانین فیزیکی را که بر اساس آن دوربین گالیله ستاره های تا آنزمان ناشناخته را پیش چشم نزدیک کرد را مورد بررسی قرار داد که متوجه شد کارهای گالیله و قوانینش زیر سایه حسن بن الهیثم انجام گرفته است.

و فیلیپ خلیل حتی درباره ابن هیثم می نویسد:

نزدیک به یکصد کتاب در ریاضیات و هیئت و فلسفه و طب به ابن هیثم نسبت می دهند امام مهمترین کتاب وی که شهرت جهانگیر یافت کتاب المناظر است که اصل آن از میان رفته ولی در زمان جرارد کریمونی یا پیش از آن ترجمه شده و متن لاتین آن در سال 1572 میلادی منتشر شد. و در قرون وسطی در تکامل علم مرا یا اثر فراوان داشته است. تقریباً همه کسانی که در قرون وسطی درباره مرا یا

چیزی به قلم آورده اند بر ترجمه کتاب ابن هیثم تکیه دارند و از ملاحظه آثار روجریکن و لئوناردو داوینچی و یوهان کپلر میزان نفوذ کتاب ابن هیثم د نوشته های ایشان روشن می شود.

ابن هیثم در کتاب خود با نظریه اقلیدس و بطلمیوس که به موجب آن از چشم پرتوی بیرون آمده و به اشیاء مورد دیدن می رسد مخالفت کرده و برای تعیین زاویه انکسار و انعکاس نور آزمایشها کرد و ضمن آزمایشهای خویش فرضیه عدسیهای ریز را که سه قرن بعد در ایتالیا شناخته شد کشف کرد. ویل دورانت درباره یکی دیگر از فیزیکدانان مسلمان می نویسد:

معروفترین کتاب آن دوران و در علم فیزیک کتاب میزان الحکمه بود که در سال (516 هجری 1122 میلادی) توسط یک غلام یونانی نژاد مسلمان بنام خازنی تألیف شده بود. این کتاب تاریخچه ای از علم فیزیک به دست می دهد قوانین اهرم را فرموله می کند جداولی از وزن مخصوص بسیاری از مایعات و جامدات تنظیم می نماید. فرضیه چاذبه را به عنوان یک نیروی عمومی که همه چیز را به سوی مرکز زمین می کشاند مطرح می سازد.

مسلمانان دستگاه چرخ چاهی مرسوم به شادوف را که در نزد یونانیان و رومیان معروف بود تکمیل کردند. صلیبیان این دستگاهها را که از نهر العاصی آب می کشیدند دیدند و به آلمان بردند.

گوستاولوبون درباره اختراع ساعت و استفاده آن در بین مسلمین می نویسد:

آنچه مسلم است این است که مسلمانان از ساعتهای لنگر داری نیز که با ساعتهای آبی اختلاف زیادی داشته است مطلع بوده اند و دلیل ما بر این مطلب ساعتی است که در مسجد اموی در دمشق بوده و شرح آن را بسیاری از مؤلفین و بخصوص (بنیامین تطیلی) که در قرن دوازدهم میلادی به فلسطین مسافرت کرده نوشته اند.

و ما شرح زیر را از ترجمه مسیو سلوستر دوساسی از کتاب ابن جبیر برای شما نقل می کنیم: ابن جبیر درباره ساعت اسلامی در دمشق می نویسد:

طرف دست راست کسی که از در جبیرون بیرون می‌درد در کنار سنگ فرش مقابل غرفه ایست که به شکل گنبد مدوراست، و در آن غرفه دو صفحه مدور مسی تعبیه شده که در آنها به عدد ساعتهای روز دریاچه‌هایی باز شده و طوری روی طرح مهندسی وادار کرده‌اند که در سر هر ساعت از روز که می‌شود دو گلوله فلزی از دهان دو عدد باز مسی (که روی دو کاسه قرار دارند) در میان آن کاسه‌ها می‌افتد (دو باز مزبور گلوله‌ها را در حالیکه گردن خود را یم کشند به سرعت و طرز شگفت‌آوری که انسان آنروز آنرا سحر و جادو خیال می‌کرد در میان کاسه‌ها یم اندازد و با افتادن گلوله‌ها صدایی بلند می‌شود) که کاسه‌های مزبور سوراخ است و پس از اینکه گلوله‌ها در آن می‌افتد از ته آن به کنار دیوار غرفه یم رود و سپس دریاچه مزبور بوسیله یک درب مسی مخصوص فوراً بسته می‌شود و به همین ترتیب هر ساعت یکی از این درها بسته می‌شود تا زمانی که همه درها بسته شود و ساعتهای روز به پایان می‌رسد آنگاه دوباره به حال اول بر می‌گردد.

برای ساعات شب دستگاه دیگری به کار می‌برده‌اند بدین ترتیب که در همان اطاق مزبور روی همان صفحه‌های مسی دوازده حلقه کوچک مسی ساخته شده بود که وسط آنها سوراخ بود در هر حلقه طرف داخل دیوار شیشه‌ای بکار رفته بود که پشت صفحه مسی می‌چرخید و پشت سر این شیشه‌ها چراغهایی بود که به ترتیب به اندازه هر ساعت به وسیله آب دور می‌زدند. و چون سر ساعت می‌شد چراغ مقابل شیشه می‌رسید و حلقه‌ای را که پشت سر آن بود روشن می‌کرد و در انتظار یک دایره قرمز دیده می‌شود که علامت تمام شدن یک ساعت بود. سپس به حلقه دیگری می‌تابد و همچنین یکی پس از دیگری حلقه‌ها را روشن می‌کرد تا ساعات شب بگذرد و البته یک نفر مستحفظ در آنجا بود که به طور کامل به وضع آن ساعت آشنا بود و پس از بسته شدن دریاچه‌ها آنها را مجدداً باز کرده و صفحه‌ها را به جای خود باز می‌گرداند.

خانم دکتر هونکه می‌نویسد:

در یزد میدانی است بنام میدان وقت و ساعت. در این میدان سابقها یکی از این ساعتهای آبی که احتمالا با جریان آب قناتی که در زیر این میدان رد می شده و از مسجد جامع کبیر نیز عبور می کرده است بحرکت در می آمده و به وسیله گلوله هایی که در جامی رها می کرده طنین جام شنیده می شده و از دریچه ای مرغ فلزی سربپرون می آورد و خود نوائی سر می داده است. می گویند در این میدان رصد خانه هم بود و وجود آن در بعضی از آثار اروپا ذکر شده است.

یا اینکه همان ساعت مجهز بدستگاه نجومی بوده است که شب و روز و ماه و سال را نشان می داده و همچنین محل ستارگان و طول و عرض زمین را.

مسلمانان دقت زیادی برای اختراع انواع ساعتهای خورشیدی بکار بردند که با استفاده از علم مثلثات و فضائی از روی جدولی که برای هر محل خورشید حساب کرده بودند شخص می توانست دقیقا موضع روز را تشخیص بدهد.

نابترین اختاعشان از نوع ساعتهای خورشیدی یک نوع ساعت خورشیدی کوچک قابل حمل به فرم استوانه ای بود. یکی از این ساعتهای مسافرتی در شهر را یثانا بدست هرمن رسید و او مطرح استادانه آنرا مفصلا شرح داده است. نمونه های نسبتا زیادی از این ساعتهای مسافرتی اولیه ساخت کشورهای اسلامی در اروپا از این به بعد دیده می شود.

مسلمانان در ساختن ساعتهای خورشیدی زمینه وسیعی داشتند. و در ساختن ساعتهای دیگر نیز تخصص فراوانی نشان داده اند ساعتهایی که به وسیله فشار آب و فشار جیوه و در اثر حرارت شمع و یا وزنه بحرکت در می آمدند. تکنسینهای آنان جزو ساعتهایی که اختراع کردند ساعت خورشیدی زنگی بود که در هنگام ظهر جامی فلزی را به صدا در یم آورد. همچنین ساعتی که دارای محفظه آب بود و با فشار جریان آب در هر ساعت گلوله ای در ظرف رها می کرد و دارای صفحه ای بود که ستارگان معینی را از میان بروج دوازده گانه بتناسب زمان می گذرانند و یا اینکه شب هنگام

دوازده دریچه که نیمدایره ای قرار داشتند در حالیکه هلال ماه ا پشت آنها یم گذشت یکی پس از دیگری از داخلشان نور می تابید.

در سال 807 میلادی هارون الرشید سفیری بنام عبدالله را بدربار کارل کبیر قیصر فرانک که در شهر آخن صدارت می کرد فرستاد عبدالله یکی از این دستگاههای عجیب را به عنوان هدیه همراه آورده بود. آنیهارد که منشی کارل کبیر بود در توصیف نارسایش چنین می نویسد: این ساعت از جنس فلز برنجی ساخته شده بود و با مهارت حیرت انگیزی بهم وصل کرده بودند. یک ساعت آبی حرکت دوازده ساعته را اندازه گیری می کرد و در آخر دوازده گلوله پائین می افتادند و با افتادنشان جامی را که در زیر آن محکم کرده بودند به صدا در می آوردند. به همین تعداد هم اسب سوار ظاهر می شدند که در آخر ساعات از دوازده درب بیرون می پریدند و در اثر پرش آنها درب ها بسته می شدند که قبلا باز بودند. ولی خیلی چیزهای دیگر تعجب آور هم در این ساعت مشاهده می شد که ذکر آنها به درازا می کشد.

ما حتی امروزه با لذت تمام در اروپا می ایستیم و تماشا می کنیم که چگونه ساعت بزرگ شهرداری با چکش زدن بر جامی فلزی وقت را اعلام می کند و در همین حال صفحاه ای بحرکت در می آید و مجسمه های ظریف و بی حرکتی که روی آن صفحه نصب شده است از جلوی چشم می گذرند همانطور که زمانی به دلیل علاقه ملت اسلامی به این نوع وسائل مکانیکی آنها طرح کرده بود. جرجی زیدان در مورد پیشرفت فیزیک مسلمین و تأثیر آن در ساخت کشتی های جنگی و ناوگان های بزرگ می نویسد:

کشتیهای جنگی را مسلمین با شکلها و ترکیبات مختلف می ساختند از آن جمله کشتی های بزرگی که در آن برج و بارو تهیه می کردند و آن نوع کشتی های تند رو و کوچک بود. عشاریات کشتی های کوچکی بودند که فقط در رود نیل آمدو شد می کردند. شلندات و مسطحات و غیر نیز نوعی از

کشتیهای باربری و جنگی بوده که برای منظورهای مختلف بکار می رفتند. بطور کلی مسلمانان کشتی سازی از یونانیان و رومیان آموخته ولی پاره ای اصلاحات در آن انجام دادند.

و اما تجهیزات کشتیهای جنگی عبارت بود از: عراده و زره، سپربزرگ، سپر کوچمک، کلاه خود، نیزه قلاب، وباسلق. این حربه اخیرا از زنجیره هائی تشکیل می یافت که سر آن گلوله تیزی از آهن می گذاردند و علاوه بر این اسلحه ها در بالای دکل کشتی صندوقهای در گشاده ای می نهادند که آنرا تابوت می خواندند و پیش از آنکه با دشمن روبرو شوند مردانی درون صندوق رفته و در دیواره صندوق مقداری سنگهای کوچک فلاخن قرار می دادند که با آن دشمن را سنگباران کرده و خودشان محفوظ می ماندند. چون توی آن صندوقها جادار بود گاه هم ظرفهای نفت سوزان را از آنجا بیرون می انداختند و یا ظرفهای پر از نوره و آهک و زرنیخ نرم کوبیده را پرتاب می نمودند تا با غبار آن چشم دشمن را کور سازند و در پاره ای موارد گرد ایجاد حریق می کرد.

بعضی اوقات ظرفهای پر از مار و عقرب به دشمن می افکندند و یا آب صابون می پاشیدند تا دشمن پایش بلغزد.

برای جلوگیری از حریق کشتی اطراف آنرا با پوست و یا نمدی که در سرکه، آب، زاج، نیتریک، خیسانده بودند مستور می داشتند و گاه برای احتیاط دیواره های کشتی را با گل مخلوط به بوراکس و نیتریک و ختمی و سرکه اندود می کردند تا در برابر آتش نفت مقاومت ورزد.

در جلوی کشتی های جنگی آلتی به نام لجام می ساختند که با آن کشتی دشمن را سوراخ کنند. این آلت میله آهن درازنوک تیزی بود که نه آنرا مجوف می کردند و به چوبی مانند چوب نیزه متصل می شد و این قسمت را اسطام می نامیدند.

لجام و اسطام مانند نیزه در جلوی کشتی بود و همین که کشتی دشمن نزدیک می آمد آن آلت نیزه مانند را به آن زده سوراخش می نمودند و طبعا همینکه کشتی سوراخ می شد آب در آن می ریخت و سرنشینان کشتی از بیم غرق شدن تسلیم می شدند.

اما فایده قلابها این بود که آنرا مانند نمد باطنابه‌ای محکم به کشتی دشمن پرتاب می کردند و کشتی را به طرف خود می کشیدند سپس تخته هایی میان کشتی خودشان و کشتی دشمن می گذاردند و از روی آن تخته ها گذشته توی کشتی دشمن می رفتند و آنجا جنگ می کردند . اما اگر کشتی دشمن را نیرومند می یافتند از قلاب چشم پوشیده با شیشه و تبر سنگین فولادی طناب را می بریدند که مبادا کشتی دشمن کشتی آنها را بطرف خود بکشد.

بعضی از نظریات دانشمندان اسلامی و حتی اختراعات آنان زیر بنای کشف اتم را تشکیل می داده است توجه کنید:

نویسنده کتاب فلاسفه شیعه می نویسد:

بوعلی سینا پیش از هشت قرن قبل گفته است: هر یک از ذرات شبیه به یک عالم متحرک است. آری هر ذره متحرک و مرکب از چند کره است.

و فرید الدین عطار نیز گفته است : تمام ذرات عالم در عمل و کاری دائم و مستمر هستند و در هیجان و شعله وری اند و هر ذره ای خورشیدی است ظاهر و روحی است باطنی.

علوم امروز این پدیده فکری را تأیید و ثابت می کند که یک ذره شبیه به یک مجموعه شمسی است و از خورشیدی که ستارگانی در اطراف آن شناورند تکوین یافته است. و اتم از پروتون مرکزی که موجب پر شدن یا سنگینی آن است و از الکترون هایی که سنگینی را سلب می کنند تشکیل یافته است و الکترونها به دور پروتون می چرخند.

گفته شده است که : شیخ بهاء توانست ذره را بشکافد و برقوه آن تسلط پیدا کند و در بعضی موارد آنرا بکار برد. یکی از مظاهر آن شمعی بود که در بون حمامی در اصفهان روشن کرده بود و آن شمع برای گرم نگاه داشتن حمام تا صدها سال بدون آنکه شمع را عوض کنند کافی بود.

چنانکه ساعتی هم ساخته بود که همیشه حرکت می کرد و احتیاجی به کوک کردن مجدد آن در دهها سال نبود. در اصفهان گفتگو از آبهای گرم همیشگی بود. می گفتند اصفهان از آب گرم دائم استفاده می کرده که کسی نمی توانست راز آنرا کشف کند و نمی دانستند از کجا می آید و چه چیزی آنرا گرم می کند. تا آنکه عده ای از دانشمندان انگلیسی به اصفهان آمدند این مسئله به نظر آنها عجیب آمد. در مقام جستجو و کشف مطلب بر آمدند تا آنکه به جایی رسیدند که مخزن بزرگی را دیدند که در سنگی کنده شده بود و آب در آن می ریخت و شمع کوچک سیاهی که روشن بوده در آنجا کار گذاشته شده بود.

دانشمندان انگلیسی آنرا خاموش کرده و با خود بردند تا راز و رمز آن را کشف و آنرا تجزیه کنند ولی دیگر نه توانستند آنرا روشن کنند و نه توانستند ماده آن را بشناسند و حکایت آبهای گرم در اصفهان در تاریخ به صورت معمایی در آمد.

خانم دکتر هونکه درباره اختراعات احمد بن موسی یکی از پسران موسی شاکر می نویسد:

احمد بن موسی عاشق تکنیک و یکی از صنعتگران نابغه این خانواده است. یکی از آثار عربی زبان یادآور می شود که: او چیز هایی کشف می کند که نه برادرش محمد کشف کرده و نه شخص دیگر از پیشینیان. اعم از هرن و دیگران که با علم ترکیب دادن هوشیارانه وسایلی که خود به خود حرکت می کنند دقیقا سروکار داشته اند.

کتاب مفصل او بنام با استعداد ترین افراد غرب را متعجب کرده و مفتون اهمیت آن می گرداند. فکر این مخترع شگفت آور است که چگونه خستگی ناپریر از اجزاء ساده هر بار وسایل جدید و پیچیده ای می سازد که هر خانم خانه دار اروپا یا هر زارع آرزوی داشتنش را دارد. همچنین اختراع صناعی برای سرگرمی و اسباب بازی و مزاح که حتی امروزه سبب خوشحالی هر کودک خواهد شد.

و آنها عبارتند از ظرفی که فقط حیوانات کوچک می توانند از آن آب بیاشماند کوزه هائی برای مصرف حمام و یا شربت که آنها هر باز مایع به میزان معینی می توان خارج کرد. بطوریکه میزان معین

بعدی پس از یک فاصله زمانی کوتاهی می تواند خارج شود. ظرفهائی که وزن مخصوص مایعات بوسیله آنان قابل محاسبه اند.

تعبیه ظرفی که بخ محض خالی شدن خود بخود دوباره پر می گردد. شیشه هائی که از آنها بر حسب احتیاج آن واحد بتوان سرازیر کرد چراغهای روغنی که دارای فتیله خود کار است و روغن آن نیز به میزان لازم به طور خود کار جریان یافته و در بادر هم خاموش نمی شود. دستگاهی که به طور خود کار سوت می کشد و در موقعیکه در آبیاری میزان آب به سطح معینی برسد و انواع فواره ها و هنرنمائیهای بدینوسیله که مثلا آب فواره خود بخود تغییر فرم می دهد..

گوستاولوبون اختراع باروت را به مسلمین نسبت می دهد و مطالب جالبی در این زمینه دارد.

مسلمین هنگام حمله بر دشمن از راههای مختلف باروت را مورد استفاده قرار می دادند و ترس و وحشتی که در دل صلیبان از این مواد افتاده بود معروف است و در تواریخ ایشان مذکور است. از آن جمله سخنان (ژوئن ویل) است که می گوید (در تمام عمر چیزی هولناک تر از آن ندیده ام و آتش مزبور نوعی اژدها بود که در هوا پرواز می کرد) و یا هنگامیکه سن لوئی پادشاه آتش مزبور را دید فوراً به خاک افتاد و دستها را به سوی آسمان بلند کرده با حالتی اشک ریزان گفت:

بار پروردگارا ای مسیح من و رعیتم را از این بلیه حفظ کن.

تحقیقات (مسیورینو و فاوه) و پیش از آن دو (کازیری و آندره و یار دو) این مطلب را ثابت می کند باروت که به آسانی منفجر می شود و بوسیله آن گلوله و امثال آن پرتاب میشود از اختراعات مسلمین است.

دو نفر نویسنده فوق الذکر مانند دیگران ابتدا خیال می کردند مخترع باروت چینیها هستند ولی در مقاله ای که در سال 1850 میلادی منتشر کردند از این نظر برگشته و از روی کتابهای خطی جدیدی

که به دستشان رسیده بود فاش کردند که مخترع این ماده مهم که وضع جنگ را در عالم بکلی تغییر داد اعراب و مسلمانان بوده اند از سخنان این دو نویسنده است:

چینیها توانستند شوره باروت را کشف کنند و در کارهای صنعتی در آتش آنرا به کار برند ولی باروتی را که وسیله پرتاب کردن است مسلمین کشف کردند و خلاصه اسلحه گرم را مسلمین اختراع نمودند.

و از مطالب مهم یکی هم این است که ساختن کاغذ از پارچه های کهنه که کار مشکل و محتاج به ترکیبات زیادی است کار اعراب و مسلمین است.

ویل دورانت در باره نقش دانشمندان اسلامی در علم نجوم می نویسد:

منجمین مسلمان دستگاههای گرانقیمتی داشتند که منحصر به اسطرلاب و ذات الحلق یونانیان قدیم نبوده بلکه دارای دستگاههای ذات الربع و ذات السدی به شعاع 27 متر بوده اند اسطرلاب که مسلمانان در آن اصلاحات بسیار انجام دادند در قرن یازدهم میلادی به اروپا رسید و همچنان تا قرن هفدهم میان دریانوردان به کار می رفت. مسلمین در طرح و ساختمان اسطرلاب دقت فراوان به کار برده بودند چنانکه هم یک ابزار علمی و هم یک اثر هنری شده بود.

خانم دکتر هونکه درباره کارهای نجومی و فرزندان موسی شاکر می نویسد:

احمد بن موسی تهور آنرا داشت که در یک اثر نجومی نظریه یونانیان را در این مورد که نهمین کره مجموعه کرات را در بر می گیرد رد کند. بدینوسیله که این منجم زاده استعدادش را در اختیار علم نجوم نیز قرار می داد. با برادرش محمد یک ساعت فلزی مسی بسیار بزرگ ساخت محمد طلوع وافول ستارگان معروف را چه در شبانه روز و چه در طول سال محاسبه کرده و احمد این محاسبه دقیق و پیچیده برادرش را روی دستگاهی که با هوشمندی و ظرافت بسیار ساخته بود ضبط می کند. این دستگاه کاملاً دقیق کار می کرد و نمونه ای بود منحصر بفرد و نشانه استادی او در تکنیک چیزی

که انسان را به تعجب بر می انگیزد. این دستگاه را ابن الطبری پزشک خلیفه دربار گاه جدید وی با تعجب دیده است. وی چنین بیان کرده است در جلوی رصد خانه سامره دستگاهی را که برادران منجم و تکنسین به نامهای محمد و احمد بن موی شاکر ساخته بودند مشاهده کردم. این دستگاه فرم کروی داشت و ستارگان و همچنین منطقه البروج بر آن رسم شده بود. دارای موتوری بود که بوسیله فشار آب حرکت می کرد. وقتی که در آسمان ستاره ای افول می کرد در همان زمان هم آن ستاره که بر روی دستگاه نیز منعکس بود همچنان و در همان حال در پشت صفحه ای که نماینده افق می بود مخفی می شد. وقتی هم در آسمان ستاره ای طلوع می کرد بر روی آن دستگاه هم ستاره مزبور بروی افق نمایان می شد.

یکی از ابزارهای مهم نجوم در آنزمان اسطرلاب بوده که مسلمین این وسیله را به بهترین وجهش مورد استفاده قرار دادند دکتر هونکه در این باره می گوید:

اسطرلاب برای یونانیان فقط یکی دو مورد مصرف داشت در حالیکه خوارزمی درباره اسطرلاب در یکی از نوشته هایش بیست و سه مورد مصرف یاد می کند. اما چندی بعد شخصی نزدیک هزار کار برد برای اسطرلاب می تراشد و اما خود این اسطرلاب هم بوسیله مسلمانان بهتر و تکمیل تر شد و بتناسب مصارف مختلف به فرمهای فراوانی تبدیل شد. آنان اضافه بر این اسطلاب مسطح و صفحه ای یک نوع کروی حلقه ای هم اختراع کردند همچنین نوعهای دیگری از قبیل اسطرلاب های عدسی گلوله ای تخم مرغی اسطرلابهای که مانند طالبی دو طرف آن فرو رفته بود و اسطرلاب استوانه ای. به ندرت منجم مسلمانی پیدا می شد که به طراحی اسطرلاب یا مصرف آن زمانی اشتغال نداشته باشد. به همین مناسبت هم اروپائیان با جنب و جوش از آن استقبال کردند. در حدود قرن دهم میلادی محصلین اروپائی که بخارج می رفتند از این اسطرلابها با حکاکیهای ظریف به عنوان یاد بود دوران تحصیل شان از کشورهای اسلامی همراه می آوردند.

و در نیمه اول قرن یازدهم میلادی یک آلمانی دو کتاب درباره مصرف اسطرلاب نوشت. دو کتابی که سراسر آن پر از اصطلاحات عربی بود.

تأثیر زبان عربی در کتابهای هرمن که به عنوان کتابهای تعلیماتی خواننده فراوان داشت آشکار است. هرمن در آنها اسطرلاب را واضح تعریف کرده است. ولی هنوز کسی در اروپا جرأت نمی کرد که به ساختن این وسیله اندازه گیری زمان بپردازد.

در طول دویست سال اصل آنها از کشورهای اسلامی وارد می کردند. و سازندگان آن از این بازار گرمی که در کشورهای مسیحی پیدا کرده بود استفاده می کردند و برای رواج بیشتر این کالای صادراتی ساخت خودشانرا که فرنگیها خواهانش بودند با الفبا و نوشته های لاتینی درست کرده ارائه می دادند.

تازه در اروپا اولین بار در قرن 14 میلادی این آلت جالب اندازه گیری مشرکین ساخته شد. چون برای محاسبه دقیق نجومی و پیشگویی طلوع و افول ها غیر قابل اغماض بود. برای دریانوردی از لحاظ تعیین زمان در محلهای مختلف و همچنین تعیین جهت تا مدتها بود که اسطرلاب ارزش بی نهایت داشت. در اروپا در قرن 16 میلاد آثاری که درباره اسطرلاب نوشته می شد زیاد شد.

اسطرلاب را تا قرن 17 میلادی دریانوردان مسیحی به کار می بردند تا اینکه وسیله دیگری جایگزین آن شد. مسلمانان از ربع مزوله دایره بطلمیوس نیز دستگاههای جدیدی ساختند مانند مزوله الحائط و مزوله السمیت و مزوله قابل حمل که از این آخری حداقل هیجده نوع وجود داشت.

البیروین از یک مزوله الحائط که هفت مترو نیم قطر دایره آن بود استفاده می کرد.

بزرگتر از آن در رصد خانه الغ بیک وجود داشت که چهل متر قطر دایره آن بود. منجمین اسلامی وسائل اندازه گیری دیگری که برای تعیین محل به کار می رود به آن اضافه کردند با نامهای ذات السدس و ذات الثمن.

در اولین رصد خانه اروپا بنام (اورانین بورک دس تیشو براهه) در جزیره هوسن در دریای شرقی دستگاههای ساخته شده توسط مسلمین را می یابیم . اروپا آشنائی اولیه اش به این دستگاهها را نیز مرهون زحمت همان اشراف زاده ا ولایت شواب است بنام هرمن.

دانشمندان اسلامی بزرگترین رصد خانه دوران تمدن اسلامی را در مراغه به سرپرستی خواه نصیر الدین طوسی بنا نهادند که اهمین آنرا از مطلب زیر متوجه می شویم.

در کتاب فرهنگ اسلام در اروپا در این رابطه آمده است:

چهارصد هزار جلد کتاب که از کتابخانه های بغداد و سوریه و بین النهرین ربوده شده بود در کتابخانه رصد خانه مراغه جمع آوری کردند و دانشمندان نامی را از اسپانیا و دمشق و تفلیس و موصل به مراغه خواندند تا تحت رهبری خواجه نصیر الدین طوسی هر چه سریعتر جدول جدید نجومی تهیه کنند و این دستور روز بود. خواجه نصیر الدین طوسی اعتراض می کند که دوره مشاهداتی کامل ستارگان به هیچ وجه کمتر از سی سال نمی تواند باشد برای اینکه ستاره کیوان تقریباً همین مدت را احتیاج دارد تا مدار خودش را طی کند. ولی خان صحرائشین و ناآرمام (هلاکو خان) نمی توانست این اندازه صبر کند و آشکارا اعلام می کند: من دستور می دهم که بهاید مشاهدات نجومی در مدت دوازده سال پایان رسیده باشد.

واقعاً هم جدولهای نجومی ایلخانی را سر موعد مقرر ارائه دادند خواجه نصیر الدین طوسی به رصد خانه خود رسید . یک مرکز علمی که در آن زمان نظیر نداشت نام بلند این رصد خانه در درجه اول از آن جهت بود که وسائل مشاهداتی که آن رصد خانه به آن مجهز بود از نظر تخصصی بسیار مهم بودند.

جرجی زیدان در این رابطه می نویسد:

مسلمانان راه های تازه ای برای رصد ستارگان پیدا کردند. وسایل بسیار اختراع نمودند که از آن جمله ذات السمیت و ارتفاع و ذات الاوتار است.

پس از آنکه مسلمانان رصد خانه های عالی تأسیس کردند پادشاهان فرنگ نه تنها به علمای مسلمان مراجعه می کردند بلکه برای حل مشکلات علمی خود به ممالک شرقی اسلام نمایندگانی فرستادند از آن جمله می گویدند:

آبرور پادشاه فرنگی نماینده ای نزد پدر الدین لؤلؤ فرماندار موصل فرستاد تا مشکلاتی را از علم نجوم برای پادشاه حل کند. یکی از منجمین بزرگ اسلامی ابوالحسن بن یونس است که ابتکارات بزرگی در علم نجوم و اختر شناسی انجام داده است.

در کتاب تاریخ علم کمبریج درباره او آمده است:

در پایان سده دهم ما یک از بزرگترین اختر شناسان اسلامی قرون وسطی بمام ابوالحسن بن یونس را نیز دست به کار می بینیم .

ابن یونس در مصر و در خانواده ای محترم بدنیا آمد . در جوانی شاهد فتح مصر بدست فاطمیون مسلمان و در سال 969 میلادی شاهد پی ریزی شهر قاهره بود. ابن یونس از سال 977 تا سال 1003 میلادی تحت حکومت خلفاء رصدهایی با استفاده از ابزارهای چندی از جمله اسطرلاب مسین بزرگی به قطر تقریبی $1/4$ متر انجام داده است. در میان ابزارها ذات الحلق غول آسایی با نه حلقه و حدود یک تن وزن نیز وجود داشت که از بس بزرگ بود هر چند این وسیله احتمالاً بعد از مرگ ابن یونس ساخته شده بود.

ابن یونس شهرت خود را در درجه اول مدیون زیج خویش است که به خلیفه وقت تقدیم شده و جدول های نجوم بزرگ حاکم نام گرفته بود دست کم دارای 81 فصل و بارها بزرگتر از زیج بتانی تعداد جداول آن نیز دو برابر بود. تفاوت آن با همه زیج های قبلی در این بود که با فهرستی از

ارصادات آغاز می شد چه آنها که خود ابن یونس انجام داده بود و چه آنها که به وسیله پیشینیان او صورت گرفته بود. جزئیات انواع و اقسام پدیده ها از خسوف و کسوف گرفته تا قران های سیارات در آن ذکر شده بود.

این زیج قدری ستاره خوانی را نیز شامل می شد چون آوازه ابن یونس خم در ستاره خوان بود و هم در اختر شناسی ضمنا این با توجه به علاقه حاکم و خلیفه به موضوع دور از انتظار نبود. می گویند: ابن یونس مرگ خود را هفت روز پیش از وقوع آن پیش بینی کرد از این رو امور شخصی خود را سرو صورت داد و سپس در خانه را بر روی خود بست و همه دست نوشته های خود را شست و از بین برد و به تلاوت قرآن مشغول شد تا از دنیا رفت. درست در همان روزی که پیش بینی کرده بود راست یا دروغ این حکایت از شهرت او به خاطر قابل اطمینان بودن پیشگوئی هایش خبر می دهد. صرف نظر از ستاره خوانی زیج ابن یونس کمک بسیا ارزشمندی به اختر شناسی اسلامی بود.

ابن یونس اثر بزرگ دیگری نیز تألیف کرد. این اثر برای تعیین نجومی اوقات نماز بود.

برای این کار به راهنمای نجومی نیاز بود. زیرا پیامبر فرموده بود که: نماز مغرب نخستین نماز روز باید بین غروب آفتاب و شب هنگام اقامه گردد نماز صبح بین سپیده دم و طلوع آفتاب نماز ظهر وقتی که خورشید به نصف النهار محل می رسد و نماز عصر موقعی که طول سایه هر جسم مفروض برابر طول سایه آن در نیمروز به علاوه طول خود جسم برسد. و لازمه آن این بود که حرکت ظاهری روزانه خورشید را باید دقیقا دانسته باشد.

جدول های ابن یونس از آن جا که به ریاضیات صحیحی اتکاء داشته بسیار گسترده و خوب بودند و موضع خورشید در طول سال را بیش از 10000 مورد ذکر می کردند.

در کتاب فلاسفه شیعه درباره بعضی از ابتکارات و نظریات ابوریحان بیرونی درباره علم نجوم آورده است:

نلینو می گوید: آنچه قابل ذکر است این است که بیرونی پس از تألیف کتاب خود اسطرلاب طریقه ای را که پیشنهاد کرده بود از تئوری به عمل در آورد. بیرونی در کتاب خود موسوم به قانون مسعودی می گوید که خواست در مورد قیاس مأمون تحقیقی به عمل آورد پس کوهی را در خاک هند انتخاب کرد که مشرف بر دریا و بر یک دشت هموار بود و ارتفاع کوه را اندازه گرفت و آن را 652 و یک بیستم دقیقه یافت پس شیب آنرا اندازه گرفت و آنرا 34 دقیقه یافت و از این عمل چنین استنباط کرد که مقدار درجه آن از خط نصف النهار 58 میل تقریبی یعنی مساوی با 56/92 میل است.

تمدن اسلامی و ریاضیات

ریاضیات و علم اعداد در نزد دانشمندان بزرگی و همچنین ابداعات و ابتکارات قابل تحسینی در این علم داشته است.

در کتاب فرهنگ اسلام در اروپا آمده است:

نه تنها ما بلکه تمام ملل متمدن امروز از همان اعدادی استفاده می کنند که زمانی مسلمانان به ما یاد دادند بدون این اعداد وجود بلیط ، اتیکت قیمت دفتر تلفن و اخبار بورس غیر قابل تصور می باشد. بدون آنها ساختمان عظیم علوم راضی ، فیزیک ، ستاره شناسی ، و بقیه علوم غیر ممکن بود و هواپیمای مسافرتی و مافوق صوت، موشک ، ماهواره و فیزیک اتمی نمی توانست پایه عرصه وجود بگذارد.

در کتاب تاریخ ریاضیات آمده است:

ریاضی دانان آسیای میانه استخراج ریشه حل تقریبی یک سلسله معادلات فرمول کلی نیوتون و غیره را پیدا کردند. این روابط را به وسیله جملات بیان می کردند نه به وسیله علامات. علاوه بر آن ریاضی دانان آسیای میانه مثلثات را هم خیلی تکامل دادند آنرا منظم کردند و جداول سینوسی را خیلی دقیق محاسبه نمودند. این جداول اثر ریاضی دان غیاث الدین (متوفی 1428 میلادی) است که برای منجم مشهور ازبک الغ بیک تنظیم کرد. همین غیاث الدین کسرهای اعشاری را 150 سال قبل از اختراع مجدد آنها در اروپا اختراع نمود.

ویل دورانت درباره علم جبر که از ملحقات علم ریاضی توسط مسلمین است می نویسد:

مبادی علم جبر در کتابهای دیوفانتوس یونانی از مردم قرن سوم میلادی است اما نام آن از مسلمین است که این علم حلال مشکلات را به کمال رسانیده اند. از مهمترین شخصیت این میدان علمی محمد بن موسی (متوفی 235 هجری - 850 میلادی) است که به علت انتساب زادگاه خود خوارزم واقع در شرق دریای خزر به خوارزمی معروف شده است.

وی در پنج رشته علوم کتابهای گرانمایی نوشت. رساله ای درباره ارقام هندسی داشت وزیجی مرتب کرد که در اسپانیا تجدید نظر شد و تا قرنهای در همه ممالک از قرطبه تا چانگان چین از آن تبعیت می شد.

او قدیم ترین جداول محاسبه مثلثات را نوشت و با هنکاری شصت و نه تن از علماء یک فرهنگ جغرافیایی برای مأمون فراهم کرد. در کتاب معروف خود به نام راه حلهای هندسی را برای معادلات درجه دوم نشان داد. اصل عربی این کتاب از میان رفته اما ترجمه ای که در قرن دوازدهم از آن کرده بود تا قرن چهاردهم در دانشگاههای اروپا تدریس شد و مغرب زمین کلمه جبر را که نام علم معروفی شد از این کتاب گرفت.

و فیلیپ خلیل حتی درباره خوارزمی می گوید:

کتاب جبر خوارزمی در قرن دوازدهم میلادی توسط جرارد کریمونی به لاتین ترجمه شد و تا قرن شانزدهم میلادی به عنوان کتاب درسی در مدارس اروپا رواج داشت. علم جبر و هم کلمه جبر با کتاب خوارزمی به اروپا راه یافت و ارقام عربی نیز به برکت تألیفات او در اروپا شناخته شد و آنرا منسوب به وی الگوریسم (الخوارزمی) می نامیدند.

از ریاضی دان های دوران بعد که تحت نفوذ او بوده اند عمر خیام و لئوناردو فیبوناتسی پیزائی و یعقوب فلورانسی را نام می بریم.

جبر خیام که از جبر خوارزمی کاملتر است بسیاری از معادلات درجه دوم هندسه و جبر را به ترتیب بسیار جالبی حل کرده است.

دکتر هونکه درباره دو کتاب مهم خوارزمی که از مهمترین تألیفات دانشمندان مسلمان در علم ریاضی و اعداد است می نویسد:

دو اثر خوارزمی در ریاضیات بودند که نام او را جاودانه ساختند.

یکی از آنها حل المسائل علمی برای زندگی عملی بنام (جبر و مقابله) بود. مترجمی که در قرون وسطی این اثر را برگرداند نیز همان نام عربی را برای آن برگزید و اولین کلمه الجبر برای همیشه در ریاضیات بجای ماند. دومین اثر خوارزمی که نامش را جاویدان ساخت همان کتاب آموزش فن محاسبه بود که در آن طریقه استفاده از اعداد هندسی را می آموخت. نوشتن اعداد جمع و تفریق، نصف کردن و دو برابر کردن، ضرب، تقسیم و محاسبات کسری.

بسیاری از مسائل کنونی ریاضیات و جبر و هندسه از مسلمین نشأت گرفته و حتی غیر قابل باور است که عدد ایکس نیز از عربی گرفته شده است توجه بفرمائید:

خانم دکتر هونکه می نویسد:

همچنین محاسبات اعشاری بوسیله دانشمندان اسلامی تعبیه شد. الکا شی دانشمند علم نجوم ردیف اعداد را بنهایت درجه تکمیل نمود. به این ترتیب که او اعداد کسری را تا آخر آنها نیز اضافه کرد. کاری که بدون آن امروزه نه باجی تخم مرغ فروش و نه عمو شیر فروش می توانست براحتی حساب کند و نه در محاسبات مشکل جرح و تعدیلی می توانست انجام گیرد و محاسبه لگاریتمی هم اصلاً غیر ممکن می شد.

و هنوز هم تا کنون چهره محاسبات جبر در اروپا دارای یک علامت عربی است و آن عبارت است از (X) برای عدد مجهول معادله.

این علامت X که بر حسب نظام الفبائی Y را هم برای دومین و Z را برای سومین مجهول انتخاب می کند زیر نقابی به اروپا راه یافته است.

این X را اگر بخواهیم عربی بدانیم بنظر غیر ممکن است. برای اینکه حرف X در زبان عربی وجود ندارد ولی موضوع از این قرار است که اعراب عدد مجهولی را که در معادل هجبرشان جستجو می کردند شیء نامیدند. و حرف (ش) که مخفف شیء باشد در زبان اسپانیائی کهن معدل همان علامت (X) است.

بدین جهت است که همه اروپائیان امروزه نادانسته و حداقل از کلاس هفتم مدرسه می آموزند که علامت X را که در حقیقت نقایست برای لغت عربی شیء برای مجهول در ریاضیات بکار برند.

دانشمندان اسلامی نیز پایه گذار مثلثات سطحی و حجمی اند.

بخشی که در قضاوت نهائی بین یونانیان وجود نداشته است.

در کتاب تاریخ علم کمبریج درباره نقش مسلمین در پیشبرد ریاضیات می نویسد:

قرن دهم شاهد پژوهش و پیشرفت بیشتری در ریاضیات بود چه در هندسه، چه در جبر و چه در مثلثات.

سنان بن ثابت بن قروه ، نوه ثابت بن قروه، خود را به هندسه سرگرم کرد و پرگاری ساخت که طول يك شاخه اش قابل تغییر بود و برای کشیدن بیضی و سایر مقاطع مخروطی به کار می رفت. کار مثلثات به تهیه جدول سینوس ها متمرکز شد و ابن یونس مقادیرش را تا چهار رقم اعشار به دست آورد قضیه سینوس نیز کشف شد که تا امروز در مورد مثلثات های واقع بر سطح کروی به کار می رود. همچون در اختر شناسی که مثلث های واقع بر کره فلکی مورد سنجش قرار می گیرد از همین روست که این قضیه از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

دقیقا معلوم نیست که آن را به که مدیونیم به سنان ، خجندی یا ابو سفر عراق ، ولی به یقین می دانیم که آنرا به یکی از این ریاضیدانان مسلمان مدیونیم.

در جبر کرچی استفاده از دو جمله ای ها را توسعه داد و وظیفه خاص جبر را تعیین مجهولات با استفاده از مقدمات معلوم دانست.

ولی ریاضیدانان همه فن حریف در قرن دهم ابوالوفا بود. او راهنمای خوبی در حساب عمل نوشت به نام کتاب ضروریات علم حساب برای کاتبان و کاسبان و راهنمای همانندی در هندسه به نام کتاب ضروریات ساختمان هندسی برای اهل صنعت او در کتاب اخیر مسائل دو بعدی و سه بعدی را فقط با استفاده از پرگار و خط کش حل کرد. این نوع هندسه علمی یونانیان را منقلب می ساخت.

چون هندسه برای آنان فقط فن نظری بود ساخته های هندسی ابوالوفاء چنان به سهولت قابل استفاده بودند که در دوره رنسانس وسیعا در اروپا رواج یافتند.

در مثلثات او جدول های تازه ای فراهم آورد و راه هایی برای حل بعضی مسائل مثلث های کروی پیدا کرد.

یکی از بزرگان و ادی ریاضیات و اعداد ابو ریحان بیرونی است.

نویسنده کتاب فلاسفه شیعه می نویسد:

بیرونی در ریاضیات و همچنین در علوم دیگر از قبیل فلک شناسی طب ، تاریخ و در گر موضوعات کتابهایی دارد. کتابهای او منقح و مختصر و مفید است.

از کتابهای ریاضی او (التفهیم لا وائل الصانعه التنجیم) است. در این کتاب از هندسه و حساب و جبر و اعداد بحث می کند. سپس به بیان هیئت عالم و احکام نجوم می پردازد.

این کتاب به طریق سؤال و جواب تنظیم و به زبان ساده و آسان تحریر شده و دارای اشکال و نقشه هائی است. کتاب ترجمه مافی براهین سدهانه (السند هند) من طرق الحساب و کتاب کیفیه رسوم الهند فی تعلم الحساب و مقاله ای در استخراج کعبها و ضلعها و کتاب استخراج و ترها به واسطه خواص خط منحنی که در آنها یکسلسله مسائل هندسی را آورده و طریقه ابتکاری خود را در حل بعضی از آن مسائل به کار برده است. از این کتاب خلاصه ای به عمل آمده است و در آن برای حل برخی از مسائل ریاضی از روشهای ابتکاری و براهین هندسی استفاده گردیده است که قبل از او کسی آن براهین را به کار نمی برد. بعضی از مسائل علمی که بیرونی در آن بحث کرده در کتابهای جبر جدید به طور متفرق دیده می شود. بیرونی کتابی به نام (الارفام) و کتابهای دیگری در ریاضیات دارد. همچنین از دیگر ریاضیدانان مسلمان غیاث الدین کاشانی متوفی 832 هجری است که در کتاب فلاسفه شیعه می نویسد:

در ریاضیات از تألیفات او رساله المحيطیه است که در این رساله کیفیت نسبت محیط دایره را به قطر آن معین می کند و در این تحقیق به جایی می رسد که قبل از او کسی متوجه آن نشده بود اسمیت اعتراف می کند که مسلمانان در زمان غیاث الدین کاشانی در استعمال قواعد اعشاری از اروپائیان جلوتر بودند و به کسور اعشاری آگاهی داشتند. رساله الجیب والوتر در هندسه نیز از او است و مؤلف خود در کتاب المفتاح گفته است که این عمل بر قدما مشکل بود چنانکه صاحب مجسطی در این مورد گفته است که راهی برای بدست آوردن آن نیست.

از مهمترین تألیفات کاشانی در ریاضیات (مفتاح الحساب) است که برخی از قواعد حسابی را که کشف کرده است در این کتاب گنجانیده و صالح زکی آن را آخرین کتاب مفصلی می داند که ریاضیدانان شرق تألیف کرده اند.

کارادی فو، و همچنین اسمیت اعتراف می کنند که کاشانی توانست قانونی برای تعیین مجموع اعداد طبیعی در توان چهارم بیابد.

و درباره خواجه نصیر الدین طوسی از ریاضیدانان بزرگ اسلامی می نویسد:

از اعلام ریاضیدانان، خواجه نصیر الدین طوسی است که در فاصله 597-672 هجری می زیست. او از بزرگترین دانشمندان جهان است که علاوه بر فلسفه و کلام و فلک در جبر و حساب و هندسه و مثلثات و سایر علوم ریاضی نیز نبوغ خاصی از خود نشان داد و تألیفات گرانمایی دارد. برخی از مؤلفات او در ریاضیات عبارتند از:

کتاب (الاصول والفروع، رساله فی البدیهیه الخامسه،) کتاب (تسطیح الارض و تربیع الدائر) کتاب (قواعد الهندسه) کتاب (مساحه الاشکال البسیطه و الکرویه) کتاب (الجبر والمقابله) کتاب (جامع فی الحساب فی الیخت و التراب) کتاب (مقاله فی البرهنه) در اینکه مجموع دو عدد فرد مربع، مربع نیست.

کتاب (الشکل القطاع) و این کتابی است که در باب خود منحصر به فرد است، غریبان آن را به لاتینی و فرانسوی و انگلیسی ترجمه کرده اند و قرنهای منبع و مدرک علمای اروپا بود و معلومات خود را در مثلثات مستوی و کروی از آن می گرفتند.

ریجیو مونتاس در نوشتن کتاب مثلثات خود بر این کتاب اعتماد داشته و از آن مطالبی را نقل کرده است.

طوسی نخستین کسی است که حالات ششگانه مثلث کروی قائم الزاویه را به کار برده و آن را در کتاب مزبور خود آورده است. شکی نیست همان طور که استاد طوقان می گوید: این کتاب اثر بزرگی در مثلثات و پیشرفت آنها داشته است و دانشمندان پس از او چیز مهمی بر نظریات مندرج در این کتاب نیافزوده اند.

عظمت مقام علمی طوسی و تأثیر او در تاریخ تحول فکری اعم از ریاضی و غیر ریاضی بیشتر از اینجا معلوم می شود که بدانیم نسبت مثلثات به ریاضیات مثل نسبت نمک به خوراک است و از علوم ریاضی و مباحث فلک شناسی و هندسی مثلثات نقش مهمی دارد. و اصولاً امکان ندارد که در این علوم از مثلثات بی نیاز باشیم. مثلثات عامل اساسی در استفاده و به کار بردن قوانین طبیعی و هندسی در میدانهای اختراع و اکتشاف است.

از دیگر ریاضیدانان اخیر شیخ بهاءالدین عاملی (متوفی 1031 هجری) است. که از مشهورترین علمای ریاضی و دیگر علوم بود. مهمترین تألیفات او در این موضوع خلاصه الحساب است. که در ایران و در کلکته و در برلین به چاپ رسیده و به فرانسه نیز ترجمه شده است.

او کتابی دیگر بنام بحر الحساب و جبر الحساب دارد که در این کتاب اخیر براهین بسیاری از نظریات هندسی خود را شرح داده و قواعد مساحتها و حجمها و یک سلسله اصول و مبادی حساب را به تفصیل آورده است.

تمدن اسلامی و پزشکی

در دوران تمدن اسلامی پزشکی نیز به او شکوفایی خود رسید و پزشکان نامی و مشهوری پا به صحنه طبابت گذاشتند و پزشکی را از حداقل به جایی رساندند که کتب پزشکانی مثل بو علی سینا تا اواسط

قرن 17 میلادی مورد اعتماد اغلب دانشگاه‌های اروپا بود و پایه گذاری پزشکی نوین را همان آثار و دستاوردهای پزشکان مسلمان می دانند.

عبدالله نعمه در کتاب فلاسفه شیعه در این رابطه می نویسد:

((کتاب قانون بو علی سینا که هر آنچه مورد احتیاج طبیب هست در آن آمده مهمترین مرجع طب در قرون وسطی بود و در مدارس شرق و غرب تدریس می شد. ترجمه لاتینی آن 15 مرتبه میان سالهای 1473 و 1505 میلادی چاپ شد و تا اواسط قرن 17 میلادی مورد اعتماد اغلب دانشگاه‌های اروپا بود.))

زکریای رازی به عنوان پدر طب عرب یا جالینوس عرب کتابهای زیادی در طب نوشته از جمله کتاب الحاوی _ الطب المنصوری - کتاب الاسرار فی الکیماء که اعجاب پزشکان غرب را برانگیخته و به زبانهای متعدد لاتین و غیره ترجمه شده و کتاب الجوری و الحصبه تاکنون بیش از چهل بار به زبان انگلیسی چاپ شده است.

خانم دکتر هونکه در کتاب فرهنگ اسلام در اروپا می گوید:

((در دانشگاه‌های توینگن و فرانکفورت نودر، هنوز تا قرن هجدهم میلادی آثار ابن سینا و رازی جزو برنامه اصلی بودند. بالاخره پس آنکه کشورهای اسلامی مورد غضب اروپائیان قرار گرفتند، تأثیر عمیق نوشته هایشان بخصوص درباره معالجات چشم باز هم تا قرن هیجدهم ادامه داشت. بسیاری از تجربیات پر ارزش و کشفیات و اختراعاتشان گرچ از آنها کسی نام نمی برد ولی خواهی نخواهی جزو غیر قابل تفکیک علوم پزشکی بین المللی شده اند امروزه چه کسی اینان را می شناسد؟ چه کسی میداند که طب اسلامی از زمانیکه به وسیله کنستانتین به سرزمین اروپا آورده شد چه تأثیرات بزرگ و تعیین کننده ای در اروپا به جای گذاشت؟ از نقش عظیمی که اسلام در رشد و شکوفائی طب ما داشت چه کسی مطلع است؟))

همچنین می نویسد:

(نام مسلمانان در جهان علمی اروپای آن زمان چنان خریدار داشت که عده ای از پزشکان شمال ایتالیا برای اینکه کتاب طبی شان بیشتر مورد توجه دانشمندان قرار گیرد آنرا ماسویه جدید بغدادی معرفی کردند و چنین ادعا کردند که این نویسنده شاگرد ابن سینای معروف بوده است).

یکی از شیمی دانهای گمنام قرن سیزدهم میلادی در اروپا موفقیتی بزرگ و غیر طبیعی بدست آورد. بدینوسیله که اثر مهمش را که نشانه آشنائی کامل با علوم مسلمانان بود بنام شیمی دان معروف جابر و به اصطلاح بقراط علم شیمی ارائه داد. بدین تربیب طبیعی بود که خواندن یک چنین کتابی برای جهان علمی اروپا لازم بود.

یک زمانی در اروپا حمام را جزء خرافات معرفی می کردند ولی در همان زمان مسلمین از نظر بهداشت در بالاترین سطح قرار داشتند.

خانم دکتر هونکه می نویسد:

((زنهای اروپایی پودر زدن را که قبلا با آن نا آشنا بودند از مسلمانان آموختند. مشرق زمین این ماده خوشبو را ساخته و طریقه تهیه اش را در اختیار اروپا گذاشت و مردهای اروپائی هم از آن به بعد به تقلید از رهبر مسلمین ، صورتهایشان را به وسیله ریش گذاشتن زینت می کردند. حمام و شستشوی بدن از چیزهای خاصی است که بوسیله مسلمین به اروپائیان آموخته شد)).

در دوران تمدن اسلامی در اروپا طاعون را مرگ سیاه لقب داده و کار خدا می دانستند و از مقابله با آن عاجز بودند ولی طیبیان مسلمان راه مبارزه با آن را به بشر آموختند در کتاب تاریخ عرب آمده است:

(ابن خطیب ، طیبی بود که به مقام وزارت رسید. از قرن چهاردهم میلادی که مرگ سیاه اروپا را درو می کرد و مسیحیان حیرت زده طاعون را کار خدا می دانستند این طیب مسلمان ضمن رساله ای

فرضیه مسری بودن طاعون را ثابت کرد و چنین نوشت: اگر گویند چگونه ادعای سرایت این زاید را قبول کرد در صورتیکه شرع آنرا رد کرده است گوئیم: وجود سرایت به تجربه و استقراء و حس و مشاهده و خبرهای متواتر ثابت شده و مایه های برهان همین است و هر که بخواهد بداند این نکته را در می یابد که نزدیکی به بیمار موجب هلاکت و دوری از او موجب سلامت است. و باید دانست که به سبب لباس یا ظرف یا حتی گوشواره ای مرض به خانه یا محله ای می رود).

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن درباره بزرگترین اطباء عالم می نویسد:

((در این دوران نیز مثل دوران ماقبلش بزرگترین طبیبان آسیا و آفریقا و اروپا از میان مسلمین برخاستند. مهمترین عرضه تخصصی این طبیبان بیماریهای چشمی بود. شاید از آن روز که این گونه امراض در دیار خاور نزدیک فراوان بود و در آنجا مثل جاهای دیگر مردم پولهای گزاف برای علاج و خیلی کم برای پیشگیری خرج می کردند. چشم پزشکان آب آوردگی چشم یا آب مروارید را عمل می کردند)).

ابن البیطار در کتاب تاریخ طب گیاهی را نوشت و در آن هزار و چهار صد نوع گیاه و غذا و دارو ذکر کرده که سیصد نوع آن قبلاً ناشناخته بود. او ترکیبات شیمیایی و قدرت شقابخشی آنها را معین کرد و ملاحظات دقیقی درباره کیفیت استعمال آنها به قلم آورد.

گوستاولو بون در کتاب تمدن اسلام و عرب می نویسد:

مشهورترین جراح مسلمان ابوالقاسم قرطبی است که در سال 1107 میلادی وفات یافته و او کسی است که بسیاری از آلات جراحی را اختراع کرده و شکل آنها را در کتاب خود ترسیم کرده است. و هم او بود که کیفیت آب کردن سنگ کلیه را توصیف کرده و نابجا آنرا جزء اختراعات جدید می دانند.

تا قرن پانزدهم ابوالقاسم در اروپا معروف نبود. و در این قرن بود که شهرتش در آنجا پیچید
فیزیولوژی دان معروف (هالر) درباره او می گوید:

تمام جاحانی که پس از قرن چهار دهم میلادی آمدند از روی کتابهای ابوالقاسم استفاده می نمودند.
کتاب مبسوطی که او درباره جراحی تألیف کرده مشتمل بر سه باب است. باب اول درباره سوزاندن و
داغ کردن باب دوم راجع به عملیاتی است که محتاج به چاقوی جراحی بوده و هم چنین درباره
جراحی دندان، چشم، فتق، زایمانهای غیر طبیعی، بیرون آوردن سنگ کلیه بحث می نمایند.
باب سوم درباب شکسته بندی و جا انداختن استخوانها است. و با اینکه در تقسیم بندی دقت کامل
شده ولی دستورات عمل او بی نهایت دقیق و محکم است.

اولین چاپس که از ترجمه لاتینی کتاب ابوالقاسم شد در سال 1497 میلادی بود و چاپ اخیر آن
همین تازگیها یعنی 1812 بوده است. با ظهور این دانشمندان بزرگ در علم طب آنان به کشفیات
مهمی نائل آمدند.

خانم دکتر هونکه می نویسد:

علی بن عباسی اولین کسی است که حرکات رحم را کشف کرده که در اثر انقباض جفت را بیرون
یم فشارد او همچنین درباره زخم گردنه رحم و سرطان نوشته هائی بجا گذشته است.
او هزار سال جلوتر از داروین از اصل انواع و ظهور آنها در اثر تغییرات ضروری به تناسب زیست و
مطابقت دادن خود با شرایط زندگی صحبت می کند.

ابن سینا نظریه پیشینیان را در مورد بیماریهای استخوان رد کرده می نویسد: استخوانها هم می توانند
ملتهب شده و سلامتی شان را از دست بدهند. در حالیکه قبلا معتقد بودند که بافتهای شل مانند مغز و
بافتهای سفت مانند استخوان التهاب نپذیرند. او اولین کسی بود که اختلاف بین بیماری واگیری
التهاب کیسه مغز و دیگر بیماریهای واگیری کیسه مغزی را شرح داده و اولین دستور معاینه تجزیه ای

برای تشخیص امراض التهاب غیر واگیری کیسه مغز و مننژیت را از یکدیگر داد و این را چنان واضح و کامل نشان داد که ما امروز تقریباً بهتر از او نمی توانیم شرح بدهیم.

به این ترتیب امراض شناسی در تمدن اسلامی به فاصله زیادی از یونان قدیم و جالینوس جلو افتاد.

زکریای رازی بینش علمی را به غرب آموخت نوشته های او درباره سرخک و آبله با دقت کافی و برای اولین بار سیر کامل بیماری را ترسیم می کند. به طوریکه حتی پزشکان قرن هیجدهم آنرا یکی از بهترین آثار مربوط به آن موضوع می نامند. رازی نفرس را از رماتیسم جدا می دانست.

ابن سینا اولین و بهترین طریق تجزیه برای تشخیص امراض سینه پهلوی التهاب ریه دمل کبد را در اختیار ما گذاشت او علائم بیماریهای روده درد و درد کلیه را جدای از همدیگر تشریح کرده است. فلج عضلات صورت را از روی علت موضعی و علت مرکزی جداگانه بیان کرده است.

در حالیکه در دوران تمدن اسلامی در اروپا پزشکان جایگاهی نداشتند و معمولاً برای درمان به دعا و جنبل متوسل می شدند در کشورهای اسلامی اطباء روز بروز بیشتر و متخصص بر می شدند.

ویل دورانت در این رابطه می نویسد: تنها در بغداد به سال هشتصد و شصت طیب رسمی بود. حق ویزیت طیبان به نسبت تقریباً به دربار خلفاء فزونی می گرفت.

طیب هارون بالغ 88/800/000 درهم اندوخته بود. از خلیفه در مقابل دو بار حجامت سالانه 100/000 درهم می گرفت. کنیزی فلج هستریک داشت و طیب خلیفه او را احضار و چنان کرد که می خواهد در مقابل حاضرین لباس از تن او در آورد کنیز تقلاً می کرد که لباسهای خود را حفظ کند که بر اثر این تقلاً فلج او برطرف شد. پس از او در قلمرو شرقی اسلام تعدادی طیب معروف به دنبال هم آمدند که از آن جمله یوحنا پس ماسویه را یاد کنیم که تشریح را در پیکر میمون مطالعه می کرد.

همچنین حنین ابن اسحاق مترجم معروف و مؤلف کتاب العشر مقالات فیالعين که قدیم ترین کتاب درسی منظم چشم پزشکی است و علی بن عیسی بزرگترین چشم پزشک اسلام که کتاب تذکره الکحالین وی تا قرن هجدهم در اروپا تدریس می شد قابل ذکرند.

خانم دکتر هونکه درباره کشفیات و کارهای بهترین جراح مسلمان یعنی ابوالقاسم اندلس می نویسد: یک جراح اندلسی بنام ابوالقاسم متولد 1013 میلادی با شرح امراض خون که مکررا در خانواده ای ملاحظه کرده بود به پیشرفت طب کمک کرد. همین پزشک به بررسی رما تیسیم مفاصل و سل ستون فقرات پرداخته بود یعنی هفتصد سال قبل از پرسیفال پت انگلیسی که بالاخره این مرض اخیرا بنام بیماری پت نامیده شد.

ابوالقاسم نه تنها تغییرات فراوانی در جراحیهای عمومی داد بلکه در مورد سوزاندن زخمها خوردن سنگ مثانه در داخل مثانه شکافتن و تشریح جسد انسان و حیوان برای کشف و شناختن علمی پیشرفتهائی را سبب شد.

او با روشها و وسائل طبی جدید به پیشبرد مداوای امراض زنانه کمک کرد. او کمکها و جراحیهای زایمانی را برای حالات مختلف زایشهای غیر طبیعی که ابتداء دست یا زانو یا پاهی نوزاد از شکم مادر خارج می شوند ابداع کرد همچنین در حالاتیکه نوزاد با سر خارج شده و یا از پهلوی چپ یا راست و یا اینکه طاق باز بیرون می آید کشف کرد.

همچنین از اوست آنچه امروزه بنام پزشک آلمانی و الشر اهل شهر اشتوتگارت نامیده می شود ، و این روش زایمان و الشر که زائو را در بعضی موارد برای کمک به وضع حمل آویزان می کنند.

او طریقه جراحی فرج (برای زایمان) را یاد می دهد. آئینه ای اختراع می کند که بوسیله آن اعضاء تناسلی زن را می توان از داخل دید و دستگاهی که بوسیله ان فرج را باز می کنند که بعدها یکی از وسایل بسیار ضروری مامائی می شود.

او طریقه معالجه نقصهای ساختمان دهان و فک را یاد می دهد. او برای بیرون آوردن پلیپ چنگک بکار می برد. او برای جراحی نای، برش عمودی می داد و نوکر خودش را به همین طریق با موفقیت جراحی کرد و آنچه معروفیت جراح زانوی (آمبروازپار) بدان استوار است که می گویند در سال 1552 میلادی برای اولین بار به بستن بزرگ رگهای خونی مبادرت کرده است، ششصد سال قبل از این همان ابوالقاسم این را تعلیم می داد. و بدان وسیله قطع دست و پا، علمی تر انجام می گرفته است.

ابوالقاسم به محصلینی که جراحی می آموختند سه نوع دوختن را برای دوختن شکم یاد می داد. او یک نوع دوخت دیگری هم که دو سوزن را به یک یک نخ می کنند و همچنین دوختن بانخی که از روده گربه می سازند برای دوختن محل جراحی و به طور کلی جراحی آن بخش از بدن که زیر ناف قرار دارد توصیه می کند که لگن خاصره و پاها را قدری بالاتر از سطح سینه قرار دهند.

از ابوالقاسم مقدار زیادی نقشه وسایل جراحی به جای ماند که بدست تقریباً خالی جراحان چشم، دندان پزشکها، و شکسته بندهای اروپائی افتاد که واقعا بدانها نیازمند بودند.

پزشکان مسلمان حتی در روانشناسی به دست آوردهایی نائل آمدند. خانم دکتر هونکه در این رابطه می نویسد:

روانشناسی پزشکی در نزد دانشمندان اسلامی حتی در موارد بیماریهای جسمی نقش مهمی بازی می کرده است.

نوشته هایی که معالجات روانی آنان هستند، خود بخشی را تشکیل می دهند، فیزیک دانی بزرگ بنام ابن الهیثم که در ابتدای تحصیل به علم طب پرداخته بود کتابی نوشته است بنام (تأثیر موزیک بر روی انسان و حیوان). ابن سینا خواستار آن بود که با امکانات پزشکی معالجات داروئی تأیید شود تا اینکه قدرت دفاع داخلی بدن در مقابل مرض بالا رود. و بدینوسیله روش طبی تکامل یابد. و او می نویسد: ما باید در نظر داشته باشیم که موفقیت آمیز ترین روش معالجه بیمار آنست که نیروهای فکری و ذهنی بیمار را نیز در مبارزه بر علیه بیماری تقویت و تهییج کنیم. محیط بیمار را با صفا و باروح و با

موسیقی مطبوع ترتیب دهیم و امکان همنشینی با کسانی که به آنان علاقه مند است را برایش فراهم کنیم.

در قرون مختلف نامهای پزشکان اسلامی در سراسر اروپا با احترام برده می شود و نامهای بوعلی سینا و زکریای رازی و ابن زهر و غیره در آن زمان مثل نامهای گالیله و نیوتون و انیشتین و بقراط برای اروپائیان موجب مباهات بود.

در این رابطه ویل دورانت می نویسد:

پزشکان مهم اروپا در قرن پانزدهم میلادی بیش از همه ، همان اسلامیهستها بودند که برای آنان ابن سینا ، ابن زهر ، علی بن عباس و ابو القاسم ، همه چیز محسوب می شدند.

و در همین زمان است که بغتتا تحولات هشیارانه ای در طرز فکر کارهای طبی اروپا مسلط می شود. یک نفر تحمل این زحمت را کرده است تا میزان تأثیر نفوذ دانشمندان اسلامی و یونانیان را در اوائل کار طب تجربی در اروپا به شکل آماری تعیین کند. او برای این کار کتاب طب (گراف فرازی داگردو) را انتخاب کرد. نویسنده این کتاب پروفیسوری است ، از شهر (پاویا) و آزمایشات خود را در این کتاب زبده به شکل علمی ارائه داده است. این کتاب شرح کتاب جدید المنصوری نوشته زکریای رازی است.

مضافا اینکه این کتاب ، اولین کتاب چاپ شده پزشکی در سال 1469 میلادی است. در این کتاب پروفیسور بیش از سه هزار بار از ابن سینا نام برده است و از زکریای رازی و جالینوس هزار بار و از بقراط یکصد و چهل بار.

خانم دکتر هونکه می نویسد:

در همان زمان که در ممالک اسلامی پزشکان با معلومات عالی شان بر بالین بیمار ایستاده و درباره ویروسها بحث می کردند در اروپا پزشک چیزی نبود جز یک دعا خوان از روی کتابهای دستوری و

یا وکیلی بود برای دفاع از ادعاهای کهنه چهار مایع صفرا، زرد آب بلغم و خون و یا سردی و گرمی مزاج.

و در تمام رشته های دیگر، دانشمندان مسلمان به مدت پانصد سال سرآمد دانشمندان جهان بودند

اما با کمال تأسف تمدن اسلامی در قرن هفتم به دلایل مختلف مضمحل شد

بعد از این دوره "دیگر این فرصت طلایی پدید نیامد تا اینکه انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید.

انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه استقلال و آزادی و نظام مبتنی بر اسلام را به ملت ایران هدیه نمود، باعث شد که روحیه خودباختگی که در بعضی از افراد بود از بین رفته و روحیه خودباوری و اعتماد بنفس جای آن را بگیرد.

با تکیه بر خودباوری ملت ایران، دنیا مشاهده کرد که جرقه هائی از تمدن اسلامی در ایران زمین زده شده و امیدهای زیادی برای احیاء مجدد تمدن اسلامی بسبک نوین در کشورمان زنده شده مخصوصاً با تدوین سند چشم انداز بیست ساله مقام معظم رهبری که باید با محقق شدن آن، ایران اسلامی در سال 1404 مقام اول اقتصادی و علمی و فناوری را در منطقه بدست آورد.

ارائه این سند توسط یک فقیه و مجتهد شیعه برای اولین بار در تاریخ یک قرن اخیر انجام شده و مشابه دیگری ندارد.

و این نشان می دهد که روحانیت نه تنها مخالف پیشرفت نیستند بلکه تلاش امام راحل و مقام معظم رهبری و مراجع معظم تقلید و نمایندگان مجلس و دولت کریمه برای این است که محرومیت و عقب ماندگی و ناآگاهی از این کشور رخت ببندد و مردم ایران بعد از تحقق سند چشم انداز شاهد ایرانی آباد، مرفه و پیشرو در علم و تمدن باشند و الگویی برای دیگر کشورهای اسلامی قرار گیرند. و جلوه کوچکی از حکومت جهانی حضرت مهدی عج را مشاهده فرمایند.

البته تحقق این امر نیاز به مجاهدت همه اقشار بخصوص جوانان متعهد ایرانی دارد که یقیناً با تلاش مضاعف آنان سند چشم انداز محقق می شود. و بعد از آن سند چشم انداز بیست ساله برای رسیدن به مقام اولی آسیا و شاید اروپا تدوین و انشاء الله محقق می شود و شاید با ظهور امام زمان عج، انقلاب علمی در جهان صورت گرفته و مردم دنیا از هر نژاد و مذهبی طعم شیرین اسلام ناب محمدی را احساس خواهند نمود.

قسمتی از متن سند:

بسم الله الرحمن الرحيم. چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی.

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی. در چشم انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل.

الان که در استانه سال 1402 هستیم باید این بشارت را بهم بدهیم که سند بیست ساله در شرف محقق شدن است و ایران اسلامی به بسیاری از اهداف سند بیست ساله دست پیدا کرده است. و یا در حال دستیابی می باشد.

در اینجا به چند مورد از پیشرفتهای ایران اسلامی اشاره میشود:

در دوران رژیم گذشته جنگی نبود، تحریم نبود و فشارهای اقتصادی وجود نداشت، رژیم شاه روزانه شش میلیون بشکه نفت می فروخت و ایران تنها ۳۰ میلیون نفر جمعیت داشت با این وجود فقر در کشور بیداد می کرد.

پیشرفت های علمی و پزشکی در ایران معنا نداشت، تا جایی که شاه برای جبران کمبود پزشک، از کشورهای هند و پاکستان اقدام به واردات پزشک کرده بود و در بیشتر مراکز درمانی و بیمارستان های کشور پزشکان خارجی مشغول بودند.

آمریکا در ایران حضور داشت و همه امورات کشور در دست آنها بود.

اما با حضور چند ده ساله آمریکایی ها در ایران هیچ پیشرفتی در کشور اتفاق نیفتاد.

صنعت خودرو سازی مطلقا مونتاژ بود و در همه زمینه ها وابستگی شدید وجود داشت.

لوازم پزشکی و داروهای نیاز کشور همه از خارج به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکا وارد می شود و اگر روزی آنها صادرات دارو و تجهیزات پزشکی را قطع می کردند، فاجعه ای در کشور رخ می داد.

ایران در دوران رژیم شاه وابستگی شدید به واردات مواد غذایی داشت و حتی میوه‌هایی که در ایران توان تولید داشت از خارج وارد می‌شد.

وابستگی شدید ایران در زمینه زمینه‌ها دیده می‌شد حتی در حوزه نظامی.

همه تجهیزات و تسلیحات ارتش ایران از آمریکا و برخی کشورهای اروپایی تامین می‌شد.

با وجودی که تسلیحات زیادی در دوران رژیم شاه خریداری شده بود، اما بیشتر آن‌ها بدون حضور مستشاران نظامی آمریکایی قابل استفاده نبود.

در سال ۱۳۵۶ نزدیک به چهل هزار مستشار آمریکایی در ایران وجود داشتند که حقوق همه آن‌ها از جیب مردم ایران پرداخت می‌شد.

نکته دردناک ماجرا اینجاست که این مستشاران برای خدمت در ایران حق توحش می‌گرفتند!

ارتش ایران در زمان رژیم شاه مستقل نبود تا جایی که فرماندهی این ارتش نیز با آمریکایی‌ها بود و رژیم شاه هیچ اختیاری در این زمینه نداشت.

تنها اگر بخواهیم در زمینه نظامی میان دوران رژیم گذشته و پس از انقلاب را مقایسه کنیم، دستاوردهای نظامی انقلاب اسلامی در طول ۴۲ سال عمر انقلاب بسیار فراتر از آن چیزی است که رژیم شاه با وابستگی شدید به آمریکا کسب کرده بود.

ایران در طول ۴۲ سال انقلاب، با وجود تحریم‌های نظامی توانست روی پای خود بایستد و در بسیاری

از نیازهای دفاعی و نظامی به خود کفایی برسد، اما رژیم شاه دلارهای نفتی را برای خرید سلاح اختصاص می‌داد که کارایی لازم را هم نداشت.

این که ادعا می‌شود ایران در دوران شاه ژاندارم منطقه بود، گزافه‌گویی است، چرا که اگر آمریکا سایه حمایت خود را از سر ایران برمی‌داشت و جنگی علیه ایران رخ می‌داد، رژیم شاه توان مقابله با آن را نداشت چرا که تجهیزات و تسلیحات خریداری شده نیز کارایی نداشت و کاربرد آنها با اجازه افسران و مستشاران نظامی آمریکا بود.

اما پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با تجربه ۸ سال جنگ تحمیلی توانست در زمینه ساخت سلاح و تجهیزات نظامی پیشرفت کند و بتواند مؤلفه قدرت و بازدارندگی خود را افزایش دهد.

پیشرفت‌های موشکی ایران که اکنون کابوس دشمنان شده است، داستان تلاش و کوشش دلاورمردانی، چون طهرانی مقدم و یاران و همقطاران او است.

زمانی که در دوران دفاع مقدس ارتش رژیم بعث با تجهیزات و تسلیحات کامل غربی و شرقی و موشک‌های دوربرد به شهرهای کشور حمله می‌کرد، ایران حتی یک فروند موشک نداشت تا بتواند پاسخ حملات موشکی ارتش رژیم صدام را بدهد.

واحد موشکی سپاه و ارتش گام به گام پیش رفتند و برای ساخت موشک از صفر شروع کردند و اکنون ایران یکی از قدرت‌های بزرگ موشکی جهان محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران اکنون به تنوع بسیاری از موشک‌های بالستیک و نقطه زن دست یافته است که دشمنان را وحشت زده می‌کند.

دستاوردهای موشکی جمهوری اسلامی ایران بدون کمک خارجی و البته با سنگ اندازی و کارشکنی و تحریم نظامی ایران به دست آمده است و همین امر باعث شگفتی بسیاری از کارشناسان نظامی جهان است که خود دستی بر آتش دارند.

مؤسسه مطالعات دفاعی و امنیتی انگلیس در گزارشی که خرداد ماه ۹۹ منتشر کرده نوشت «پیشرفت‌های ایران در حوزه توانمندی‌های موشکی، یک انقلاب فنی تمام عیار است.»

این مؤسسه در ادامه گزارش خود نوشت «توسعه قدرت موشکی، توانایی بازدارندگی را در اختیار ایران قرار داده و این کشور را قادر کرده با اتکای موشک‌های نقطه‌زن خود، دشمنانش را در صدها کیلومتر دورتر هدف قرار دهد.»

زرادخانه موشکی باعث شده ایران اطمینان حاصل کند که سایر کشورها بدون محاسبه وارد درگیری با تهران نخواهند شد.

آمریکایی‌ها یکبار طعم موشک‌های ایران را که بر سر پایگاه آمریکایی عین الاسد در خاک عراق فرود آمد چشیده‌اند.

افزایش برد و دقت در هدف قرار دادن اهداف یکی از مهمترین نکاتی است که در بکارگیری موشک باید به آن توجه داشت.

فرمانده کل قوا در دیدارهایی که با فرماندهان نیروهای مسلح داشته‌اند بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که ضریب خطا در موشک باید کاهش یابد.

همین دستور باعث شد تا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پس از مدت‌ها تلاش بتوانند با

افزایش برد موشک‌های بالستیک خود دقت در هدف‌گیری آن‌ها را نیز افزایش و خطای موشک‌ها را کاهش دهند و اکنون خطای موشک‌های بالستیک و دوربرد ایران به ۱۰ متر رسیده است که در زمینه پیشرفت موشکی یک دستاورد بزرگ محسوب می‌شود.

پیشرفت‌های موشکی ایران تنها به موشک‌های بالستیک و دوربرد خلاصه نمی‌شود بلکه در زمینه پدافند هوایی نیز ایران توانسته است با ساخت و تولید موشک‌های پدافند، آسمان کشور را امن کند تا جایی که توانسته است هواپیمای فوق پیشرفته آمریکایی که وارد حریم هوایی ایران شده بود هدف قرار داده و سرنگون کند.

در واقع آمریکایی‌ها طعم موشک‌های ایران را هم در هوا هم در زمین چشیده‌اند.

توانمندی موشکی اکنون در دنیا به یک راهبرد تبدیل شده و بسیاری از کشورها سعی دارند تا به این ابزار دفاعی دست یابند چرا که مؤلفه بازدارنده مهمی مقابل تهدیدات دشمنان است.

در کنار پیشرفت‌های موشکی ایران که حتی در زمینه هوا فضا نیز قابل توجه است، تولید پهپادهای پیشرفته با قابلیت‌های گوناگون، یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است که دشمنان را شگفت زده کرده است.

قدرت موشکی ایران آنچنان افزایش یافته و همچنان در حال پیشرفت است که دشمنان را از هرگونه تهدید بازداشته و متخاصم را پشیمان خواهد کرد.

دستاوردهای ۴۲ ساله انقلاب اسلامی بسیار گسترده و عمیق است و یکی از دلایل نگرانی‌هایی که در میان دشمنان دیده می‌شود نابود کردن انحصاری است که در اختیار آن‌ها بوده است.

ایران حتی در زمینه دانش کوانتوم نیز فعالیت دارد و چندی پیش بود که توانست نخستین انتقال اطلاعات از طریق کوانتوم انجام دهد.

آزمایش انتقال اطلاعات میان برج میلاد و سازمان انرژی اتمی انجام شد.

فقط شش کشور در جهان به این فناوری دست یافته‌اند و ایران نیز به جرگه کشورهای دارای دانش کوانتوم شده است که این دستاورد بی‌نظیر است.

فناوری انتقال کوانتومی کاملاً امن است، این فناوری در مسائل درمانی و پزشکی به ویژه در تصویربرداری نوین نیز کاربرد دارد.

علوم فضایی و ماهواره‌ای دیگر عرصه استفاده از فناوری کوانتومی است.

این شاخه پیشرفته علم از سال ۱۳۹۵ در ایران شکل گرفت.

فناوری کوانتومی، دومین انقلاب علمی در جهان نام گرفته است.

ایران در زمینه فناوری و تحقیقات سلولهای بنیادی جزء 10 کشور برتر جهان باشد و در حوزه فناوری نانو نیز رتبه ششم دنیا را داشته باشد.

در حوزه هوا-فضا نیز با اینکه فعالیت در این حوزه دیر آغاز شد اما طی سالهای اخیر در حرکتی جهشی با ارسال ماهواره و فرستادن موجود زنده به فضا؛ ایران موفق شد در میان 9 کشور صاحب چرخه کامل فناوری فضایی در دنیا قرار گیرد.

دستاوردهای ایران در عرصه هوا – فضا فصل مهمی از موفقیت های علمی ایران است . این در زمینه پروژه های صنایع فضایی و موشکی به پیشرفت های بزرگی دست یافته که موجب شگفتی است.

"آندره یفستراتوف" کارشناس امور خاورمیانه روسیه با بیان اینکه دستاورد های دانشمندان ایرانی در زمینه ربات سازی شگفت انگیز است، می گوید: پیروزی های ربات های ساخت جمهوری اسلامی در مسابقه های تخصصی بین المللی را می توان تصویر این واقعیت دانست.

"یفستراتوف" همچنین با اشاره به حضور دانشمندان ایرانی در اجرای طرح گسترده انرژی گرما هسته ای در طرح های بین المللی تصریح می کند: این پیشرفت ها نشان می دهند که محققان ایرانی در میان پیشگامان بسیاری از زمینه های علمی در سطح جهان قرار دارند.

در حوزه پزشکی نیز دستاوردهای بسیاری بدست آمده که تنها در یک بخش با خدمات بهداشتی ارائه شده پس از انقلاب اسلامی، ایران هم اکنون با وجود تحریم های ظالمانه از نظر افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ مادر و کودک، گسترش دانش آموختگان علوم پزشکی، پیشرو بودن در درمان های جدید، تولید داروهای مبتنی بر فناوری های جدید از جمله کشورهای تراز اول دنیاست.

جمهوری اسلامی علی رغم تمام تحریم ها و فشارهای ظالمانه کشورهای مستکبر با تکیه بر دانش بومی و تلاش جوانان متخصص خود توانسته به چرخه کامل سوخت هسته ای (غنی سازی) دست یابد و از نظر دانش علمی و فناوری در این عرصه در ردیف معدود کشور پیشرفته جهان قرار گیرد.

پیشرفت های علمی و دستیابی ایران به برخی از فناوری های نوین در کوتاه ترین زمان به گونه ای حیرت انگیز بوده که بسیاری از رسانه های جهان به آن اذعان کرده اند.

وبسایت «idgconnect» در تاریخ 19 ژانویه 2015 در مطلبی با عنوان «جایگاه علم در ایران» به قلم «آندرو براون» به رشد شتابان تولیدات علمی در ایران اشاره می کند و می نویسد: شاید برای

مردمان کشورهای غربی که عادت به تداعی ایران با سلاح هسته‌ای، تحریم‌های بین‌المللی، قوانین سخت‌گیرانه و... دارند، شنیدن اینکه ایران در رشد پژوهش علمی مقام نخست جهان دارد، تعجب‌برانگیز باشد، اما برای کسی برنامه هسته‌ای ایران را در نظر داشته باشد، اندکی از شنیدن این خبر تعجب نخواهد کرد.

اساس و پایه برنامه هسته‌ای ایران، علم است و ایران همچنان در حال کسب دست‌آوردهای زیاد در عرصه علم است.

علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی ایران در آئین یازدهمین سالروز ملی فناوری هسته‌ای با اعلام خبر بهره‌برداری از 'فاز اول مرکز پرتودهی صنعتی با استفاده از شتاب دهنده رودوترون'، 'مرکز تولید رادیو داروهای PET با محوریت تولید رادیو داروهای 'FDG' و 'اولین کارخانه پُرعیارسازی سنگ اورانیوم' گفت: "جمهوری اسلامی ایران چهارمین کشور دنیا و نخستین کشور غرب آسیاست که از مزایای این دانش بهره‌مند می‌شود. نخستین پایلوت آزمایشگاهی ایزوتوپ‌های پایدار در سایت فردو بزودی به عنوان پشتوانه بزرگ در حوزه تحقیقات و پژوهش‌های راهبردی هسته‌ای مورد استفاده قرار خواهد گرفت."

بر اساس گزارش «اسکوپوس» Scopus، ایران از نظر تولید مقاله‌های پژوهشی رتبه 17 جهان را کسب کرده است. این مرکز سنجش علمی، پورتال‌های معتبر پژوهشی و مقاله‌های دانشگاهی منتشر شده در سطح جهان را بررسی و کشورهای جهان را براساس مقاله‌های علمی رتبه‌بندی می‌کند.

«اندرو براون» با بیان این که سرعت رشد تولیدات علمی ایران در حوزه‌های مختلف علمی صورت گرفته در خصوص علت پیشرفت علمی ایران می‌نویسد: همانند هر جای دیگری پیشرفت چشمگیر تولیدات علمی ایران را نمی‌توان تصادفی دانست، دولت ایران پشتیبانی زیادی از پژوهش‌های علمی دارد و هم‌اکنون 75 درصد هزینه پژوهش‌های علمی را پشتیبانی می‌کند و تا بالاترین سطح آموزش عالی و صنایع مشارکت دارد.

«شلومو مایتال» از پژوهشگران ارشد اسرائیل در واکنش به رشد سریع علمی دهه اخیر ایران در تاریخ 6 ژانویه 2016 گزارشی هشدارآمیز خطاب به مقامات اسرائیلی با عنوان «آیا ایران برنده جنگ فن آوری خواهد بود؟» در پایگاه «جروزالم پست» منتشر کرد.

به نوشته «شلومی مایتال» هرتزل هالوی (Herzl Halevi) رئیس وقت اطلاعات ارتش اسرائیل در 29 اکتبر 2016 در نشست محرمانه‌ای در «دانشکده مدیریت تل آویو» گفته بود «اگر از من پرسید که آیا طی 10 سال آینده جنگی بین اسرائیل و ایران رخ خواهد داد، پاسخ من به این پرسش پاسخی تعجب برانگیز خواهد بود. باید بگویم ما هم اکنون درگیر جنگ با ایران هستیم؛ ما در حال جنگ فناوری با ایران هستیم. مهندسان ما همین حالا درگیر نبرد با مهندسان ایرانی هستند و روزه‌روز این جنگ نیز شدیدتر خواهد بود».

«هرتزل هالوی» در گفتگویی با روزنامه «هاآرتص» می‌گوید: از زمان پیروزی انقلاب 1979 (1357) تاکنون شمار دانشگاه‌ها و دانشجویان ایرانی 20 برابر شده است، در حالی که این رقم در اسرائیل 3.5 برابر است. روی آوری و ورود به رشته‌های مهندسی، فناوری و علوم پایه در ایران سر به فلک کشیده است.

به نوشته «شلومی مایتال» هم‌اکنون بیش از 2 میلیون دانشجو در رشته‌های مهندسی و علوم پایه در ایران تحصیل می‌کنند که از سال 2004، صدو شصت و یک درصد افزایش نشان می‌دهد. او اذعان می‌کند که دست‌آوردهای واقعی پیشرفت علمی ایران جهانیان را شگفت زده می‌کند.

بنا به داده‌های شرکت چند ملیتی «تامسون روترز» که اطلاعات جهانی را جمع‌آوری می‌کند و مرکز آن در شهرهای نیویورک و تورنتو است، ایران با توجه به چاپ مقاله‌های علمی در ژورنال‌های بین‌المللی در حال حاضر سریع‌ترین رشد تولید علمی در جهان دارد.

«شلومی مایتال» در پاسخ به چرایی رشد سریع تولید دانش در ایران همزمان با اعمال تحریمهای بین‌المللی می‌نویسد: طنز ماجرا اینجاست که تحریم‌هایی اقتصادی که غرب برای اعمال فشار به ایران وارد کرد در واقع عامل اصلی رشد سریع تولیدات علمی در ایران است.

سازمان یونسکو در گزارشی در بخش علمی این نهاد که با عنوان «به سوی 2030» منتشر شده می‌نویسد: تحریمها (علیه ایران)...چالش جدی را برای سیاستگذاران ایجاد کرد تا برای تولید ثروت تمرکز خود را از صنایع استخراجی به سمت سرمایه انسانی چرخش دهند که این امر به روند تغییر اقتصاد منابع-محور به اقتصاد دانش‌پیمان شتاب بخشید.

بر اساس گزارش یونسکو، ایران در زمینه حجم مقامات علمی مرتبط با نانو تکنولوژی رتبه هفتم جهان داشته و بین سال‌های 2006 تا 2011 شمار شرکت‌های مشغول به فعالیتهای R&D تحقیق و توسعه) بیش از دوبرابر شده است.

ورود موفقیت آمیز و همزمان ایران به جمع کشورهای پیشرفته در زمینه علوم جدید مانند نانو تکنولوژی از دیگر افتخارات ایران پس از پیروزی انقلاب است. ایران اکنون رتبه هفتم جهانی را در این زمینه بدست آورده است. در سایر علوم و فناوری های نوین نیز جوانان ایرانی با کسب موفقیت‌های جهانی در مسابقات و المپیادهای مختلف علمی جهان، نشان دادند که می توانند حتی با وجود سخت ترین تحریم ها و کارشکنی ها راه پیشرفت و اقتدار را طی کنند.

همه پیشرفت‌های ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شرایط به دست آمده است که هیچ کشوری در دنیا با این شرایط دشوار روبرو نبوده است و عصبانیت آمریکا و دیگر دشمنان جمهوری اسلامی ایران نیز به خاطر آن است که تحریم‌ها و تهدیدات برای ایجاد مانع مقابل پیشرفت مردم ایران بود، اما می‌بینند که نه تنها موانع باعث جلوگیری از پیشرفت در ایران نشده است بلکه باعث انگیزه و سرعت گرفتن پیشرفت در همه زمینه‌های گشته و اکنون ایران در منطقه غرب آسیا تنها کشوری است

که توانسته واکسن ویروس کرونا را تولید کند و بار دیگر انحصار مطلق دانش را که نظام سلطه در اختیار خود گرفته بشکند.

ایران؛ در زمره امن ترین کشورهای جهان (طبق رده بندی دو موسسه معروف انگلیسی بنام " اینترنشنال SOS و کنترل ریسک "؛ ایران، قطب پزشکی خاورمیانه؛ ایران، کشوری که نامی از آن در لیست ۵۰ کشور پر سرطان جهان وجود ندارد (طبق لیست منتشر شده توسط بنیاد بین المللی پژوهش در مورد سرطان)؛ ایران، دارای دومین ارتش قدرتمند سایبری جهان (به اقرار نشریه اکونومیست)؛ ایران، چهارمین کشور جهان در زمینه علم نانو؛ ایران، دارای سومین مرکز پیوند عضو برتر جهان (بیمارستان نمازی شیراز)؛ ایران، سریع ترین کشور جهان از نظر رشد نوآوری؛ ایران، سومین کشور پیشرفته جهان در زمینه دانش سلول های بنیاد؛ ایران، ششمین کشور پرتاب کننده موجود زنده به فضا؛ ایران، طراح و سازنده قدرتمند ترین سلاح تک تیرانداز جهان؛ ایران، یکی از چند کشور سازنده

جت جنگنده در جهان (جت کوثر)؛ ایران، پنجمین کشور تولید کننده کاغذ از سنگ در جهان؛ ایران، تنها سازنده داروی آنژی پارس (درمان زخم های دیابتی) و ایمود (کنترل بیماری ایدز) در جهان؛ ایران، ۳۷امین صادر کننده برتر جهان در بین ۲۲۷ کشور (طبق گزارش بخش اقتصادی سازمان سیا)؛ ایران، دومین کشور سازنده دستگاه شتاب دهنده خطی پرتو درمانی در جهان؛ ایران، دوازدهمین کشور جهان در زمینه دندانپزشکی؛ ایران، یکی از چند کشور جهان که بیش از ۹۵ درصد داروهای مورد نیاز مردمش را خودش تولید میکند؛ ایران، سیزدهمین قدرت برتر جهان از نظر سیاسی نظامی و اقتصادی (طبق گزارش روزنامه ایندپندنت انگلستان)؛ ایران، پرشتاب ترین کشور دنیا در زمینه رشد امید به زندگی (طبق جدول سازمان ملل)؛ ایران، یکی از چند کشور سازنده ناوشکن های اقیانوس پیما در جهان؛ ایران؛ پر سرعت ترین کشور جهان در زمینه رشد شاخص توسعه انسانی (بر اساس جدول سازمان ملل)؛ ایران، پنجمین کشور جهان در زمینه فناوری برتر قرن ۲۱ یعنی لیزر؛ ایران، رتبه اول خاورمیانه و هفدهم جهان در زمینه پرورش آبزیان؛ ایران، هشتمین کشور جهان از نظر گسترش خطوط لوله کشی گاز و بهره مندی مردم از گاز؛ ایران، از پیشرفته ترین کشورهای جهان در زمینه درمان ناباروری؛ ایران، بیستمین کشور جهان از نظر ترانزیت دریایی؛ ایران، دارنده چهارمین نیروی بزرگ دریایی جهان (بر اساس رده بندی وب سایت آمریکایی (BusinessInsider)؛ ایران، دارنده بالاترین نرخ رشد پذیرش دانشجوی خارجی در جهان (طبق گزارش سازمان یونسکو)؛

این موارد گوشه ای از پیشرفت های ایران پس از انقلاب است که جهان بر آن صحه گذاشته است.